د مصطفی عمرزی په زیار

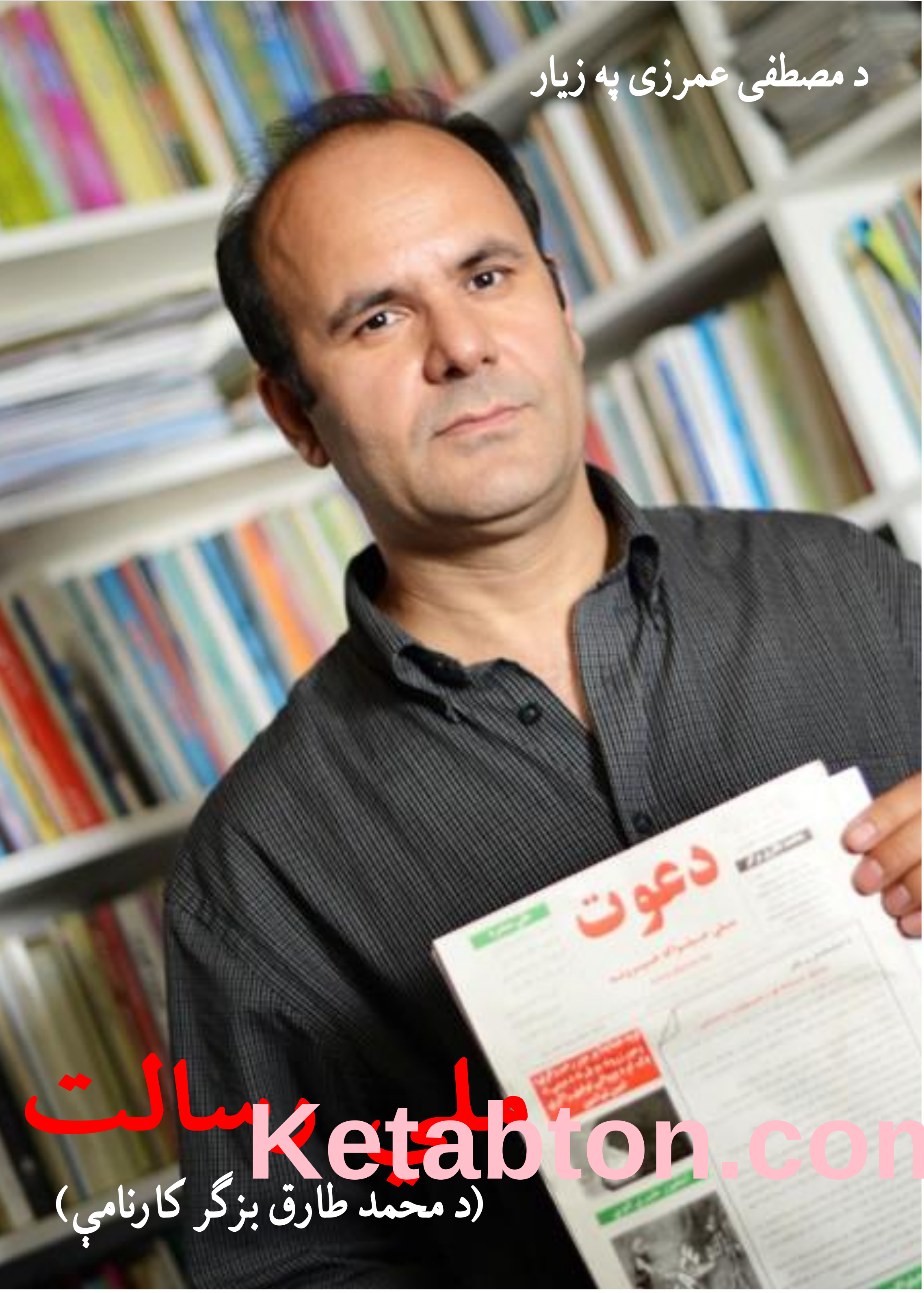


# ملي رسالت

(د محمد طارق بزگر کارنامي)

Ketabton.com

(c) ketabton.com: The Digital Library

د لوی خدای په نامه

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت نشريې د يو ديرشم کاليزې په وياړ
به افتخار سی و يکمين سال نشريه ی دعوت

# ملي رسالت/ رسالت ملی

(د محمد طارق بزگر کارنامې/ کارنامه ی محمد طارق بزگر)

د مصطفی عمرزی په زيار

2019/۱۳۹۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

# کتاب پیژندنه

نوم: ملي رسالت / رسالت ملی

راټولونه، تنظیم او بیاکتنه: مصطفی عمرزی

سمونه: م.ع – م.ط.ب

دیزاین: م.ع

ژبې: پشتو او دری افغانی

مخونه: 203

خپرونکې: م. ط. ب

د چاپ شمیره: لمړی

چاپځی: کی یف – اکراین

ټوکې: 1000

کال: ۱۳۹۸/2019

ISBN: 978-82-691395-3-2

---

د دې کتاب د چاپي، انلاین او هر ډول خپراوي خوندي دي!

(c) ketabton.com: The Digital Library

په دی کتاب کې:


۱- رسالت ملی........................................................1
**لمړی څپرکی/ محمد طارق بزګر**........................................5
۲- حبیب الله غمخور...................................................5
۳- محمد نقیب تره خیل................................................21
۴- قدرت الله هیوادپال................................................24
۵- محمد سرور وکیلی.................................................27
۶- امرالدین سرحد....................................................28
۷- استاد کم باور کابلی...............................................29
۸- پوهنمل رحمت څواکمن............................................30
**دویم څپرکی/ دعوت**.................................................32
۹- مصطفی عمرزی....................................................32
۱۰- سراج الحق ببرک زی ځدراڼ.......................................34
۱۱- کاندیدای اکادمیسین استاد محمد اعظم سیستانی.................40
۱۲- عبدالغفار جُبیر....................................................46
۱۳- قریب الرحمن سعید...............................................48
۱۴- محمد آصف ننګ..................................................51
۱۵- سردار ولی پشتون زوی............................................54
۱۶- شاهی سعادت.......................................................56
۱۷- استاد کاظم بیمار ننګرهاری.......................................58
۱۸- شکریه بارکزی....................................................60
۱۹- داکتر حضرت عمر زاخیلوال.......................................61
۲۰- داکتر نبی مصداق.................................................63
۲۱- محمد نقیب تره خیل...............................................66
۲۲- ذاهد جلالی.........................................................68
۲۳- داکتر محمد نواب ویساند...........................................70
۲۴- دکتور محمد عثمان روستار تره کی................................73
۲۵- فهیم نظیمی........................................................75
۲۶- بیکسیار............................................................76
۲۷- داکتر جمشید سمون................................................79

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۸- اجمل روهی........................................................................83
۲۹- سرلوخ مرادزی....................................................................85
۳۰- دکتور استاد سید خلیل الله هاشمیان...............................87
۳۱- پوهاند داکتر محمد حسن کاکر.........................................89
۳۲- داکتر عبدالصمد حامد......................................................93
۳۳- هلمند پردیس....................................................................95
۳۴- استاد صباح........................................................................97
۳۵- استاد ابوبکر ساپی..............................................................102
۳۶- محمد امین بسمل..............................................................103

**دریم څپرکی/ پیغامونه**......................................................106

۳۷- ولي الله ملکزی..................................................................106
۳۸- استاد عمر پاڅون................................................................108
۳۹-داکتر صلاح الدین سعیدی..................................................109
۴۰- نجم شینواری.....................................................................110
۴۱- عظیم الدین علیمی............................................................111
۴۲- استاد صباح........................................................................112
۴۳- داکتر لطیف یاد.................................................................113
۴۴- عاشق فنا...........................................................................114
۴۵- ف. هیرمند........................................................................115
۴۶- انجنیر فضل احمد افغان..................................................117-116
٤٧- د ادیسی ادبی ټولنی پیغام.................................................118
۴۸- نیک هدایت ځاځی.............................................................120
۴۹- محمد ایاز نوری................................................................121
۵۰- استاد محمد اسمعیل یون...................................................123
۵۱- د زلمو پاڅون ټولنه..........................................................126
۵۲- محمد یوسف هیواددوست................................................130

**څلورم څپرکی/ د بزګر څیره**..............................................132

۵۳- در مستند نارویژی «پناهنده»..............................................132
۵۴- در مطبوعات غربی............................................................136

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵۵- ستایش در انجمن فرهنگ افغانی.............................148
۵۶- ستایش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان.........150
۵۷- ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن..................153
۵۸- در گزارش تلویزیون ناروی..........................................154
۵۹- ستایش نامه ها..........................................................155
**پنځم څپرکی/ د دعوت نوستالژی**..........................................163
**شپږم څپرکی/ د انځورونو البم**..............................................186
معرفی مصطفی عمرزی.....................................................200

(c) ketabton.com: The Digital Library



# رسالت ملی
(مقدمه)

بی جا نیست اگر اذعان شود مواضع ملی ما از شروع تاریخ بحران (هفت ثور) تا کنون، افغان های بی طرف بوده اند. در این جریان، رفقای خاین که از امکانات دولتی، به جا مردم می افتند، در برابر خود در جبهاتی که از خشم ملت ساخته بودند، افغان ها را بسیج می کردند تا از کشور دفاع کنند. از همان زمان، سلسله ای از آدرس ها از گذشته، آینده و سرنوشت ما می گفتند. در این میان، آدرس هایی که با دیگران/ بیگانه گان گره خورده بودند، حتی در خط مقاومت ملی مردم، شبیه رفقایی عمل می کردند که آرامش خاطر را در کنار روس ها پنداشته بودند. برادران اخوانی تنظیم هایی که از شکم سیری میل کرده بودند از طریق افغانستان به بهشت بروند، آسایش افغان هایی را می گرفتند که دنبال تفهیم مسئله ی ملی می شدند.
رهبران مردمی که حول شاه پیشین، زنده یاد اعلی حضرت شاه محمد ظاهر(رح) گرد می آمدند، در دستان بسته ی شاه مرحوم، ریسمان هایی را می دیدند که ساخت شرق و غرب بودند. در آن سال ها، حتی طرح ملی موضوعات، گونه ای از تکفیر شمرده می شد. بازار الحادی و جهادی از کیسه های غربی و شرقی تمویل می شدند. بنا بر این، حاکمیت دولتی، ممثل منافع شوروی بود و جهاد افغان ها در خط اخوانیسم، از مردم و منافع ما دورتر می رفت. سخن از رفیق و برادر بود، اما ذهنیت افغان پابرجا که مسئله ی ملی را دوباره روی کار آورد، طیف دیگری از افغان ها را متحد می کرد که در هجرت می زیستند.
نشرات داخلی با اباطیل دولتی و نشرات بیرونی، به ویژه در جبهات تنظیم ها، پُر از تضاد و تناقض حامیان الحاد و توحیَد بودند. تورق تاریخ آن روز ها خلاف برداشت های چپی و راستی، محرز می کند محرکه گیریان تنازع، مُهره های بازیگرانی بودند که با عقب و جلو، بگیر و ببند، فتح و سقوط شهر ها در کمال راحتی و آرامش، در جلسات شرقی و غربی گرد می آمدند تا از همدیگر باج بگیرند یا به بهانه ی جنگ، صلح کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library



در واقع یافت تصویر واقعی مردم قربانی ما در آیینه ای متصور بود که خود آنان ساخته بودند. رسالت ملی محمد طارق بزگر، بخشی از علایق انسانی، شریفانه و ملی افغان هایی ست که در دیار هجرت، در پشت جبهات جنگ و فراموشی، مردم را به یاد افغانستان می انداختند. آن وطن، تداعی روز هایی بود که آزاد بودند.

تلقین حس ملی به طیفی که در گیر و دار قربانی می دادند و در سوی دیگر در دیار هجرت، از اصل گسسته می شدند، سعی ای بود که در کورسوی درک همه گانی، اما مجریان و قربانیان جنگ را به باور های ملی، نزدیک می کرد.

تا پایان حکومت ملا برهان الدین ربانی، منافع و مصالح ملی، قربانی موضع گیری هایی شده بودند که به اصطلاح در حد سگ جنگی های داخلی، گروه های متخاصم را به جان هم می انداختند تا با اشغال چند منطقه و ساحه ی ویران، از فتوحات دم بزنند.

امید های مردم با حاکمیت تنظیمی نابود شدند. بنا بر این، روشنگری هایی که همچنان هویت افغانستان را از لجن پی آمد تجاوز شوروی بیرون کنند، افغان های بی طرف، اما صاحب درک را به قربانی و ایثار بیشتر می کشاندند.

کتاب «رسالت ملی»، روایت مستند از زنده گی یک فرزند با درک و با وجدان این کشور است. من در این تجربه در انظار بزرگانی که این جریان(دعوت محمد طارق بزگر) را بهتر از من می شناختند، به نقاط پایان نکات مهم رسیدم. این افاده، خوب تر از آن چه سعی می کردم از منظر احاطه ی من به تاریخ، بخشی از رسالت ملی یک افغان را تاریخی کند، اهمیت دارد.

راویان «رسالت ملی»، ماخذ و منابع این کتاب اند. از کوچک ترین ها (به لحاظ سن) تا بزرگ تر ها (به لحاظ دانایی) مستندی از زنده گی مردی پرداخته شده است که در نمونه های او، بسیار نیستند. بخشی از این روایت برای من که در جریان جهاد بزرگ در کابل غمین، تکاپوی رفقای خاین را شاهد بودم، ضم مهم است؛ پشت جبهه ای که از پاکستان تا فراسوی مرز ها، افغان های دردمند را در سوگ وطن در مجامع مهاجران و پناهنده گان گرد می آورد تا در فراق کاشانه عزا

(c) ketabton.com: The Digital Library



بگیرند، اما یاد شان نرود سرنوشت مملکت در گرو افکاری ست که یکی با دعوت دیگری از زنگاره های باد و بوران تاریخ می زدودند.
تامل روی برگ های دعوت، خلاف برداشت دیگران، صورت حال صفای افغان هاست. در این کوشش در هجرت سعی می کردند هستی و زنده گی از حافظه ی افغان ها فراموش نشوند.
روایت سیاسی، جهادی و خبری سال های بحران، قسم معمول نشرات افغانی، به ویژه افغان های مهاجر بود، اما ویژه گی بسیاری آن ها با ترسیم اصالت های زمان صلح، از نگرانی دایم حرف می زد.
محمد طارق بزگر در مجموعه ای از نوشته هایی که به مناسبت های دعوت، پیرامون او و نشریه اش نوشته اند، حضور محسوس تاریخی دارد. بر این اساس ترجیح دادم به حرف دوستان و بزرگانی گوش دهم که بسیاری در شمار افغان های مهاجر، خیلی بهتر از برداشت من از کارنامه ی او می دانند: قیمت سال ها ایثار و دردسر فرهنگی در دیار هجرت، چه قدر است؟
راویان کتاب «رسالت ملی»، رسالت ملی محمد طارق بزگر را مشروح کرده اند. کار من در این اثر، بیشتر تنظیم نقش ها، نگاره ها و نوشته هایی بود که گزیده ای از دعوت ملی، اسلامی و افغانی ما برای تحفظ سرزمین آبایی و اجدادی نیز شمرده می شوند.
آشنایان دعوت و دوستان بزگر با شرح ماوقع بخشی از گذشته ی ایثار یک فرزند باوجدان این کشور، راه گشایند تا در این مثال، بازخوانی تاریخ غیر سیاسی افغان ها هم که رابطه ی منطقی آنان با قبل از هفت ثور است تفهیم کند: نیاز به گردآوری و تنظیم تاریخی داریم که در برگ های زمان هجرت در هر جا که قدوم افغان های دردمند، شروح مهاجرت هستند، با محتوای ملی به چشم می خورند.
در این کتاب، گزیده ای از نگرانی های افغان های آگاه در واقع ابواب نو می گشایند تا از عواطف، درک و احساسات ملت که در حاکمیت های کمونیستی، تنظیم و ملایی، اما حق حیات ما را فراموش نکرده بودند، به پیام هایی ملحق شوند که از مجموعه ی آن ها صدای ملت افغان در هرج و مرج سیاسی، زیر فشار های شرق و غرب، هرگز خاموش نشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library



نوشته های این مجموعه، گزیده هایی از وقت و ناوقت مناسبت های دعوت و بزگر می باشند؛ عواطف گره خورده ی درهم که غایه ی آن ها شرح ماجرای رسالت ملی است؛ آن ها را در مقام تبیین نیاز ها، منافع، مصالح و اولویت های ما قرار می دهند.

مبدا، محتوا، ارزش و تداوم نوشته های فرهنگیان و قلم به دستان، این کتاب را در نتیجه ای مختص می کنند که منظور آنان از کار فرهنگی، غایه ی خدمت به مملکت و حفظ شوونات آن است.

رسانه ی دعوت و محمد طارق بزگر، دو نام پیوسته به هویت و مملکت ما در سال هایی شناخته می شوند که سرمایه های کلان مالی و بشری در جبهات شرق و غرق، حیف و میل می شدند.

مرور دعوت تاریخی مردم ما آشکار می کند اگر این محور ها (امثال دعوت و بزگر) نبودند، زاده گان زمینه ی جنگ و ویرانی در منظر تار و تاریک حیات محکوم به فنا، چه گونه آگاه می شدند که گذشته دارند و بخشی از آنان با هجرت در دیار غربت فراموش نکنند افغان استند!

مصطفی عمرزی

۱۱/ ۸ / ۱۳۹۷ش

آپارتمان های مارکیت ملی

کابل- افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library



لمړی څپرکی:
محمد طارق بزگر

**د محمد طارق بزگر د دعوت جريدې**
**او ويب پاڼې مسوول مدير لنډ ژوندليک**
حبيب الله غمخور

د پښتو ادب ستوري الفت صاحب د دې ښکلي شعر په لوړېنې سره زموږ د دې ځوان او هځاند فرهنګي شخصيت، ليکوال، او ژورناليست ښاغلي محمد طارق بزګر لنډه پېژنده پيلوم.

د وطن د شرف سپريم نه وېرېږم
که د تورو ګذارونه دم په دم خورم
دا خوږي، غوږي کولې دې وي د نورو
د وطن د فاع کښې زه ګولۍ د بم خورم
چې په سر مې د وطن خدمت منلی
څه پروا ده که خپل سر لکه قلم خورم

د ښاغلي محمد طارق بزګر زموږ تکړه ليکوال او فرهنګي څېرې ۲۳ کلن فرهنګي او ولسي چوپړ يادغونډې ته ئي ډالۍ کوم.
د پيل خبري:
درانه لوستونکي خبر دی چې د سويډن پلازمېنه ستوکهلم په ښار کې زموږ دځوانانو د ((زلمو پاڅون ټولنې)) لخوا د ځوان فرهنګي څېرې د علمي او فرهنګي چوپړ د درنښت په وياړ د روان کال د دسمبر پر لسمه يوه درنه غونډه رابللې ده.
يا خو ښاغلی محمد طارق بزګر صاحب ځوانه فرهنګی څېره ده او يا خو لا موږ تر اوسه دې کچې ته نه يو رسېدلي چې د خپلو شخصيتونو ژوندليک ولرو. د غونډو د معمول او دغې تشې د ډکېدو په موخه مې پرېکړه وکړه د خپل دې فرهنګي دوست د پېژندليک د ماڼۍ ډبره کښېږدم.
پدې پوره باور لرم چې د بزګر صاحب ژوندليک به تر دې چې ما ليکلئ څو ځله اوږد او لوستل به ئي زموږ ځوان نسل ته ګټور وي. سره

(c) ketabton.com: The Digital Library



له دې چې د ښاغلي طارق بزګر صاحب د کار او فرهنګي چوپړ سره به ډېر هیوادوال اشنايي ولري، خو د دې لیکنې نه زما موخه داده چې له یوې خوا مې د هغه زیار او زحمت ستاینه کړې وي او د بلې خوا مې لږ او ډېر د دې درونډ شخصیت په هغو اړخونو لوستونکي خبر کړي وي چې دوئ لا پرې خبر نه دي.

کله چې سویډن ته راکډه سوم دلته مې د فرهنګي ګټورو کارونو چې موخه ئې له یوې خوا په بهر کې د افغاني کلتور ژوندی ساتل او د بلې خوا ځوان نسل د دې کلتوري ارزښتونو سره په پیوند کې روزلو اړتیا احساس کړه، له نېکه مرغه دغه هدف ته د رسېدو لپاره د خپلو یو شمیر هیوادوالو ملاتړ مې سم دواره احساس کړ. د دوئ په هڅونه مې فرهنګي کارونو او پدې برخه کښې د ګټورو ګامونو پورته کولو ته زیاته پاملرنه وکړه. زما د همدې وطندارانو د هڅونې او ملاتړ په پایله کښې پر دې بریالی سوم په ۲۰۰۰م کال کې د لومړی ځل لپاره د پښتو ادب ستوري، سیاسي او ادبي شخصیت اروابناد ګل پاچا الفت په ویاړ نړیوال علمي سمینار د مالمو په ښار کې جوړ کړ. په همدې سمینارکښې د ډېرو فرهنګي، علمي او سیاسي شخصیتونو تر څنګ د دې منلي او هڅاند فرهنګي شخصیت سره معرفي شوم. زموږ دوستی او د ګران هیواد افغانستان لپاره ګډه فرهنګی همکاري او هڅې تر نن ورځې پوري دوام لري.

دا چې په سویډن کښې د ژوندو فرهنګیانو، ادیبانو، شاعرانو او ژونالستانو د ستاینې او هڅونې، د ملي او وطني چوپړ د درناوي او ارزونې په ویاړ یو په بل پسې درنې غونډې جوړیږي، زما او ټولوافغانانو لپاره د ویاړ ځاي دی.

دې ټکي ته مې پدې خاطر ګوته ونیوله چې له بده مرغه تر اوسه لا څنګه چې اړینه ده او په نورو ولسونو کې د ملي عنعنې بڼه لري په موږ افغانانو کې د خپلو ژوندیو څه قدر نسته. کله چې خداي نخواسته مړ سي، یوه نیمه ورځ ئې ویر وکړو او بیا د ابد لپاره رانه هیر سي. هغه د محترم ننګیال صاحب خبره ((نه د ژوندو چندان قدر کوو او نه د مړو.))

(c) ketabton.com: The Digital Library



د دې ناخوالو سره پدې وروستیو لسیزه کښې د ځوانو فرهنګیانو او روڼ اندو په هڅو او تلاښونو د فرهنګي ټولنو په مټ معقوله مبارزه روانه ده. د همدې ملي او معقولو تلاښونو په پایله کښې دا دي اوس د دې پروسې شاهدان، یو چې نه یوازي له هیواد نه بهر بلکې د داسي ستاین غونډو لمن تر افغانستان پوري هم غزیدلي ده.

اوس د ژوندیو لیکوالو، ادیبانو، شاعرانو، ژورنالیستانو او فرهنګیانو د ملي او وطني چوپړ درناوی کیږي او د هغوئ د ستاینې په موخه علمي او ادبي درنې غونډې جوړیږي او د همدې غونډو د جوړېدو په درشل کښې زموږ د ټولنې د ژوندیو ویاړونو ستاینه کیږي او هغوئ نور هم علمي او ادبي چوپړ ته هڅول کیږي.

زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه یوازي فرهنګي شخصیت دی بلکې یو کارنده ژورنالست او تکړه لیکوال هم دی. د دعوت جریدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم لیکل سوی، چې د ده د پوهې او وطني مینې ښکارندویه بېلګه ئې ګڼلای سو.

ښاغلی محمدطارق بزګر نه یوازي د بیلابیلو مقالو په لیکلو سره بلکې دا ((۲۳)) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ایزو رسنیو په أسمان کښې د دعوت په نوم جریدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې ئې نه یوازي دا چې د خپلو لیکوالو او سیاسي څېړونکو نظریات تر هیوادوالو او نړیوالو رسولي، دا دي اوس ئې د ۱۹۹۷ کال را پدې خواد دعوت جریدې د نشرېدو تر څنګ دعوت ویب پاڼه پرانیستې او له دې لاري هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان لیکوالو ته د خپلو نظریاتو، علمي او ادبي لیکنو د نشر پوره امکانات برابر کړي دي.

ماته رامعلومه ده چې په بهر کې د یوې چاپي رسنۍ د کار پرمخ بېول څومره ستونزمن کار دی، خو ویاړ ئې پدې کښې دی چې د همدې رسنۍ په مټ لیکوال او ولس یو د بل په حال خبرېږي. ماته د بزګر صاحب هڅې او تلاښونه له نږدې معلوم دي او د ده د دې فرهنګي چوپړ په ملي ارزښت پوهیږم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



د دعوت پر ټنډه لیکل سوی چې میاشتنی خپرونه ده، خو زه به ورته ورځپاڼه پدې خاطر ووایم چې په دعوت کې خپاره شوی مطالب دومره عالي او بډاي وي چې په یوه او دوو میاشتو کې نه زړېږي.
زه زموږ ځوان نسل ته مشوره ورکوم چې هره ورځ دعوت ته مراجعه وکړي او له هغه سره په مشوره د هیواد او نړۍ په هکله نوي نظرونه، نېکي مشوري او معلومات ترلاسه کړل شي.
زه نه غواړم پدې لیکنه کښې چې د بزګر صاحب ژوندلیک ته مې ډالۍ کړېده د دعوت جریدې پر فعالیت او ملي ادبي ارزښت باندي ډېري خبري ولیکم. دومره غواړم څرګنده کړم چې دعوت اوس یوازي داسي خپرونه نه ده چې د ملي کلتور او ثقافت ساتلو او ادبیاتو په پیاوړتیا کښې ویاړلۍ ځای لري، بلکې د افغان قلموالو په بې ساري مرستي د افغانستان د سیاسي، اقتصادي، فرهنګي او ټولنیزو پېښو د ځو کلن تاریخ په کتابتون او أرشیف او د ورځنیو مسائیلو په اړوند د افغان ولس د نظریاتو او عقایدو د انعکاس په ډګر بدل سوئ دی.
طارق صاحب د لیکوالۍ او فرهنګی چوپړ په برخه کې د قلم چلولو تر څنګ د افغانستان د سیاسي حالاتو په اړوند هم د ننداره کوونکی په توګه ندی پاته سوی. د خپل ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې د ملي ګټو او هیوادوالو د هوسا او بسیا ژوند راوستو لپاره هم د فرهنګی ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې تلاښونه کړې دي او پر دې لار تر اوسه هم روان دی؛ ځکه خو ئې د افغانستان په اړوند په ټولو هغو کنفرانسو او غونډو کې چې په اروپایي هیوادو کښې جوړ سوی، فعاله برخه اخیستې؛ په کومو کې چې د ګډون حق او بلنه ورکړه سوې ده. همدا ډول ئې د اروپا په مختلفو هیوادو کې د فرهنګی ټولنو په نوښت علمی او څېړنیزو کنفرانسونو، سمینارونو او غونډو کې هم فعاله برخه اخیستنې ده. دا خو لا پرېږده چې دا ۲۳ کاله د کډوالۍ د ژوندله ټولو کړاونو او سرګردانیو سره د دعوت جریدې او دعوت ویبپاڼې د خپرېدو تر څنګ دا دی اوس د یوه پښتو ژبې تلوېزیونی چینل د جوړېدو لپاره شپه او ورځ نه ستړې کېدونکی تلاښونه کوي.
زه محمدطارق صاحب ته پدې وطنی او ملي فرهنګی چوپړ کښې د لازیاتو بریاو په غوښتلو سره خپلې تبصرې لمځی رانغاړم او غواړم درنو

(c) ketabton.com: The Digital Library

لوستونکو ته په لنډو ټکو کښې د دوي دغه فرهنګی چوپړ دبڼ د مالیار، تکړه لیکوال او ژورنالست وروپېژنم.
زیږېدنه، یا دې نړی ته سترګې غړول:
د پښتو ژبې دغه پېژندل سوې څیره او ژورنالیست محمد طارق بزګر له نن څخه پوره ۴۵ کاله پخوا دې نړی ته په ۱۳۴۵لمریز کال د کنړ ولایت د نرنګ ولسوالۍ اوسېدونکی اروابښاد عبدالقیوم بزګر په یوه منوره او متدینه کورنۍ کښې دنیا ته سترګې غړولي دي.
اروابښاد عبدالقیوم بزګر د کابل پوهنتون د حقوقو او سیاسي علومو پوهنځی نه تر فارغېدو وروسته د ظاهر شاه او داوودخان په رژیمونو کښې مختلفې دولتي دندو په کار ګمارل سوئ دي او هغه ئې په پوره امانتدارۍ او صداقت سرته رسولي دي.
ښاغلي طارق بزګر لومړنۍ او منځنۍ زده کړی د کابل ښار په مختلفو ښوونځیو کښې سرته رسولي دي. نوموړی لا د کابل ښار د نادریې لیسې په یولسم ټولګی کښې په زده کړې مصروف و چې دی پر افغانستان د شوروي اتحاد د یرغل په وړاندې د مخالفت له مخې په ۱۹۸۰ کې له کابل نه د پېښور په لور هیواد پرېښېدو ته مجبور سو؛ په داسې حال کې چې کورنۍ لا په کابل کې اوسیده.
د نوموړی په وینا هلته هم د کورنۍ لخوا ورته تل د زده کړو سپارښتنه او هڅول کیده، ځکه خوئې عالي تحصیلات د پېښور په اسلامیه کالج او د پېښور پوهنتون نه په سیاسي علومو او اسلامیاتو په برخه کښې عالي او مسلکي تحصیلات په بری پای ته ورسول.
په کوزه پښتونخوا کښې تر اته کاله ژوندکولو وروسته په ۱۹۸۸ ز کال د یوازې د ناروی هیواد ته رامهاجر سو. د هغه کره معلوماتو له مخې چې په ناروی کښې ئې د ښاغلی طارق بزګر په اړه لرم دلته ئې هم د ناروې دلوړو تحصیلاتو په موسسه کښې (Bodø High School Norway) انترنیتی ژورنالیزم ولوست او تر هغه وروسته ئې دکانبرن (Canburne University) په پوهنتون کې د ژورنالیزم په برخه کښې تحصیل کړی او تر اوسه په زده کړو بوخت او وایی چې تر څو ژوندی وی زه به تل یو زده کوونکی یم.
لیکوالي او فرهنګی چوپړ:

(c) ketabton.com: The Digital Library



بزګر صاحب وايي لمړۍ ځل مې په ۱۹۸۲ ز کال پېښور کې د کډوالۍ د ژوند په شرايطو کښې د مقالوپه ليکلو پيل وکړ چې تر ۱۹۸۸ ز کال پورې د افغانستان او نړۍ په مختلفو رسنيو کښې په پښتو، دری، اردو او عربی ژبو خپرې شوې دي. طبيعی ده چې تر اوسه ئې له نېکه مرغه د قلم رنګ نه دئ وچ سوی او ګوتې ئې د قلم ښورولو او ماغزه يې د تحليل او مسائيلو د څېړلو پوره او غښتلئ توان لري. پر دې خداي ورکړې استعداد دې نور هم برکت وي.

د دې هڅاند ليکوال او له هيواد سره مينه ناک ژورناليست د ليکنو تنده پرديو رسنيو نسواى ماتولاي. همدا دليل وو چې پس له ډير زيار او زحمت نه ئې پخپله د يوې چاپی رسنۍ ((دعوت)) په نوم مهالنۍ خپروني چې بيا وروسته په جريده بدله سوه په خپرېدو لاس پوري کړ. دعوت دا ((۲۳)) کاله په خپلو ((۲۳۰)) خپرو شوو ګڼو کښې چې د نړۍ تر پنځوسو هيوادو پوري رسېږي، افغان ولس ته د خپل هيواد او ټاټوبي سره مينې او محبت د د ې ټاټوبې اوسېدونکو ته د انسانی چوپړ، په هيواد کې د هوسا، بسيا او دموکراتيکې ټولنې د جوړېدو لپاره د ملي، علمي، سياسي، ادبي او فرهنګی رښتيانې او ګټور چوپړ دعوت ورکړی. دې خپرونې هيڅ کله خپل نظر او عقيده پر لوستونکو او د هيواد سياسي، ټولنيز او فرهنګی بهير پر مينه والو نده تپلې، بلکې د خپل نظر د څرګندولو تر څنګ ئې تل د افغانستان د مختلفو سياسي، علمي، فرهنګی او مذهبي څېرو نظريات او عقايد تر خپلو لوستونکو او مينه والو پوري رسولي دي.

دعوت خپرونې او دعوت ويبپاڼه کښې د ورليږل سوو ليکنو او مطالبو خپرولو مسوولیت د محمدطارق بزګر پر غاړه دی، خو په دعوت جريده اودعوت ويبپاڼه کښې د نظرياتوخپرول او په خپلو نظرياتو افغان ولس خبرول د هر ليکوال او د عوت قلمی همکار دنده او مسئوليت دی. اړينه ئې بولم څرګنده کړم چې د څو کالو راپدې خوا دعوت جريده په پښتو، دري، انګليسي اوناروېږي ژبو ليکنې خپروي.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ۲۳ کلن علمي او ادبي چوپړ ارزونې په اړوند، زه يوازې د دې نشراتي ارګانو د قلمي همکارانو او لوستونکو دڅو دوستانو د ليکنو او پېرزوينو څو ټکی د بيلګې په توګه

(c) ketabton.com: The Digital Library



را اخلم، تر ځو درانه لوستونکي د دې نشراتي ارګانو او خپله ښاغلي بزګر صاحب د ژورنالستيک او فرهنګي خدمت د ارزښت او رول په هکله تر يوه بريده معلومات پيدا کړي.

ښاغلی ډاکټرصاحب نبي مصداق ليکي:

تاسو د ډيرو اقتصادي ستونزو سره سره دعوت وچلولو او د خوښې ځای دی چې ځان لپاره مو د افغانستان په مطبوعاتو کې د تل لپاره نيک نوم وګټلو. اوس چې هماغې جريدې تر ځنګ ډير اصلاح شوی او ښايسته ويب پاڼه هم پر مخ بيايې ډير د خوشالي او افتخار ځای دی.

ځکه مونږ دا دی درې لسيزې کيږي چې د نړۍ په هر ګوټ کې خواره شوی يو. دعوت جريدې ته د انتظار پر ځای، د ويب پاڼې له لارې د افغانستان په پيښو هره ورځ خبريږو.

زموږ بل د غښتلي قلم څښتن استاد صباح صاحب دعوت ارزونه کړې وايي:

نشريهء دعوت به مثابهء يک نشريهء ملی و وطنی در امر اطلاع رسانی و آگاهی عمومی، کار های نهايت مفيد و ارزنده ای را انجام داده است.

تکړه ليکوال او ژباړونکي رحمت آريا صاحب د استاد صباح سره همغږې لري ليکي:

دعوت د خپلې ناپيلې او بې پرې تګلارې پر بنسټ د افغاني - پښتني دود او پښت د رغښت لپاره د خپلو نه ستړي کېدونکو هلو ځلو له لارې پياوړې لاس ته راوړنې لري او وياړ يې د افغانانو د ټولنيزو فرهنګي بنسټونو پرځلانده تندي د ځلانده ستوري په توګه ځليږي.

هره لاره ځانته لوړې او ژورې لري، په ځانګړې توګه د افغانستان ناورين ځپلي ټولنه چې د ټولنيز ژوند هرګوټ يې د درو تېرو لسيزو خونړيو جګړو په ترخ کې په ژورو ګړنګونو اوښتی دی.

جګړې نه يوازې زموږ مادي شتمنۍ لوټ کړې، بلکه زموږ معنوي ارزښتونه يې را دړې وړې کړل. نيواکګرو او ښکيلاکګرو ځواکونو د دغې ټولنې هره برخه ونړولهځ خو د ډيرې خواشينۍ ځای دا دی چې دغه نړونه نه يوازې پرديو وکړه، بلکه يو شمير ککړو افغان لاسونو هم پرديو ته په چوپړ کې د دغې نړونې پر اور دومره تيل ور توی کړل چې ان پردې په خپله ورته هک پک پاتې شول.

(c) ketabton.com: The Digital Library



هرگوره! د دعوت ویبپاڼه یوه له هغو رغښتگرو زړه سواندو لاسونو څخه ده چې د دغې ورانۍ په بیا جوړونه کې شپه او ورځ نوښتگرې خولې تویوي.

په وروستیو وختونو کې د دعوت ویبپاڼې انځوریزه مخبڼه هم په نوې بڼې راواوښتله او د پخوانۍ مخبڼې په پرتله یې لا ښکلا ومونده.

کاندیدای اکادمیسین او تاریخ پوه محمداعظم سیستانی صاحب هم د دعوت ستاینه کوي وایي:

دعوت با چاپ، نشر و توزیع ۲۱۱ شماره، واقعاً رسالت بزرگ ملی و فرهنگی خود را در جهت آگاهی دادن و آگاه ساختن هموطنان خود از تازه ترین تحولات اجتماعی و سیاسی متعلق به کشور جنگ زدهٔ افغانستان، به دوش گرفته و تا آن جائی که من می بینم، این رسالت را به نحو تحسین برانگیزی ایفا کرده و می کند.

ښاغلی پوهاند دوکتور مجاوراحمدزیار صاحب د دعوت دشلمې کالیزې په مناسبت خپل لیږل سوی پیغام کښې لیکي:

زه پر خپل وار د دغې ټولمنلې مهالنۍ شلمه کالیزه گران او هڅاند رسنوال دوست محمد طارق بزگر ته نیکمرغه او ښه وایم. ټولمنلتیایې تر هرڅه له مخه په دې دوو ټکوکې نغښتې چې یوخوایې د درو خپرنیو(پښتو، پارسي او انگلیسي) ژبو په کارونه د قلمي همکارانو او لوستونکو کړۍ ښه ترا غځولې او بل یې له ټولو رسنیزو اړونو سره سم هرې اندپوهې او لیدتوگې ته خپله غېږ تل پرانېستې پرې ایښې ده. په دې توگه یې د هغو لنډ اندو بنسټپالو او بېلتونپالو د بېځایه نیوکو پلمه له منځه وړې چې گڼ تاریخي هېواد او هېوادوال د خپلو ناولو سیاسي، اندپوهیزو او ژبتوکمیزو او بیا د بهرنیو بادارانو له گټو وټو ځاروي.

د ژوند په داسي ناخوالو کې یې ډیر کم خلک شل کړي، خو ها د صالح محمد صالح صاحب خبره ستاسو دعوت ستاسو په افغاني همت او د پښتو او وطن سره د بې دریغه میني او محبت په احساس سره دا دي شل کړه.

مطبوعاتي کار او دیوې ملي خپروني پرمخ بیول هغه هم د غرب په لالهانده ژوند او د وطن په داسي وینو لړلی، لړزانده او د رنگونو په بازار

(c) ketabton.com: The Digital Library



کې د زړه خوږ غواړي چې څوک دي شل کاله ور باندي ووهي او ځان ته لوی ویاړ تر لاسه کړي.

زموږ پیاوړی لیکوال په استرالیاکې مېشت افغان ښاغلي هدایت الله هدایت صاحب، خپله ارزونه پدې ښه زموږ او تاسو سره شریکوي:

محترم بزګر صاحب!

تازه ستاسو د دعوت ویبپاڼه هم د شکل او محتوی د لحاظه ډېره ښکلې او بډایه سوې او په افغاني حلقو کي یوه مطرح او درنه پاڼه ګرځېدلې ده.

تاسو ګران د دعوت په خپرونو کې د بیان و آزادی او وطني رسالت ته مو ښه پوره میدان ورکړی دی چې دا کار ستاسو د پراخ نظر او وطنپالني استازیتوب کوي. هغه باور او درناوی چې تاسو ګران یې و ورځنیو ملي غوښتنو او پښتنو ته کوی او هغه واقعیتونه چې تاسویې په دعوت کې منعکسوی، نو ستاسو پاڼه یې د زیات قدر وړ ګرځولې ده.

د کابل پوهنتون استاد کاظم بیمار صاحب لیکي:

د دعوت جریده او بریښنا پاڼه د تاسیس د ورځې څخه بیا تر نن پورې د ګران هیواد افغانستان او هیوادوالو په خدمت او چوپړ کې ده. او په دغه لیار کې مخ په وړاندي روانه ده او د حقایقو په نشر-او خپرولو کې یې هیڅ وخت دریغ نه دی کړی او د هیچا او هیڅ قدرت تر تاثیر لاندې نده تللې او هیڅکله یې ځان په ژبني، قبیلوي، مذهبي او سمتي تعصبونو او تبعیضونو ندی ککړ کړی.

دعوت، بیطرفه جریده او بریښنا پاڼه ده؛ مګر بې غرضه نده، ځکه چې د خپل هیواد د ملي مصالحو او د وطن د تمامیت مسوولیت په غاړه لري. دغه غرض ته د رسیدلو لپاره یې تل ملي خیرې او ملي مبارز شخصیتونه را دعوت کړي چې د وطن د ملي مصالحو او ملي ګټو څخه په دفاع قلمي مبارزې ته پرله پسې دوام ورکړي.

له امریکانه استاد قدرت الله فرهاد صاحب بیا وایي:

دعوت رښتیا شل کلن ښکاري. له دعوت سره زما اړیکه وه او ده چیرته چه د پښتو شمع بله شي، هلته پتنګان وي.

د افغانستان له پلازمېنې کابل ښارنه ښاغلی احمد فرزان صاحب لیکي:

(c) ketabton.com: The Digital Library



د پښتو په رسنيز بهير کی دعوت ځانگړی ځای لري. ښايي د اوسنيو ټولو پښتو خپرونو او خپرنيزو بنسټونو سرلاری يی وگڼو. زه د زړه له تله خوښ يم چي زموږ فرهنگي او قلمی ملگري په دی توانيدلی چي د خپلی ژبی لپاره يی د چوپړ دونه اوږد واټن طی کړی او لايی هم ورته ملا تړلي چي تر منزل مقصود پوري ځان ورسوي.

ښاغلی عمر پاڅون ليکي:

زه دعوت سره د ۱۹۸۸ کال راهيسې په اړيکه کې يم. دعوت د لاس په ليکلو د خپل منزل په لور رهي شو. ډير زر يې ټايپ ته لار ومیندله چې په ډير لنډ وخت کې کمپيوټر ته ننوت چې چاپي جريدې سره يې يوه د دعوت ويبپاڼه د ۱۹۹۷ نه هم خلاصه کړه. اوس دعوت يوه جريده نه بلکه يوه ميډيا ده چې نن په زرگونو لوستونکي لري.

دعوت نه يواځې افغانانو ته په پښتو او دری، بلکه بهرنيانو ته هم په انگليسي او ناروېژي ژبو په زړه پورې ليکنې وړاندې کوي. همدا سبب دی چې ډير بهرنی لوستونکی او ليکونکی لري.

انجنير فضل احمد افغان له کاناډا نه پدې هکله خپل نظر د لوستونکوسره پدې بڼه شريکوي:

زه وياړم چه د دعوت د ويبپاڼی سره اړيکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی گران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپی او ورځی مو د گرانو وطنوالو په چوپړ کی د دين، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم.

محمد اياز نوری صاحب له هالنډ نه د انجنير فضل احمد افغان دخبرو پخلی کوي وايي:

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقيقت په ويلو استوار وو او دي. قلمي همکاران يې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې يوه رسنۍ د يوه واقعاً ملي مبارز شخصيت لکه محمد طارق بزگر صاحب له خوا اداره کيږي، معلومه ده چې هلته ملي خاين ور نشي ورټکولای.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ارزونې کړدۍ لمځۍ د گران ځوان او تکړه ژورنالست صالح محمد صالح پدې ټکو رانغاړم چې

(c) ketabton.com: The Digital Library



وایي: بزګرصاحب! دعوت شل کړه. هغه وړاندې لیکي، دعوت هغه خپرونه ده چې په تېرو دوو لسیزو کې یې د افغان ولس ملګرتیا کړې او که نورو دې ولس ته ټوپک او ټانک ډالۍ کړي دي، خپرونې ورته پوهه، مینه او ورورولي ورکړې ده. د نېکمرغۍ ځای دی چې دې خپرونې دوې لسیزې عمر وکړ. ډېرې خپرونې خو داسې دي چې تر یو ځو ګڼو وروسته یې بیا څرک نه لګېږي، خو دعوت برېښنایي نړۍ ته هم لار خلاصه کړه او د نړۍ هر ګوټ ته یې ځان ورساوه، چې په دې برخه کې د ښاغلي محمد طارق بزګر هڅې د ستاینې وړ دي؛ چې په دومره بوخت ژوند کې یې شپه او ورځ پر ځان یوه کړې او دغې خپرونې ته یې ژوند ورکړی.

غواړم دا خبره وکړم چې ماد دعوت جریدې او ویبپاڼې په اړوند د ځینو پوهانو نظریاتو ته یوه ځغلنده کتنه پدې خاطر وکړه چې دغه نظرونه پخپله د ښاغلي طارق بزګر د لنډ ژوند اوږد داستان بیانوي، په لوستلو ئي لوستونکی ته له ورایه څرګندېږي چې ولې موږ د ده قدر کوو او ولې ځوان نسل دې ته رابولوچې د خپلو فرهنګیانو، ادیبانو، پوهانو او عالمانو په نظریاتو او هڅو ځان خبر کړي.

په علمی غونډو او سیمینارونو کې برخه اخیستل:

لکه څرنګه چې د لیکنې په پیل کښې مې اشاره ورته وکړه، بزګر صاحب پر هغو کنفرانسونو او غونډو سربېره چې په اروپایي هیوادو او امریکا کښې د افغاني فرهنګی ټولنو په نوښت جوړې سوې په یوشمیر نورو هغو نړیوالو کنفرانسونو کښې هم برخه اخیستې؛ کوم چې د دولتونو او نړیوالو سازمانونو لخوا جوړ سوي دي. د بېلګې په توګه:

۱/ د ۲۰۰۶ کال د اپریل پر ۲۵ او۲۶ د ((اکو سیستم د بوټو څخه ونه د ساینس نظر او چلنجونه او د اکو سیستم او د غربت مخنیوی)) ترنامه لاندې د ملګروملتو د سازمان لخوا علمي کنفرانس او ورکشاپ چې د ډنمارک هیواد د کوپنهاګن په ښارکې د دې هیواد د بهرنیو چارو وزارت په مټ جوړ سوی وو.

۲/ د ۲۰۰۷ کال د جون له دوهمې نه د جون تر څلرمې پورې د قانون اینښودونکو ټولنو له خوا د G8 (۸ ستر صنعتی هیوادونه) اجنډا د

(c) ketabton.com: The Digital Library



ځنګلونو په نه وهلو سره د ګازونو د تولید کمولو اجندا ترنامه لاندي د برلین په ښار د المان هېواد په پارلمان (بونډسداګ) کې.
۳/ د ۲۰۰۷ کال اکتوبر ۲۹ څخه د نومبر تر ۲ دوهمې پورې، د ناروې د تروندهایم ښار کې د ملګرو ملتونو لخوا کنفرانس ((په نړۍ کې ټول ژوندي موجودات او په ځانګړې توګه د هغوی ژوند کول او اوسیدل)) (۲۰۱۰ او تر هغه وروسته). په دې کنفرانس کښې د ۸۰ هیوادونو د چاپیریال ساتنې لوړپوړو چارواکو برخه درلوده.
۴/ د ۲۰۰۹ کال د سپتمبر له ۱۳ څخه تر ۱۹ پورې د پولنډ په ګدانسک ښارکې د میډیا ۲۴ لخوا چې مرکز یې په سویس کې دی، د فنلند هیواد د بهرنیو چارو وزارت په مالي مرسته د ((د اوبو د بیځایه مصرف مخنیوي)) ترنامه لاندي ورکشاپ او کانفرانس چې د ۱۷ هیوادونو ژورنالستان وربلل شوی وو او د ژورنالستانو د شخصې روزنې او معلوماتو له پاره جوړشوی وو.
۵/ د ۲۰۱۰ فبروري له لمړۍ نه تر ۵ نیټې پورې د ملګروملتو او د ناروې د حکومت له لوری د ((ټولو ژوندي موجوداتو ساتنه او د دوامدارې پرمختیا له پاره کارکول)) تر نامه لاندي د ناروي هیواد تروندهایم په ښار کې علمي کنفرانس.
د دې پورته یادو شویو کنفرانسونو تر څنګ په ډېرو افغاني غونډو کې چې په امریکا، انګلستان، جرمني، ناروې، سویډن او نوروهیوادو کې جوړې سوي، فعاله برخه اخیستې ده.
د بزګرصاحب سره نړیوالو راډیوګانو لکه بی بی سی پښتو او فارسی، امریکا غږ پښتو او دری، ازادی رادیو، د فرانسې نړیواله راډیو فارسی، المان غږ دویچې ویلې پښتو رادیو سره په سلګونو سیاسي او ادبي مرکې کړې دي. همدا ډول د بزګر صاحب سره د افغانستان د ورځنیو سیاسي، پوځی حالاتو په اړوند ډېرې مرکې سوي چې په نارویژي اخبارونو، راډیو او تلویزیونونو برسیره په یو شمیر افغاني مجلو، اخبارونو او ویبپاڼو کې هم پر خپل وخت خپرې شوی دی.
د ښاغلی محمد طارق بزګر مورنۍ ژبه پښتو ده، خو هغه په دري، اردو، انګلیسي، نارویژي باندي پوره پوهیږي؛ خود دې ژبو ترڅنګ یوه اندازه په عربي ژبه هم پوهیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library



ز ماد معلوماتو له مخې نوموړي د افغانستان د مختلفو اړخونو په اړه د ۵۰۰۰ په شاوخوا کښې په پښتو، دری، اردو، انګلیس او ناروېژي ژبو کتابونه او مجلې په خپل کورني کتابتون کې لري. بزګر صاحب وايي د کتابونو ټولولوسره له ډېر پخوا مينه او علاقه لري. همدا ډول په زرګونو انځورونو، ويډيوئې کسټونو، سی ډي او کسټونو چې په ټولوکښې د افغانستان په اړوند معلومات راټول سوی د بزګرصاحب د کورنۍ کتابتون يوه بله برخه جوړوي.

د دغو فرهنګي فعاليتونو په څنګ کې پر څو کتابونو کار کوي چې ځيني يې تقريباً بشپړ او يو شمير به ئې وروسته د چاپ جوګه شي.

د بېلګې په توګه:

۱/ ناروېژی پښتو ډيکشنری چې تر اوسه((۲۵۰۰۰)) لغتونه پکښې راغونډ شوی دی.

۲/ پښتو ((۱۰۰۰)) لنډۍ د انګليسي له ژباړې او تشريح سره.

۳/ پښتو ((۱۰۰۰)) متلونه د انګليسي له ژباړې سره.

۴/ د دعوت د خپروشوو ليکنو او مرکو کتابونه د کلکسيون په بڼه.

دولتی دندې:

بزګر صاحب زما ديوې پوښتنې په ځواب کې راته وويل: اوس د ناروې د دولتي ټلويزيون (nrk) سره په ځينو پروژو کې برخه اخلم او کار ورسره کوم. د دې تر څنګ د ناروې د پوهنې د وزارت سره د مفتش په توګه دنده لرم؛ او که مې وخت درلود نو د تليفون له لياري کله ناکله ترجمه هم کوي.

ستاينليکونه:

بزګر صاحب دخپل فرهنګی چوپړ په درشل کښې د امريکا په شمالي کليفورنيا کې افغاني کلتوري ټولنه، په جرمني کښې د افغانستان د کلتوری ودې ټولنې، په امريکاکښې نور ټلويزيون او سويډن د مالمو په ښارکښې د دوستۍ فرهنګی ټولنې له خوا په ستاينليکونو سره نازول سوی او درناوی ئې سوئ دي.

کورنۍ ژوند:

ښاغلي بزګر د يوې پوښتنې په جواب کښې راته وويل چي درې ورونه او څلور خويندې لرم. هغه زياته کړه دوه ورونه مې ډاکتران او يو بل

(c) ketabton.com: The Digital Library



وروړ مې د عربي ژبې او ادبیاتو څانګه کښې لوړې زده کړې لـري او پدې برخه کې کارکوي.
د افغاني دود او دستور له مخې مې د بزګر صاحب د پتمنو خوینـدو د ژوند د څرنګوالي په هکله پوښتنه ونکړه. ډاډه یم چې هغوئ هم د تعلیم په ترلاسه کېدو سره اوس د خپل بخت په کور کښې خوښ او ارام پتمن ژوند ولري.
بزګر صاحب واده کړی او د ګډ کورني نېکمرغه ژوند ثمره ئې نام خداي څلور اولادونه دي چې مشر زوی ئې سباوون ۱۵کلن، لور یې اغلې مینه جانه ۱۴ کلنه، اباسین جان ۱۰کلن او کشری زوی ئې سمون جان یونیم کلن دی.
ماته له بزګر صاحب سره په اړیکو کښې دا څرګنده سوې چې بزګر یو پټ خولی، مؤدب انسان په توګه هیڅکله د چا په خبرو کې بې واره نه دی ورګډ سوی. چې چا پوښتلئ نه وی په مجلسونو کې پټه خوله ناست وي او د نورو خبرې په ډېر دقت سره اوري. که څوک پوښتنه ترېنه وکړي په ډېرو ساده او خوږو کلیمو جواب وایي. یوخوږ مجلسه سړی دي.
هغه یوله هغو علمي او فرهنګی څېرو څخه دی کوم چې د قومي بې اتفاقیو، ژبني، مذهبی او منطقوي توپیر سره مخالف وي. هغه تل په ټولو هغو غونډو کې چې ماهم یوځاي ورسره ګډون کړی، د یوه درانه او صابر نظر خاوندپه توګه پاته سوی او د نوبت ترلاسه کېدو په وخت کښې ئې په ډېرو ادیبانه جملو او له فرهنګی اخلاقو نه په ډکې روحیې سره د اړونده مسلې په هکله خپل نظر وړاندي کړی او له هغه څخه ئې د منطق په توان دفاع کړې ده. هېڅ وخت مې نه په یادېږي چې د یوشمیر په اصطلاح پوهانو او لیکوالو په څیر دې دیوال ته سرټمبه کړی وي او خپل نظر دې پر اورېدونکو په زور او یا د تربیون له امکاناتو څخه په استفادې سره په چاومني. په یوه خبره د زښتو درنو عالي اخلاقو څښتن په توګه پر موږ ټولو هغو چې پېژنویې د یوه درانه شخصیت په توګه ګران او د قدر وړ شخصیت دی؛ ځکه خو پدې ډاډه یم چې بزګر صاحب به زموږ په ټولنه کښې دیوې وتلې او زړه وري فرهنګی څېرې

(c) ketabton.com: The Digital Library



په توګه د تل لپاره د افغان ولس په څنګ کښي د درناوي وړ شخصيت پاته وي.

ښاغلي بزګر د خپل نه ستړي کېدونکي زيار او زحمت پـه پايله کښـي زيات علمی، ادبي او فرهنګي اثار د دعوت خپرونـي لـه لاري زمـوږ د جګړه ځپلی هيواد راتلونکو نسلونو ته ديوې علمـي او ادبي پـانګي پـه توګه په پنځوسو هيوادو کې د افغانسـتان د اوسـنيو او راتلونکـو حـالاتو مينه والو کورونو ته رسولي دي، خو دا په ځوان نسل پوري اړه لري چې د دې پټې خزانې او زموږ د هيواد د ليکوالو او سياست پوهانو له معقولو نظرياتو او انديښنو نه څنګه او په کومه بڼه د هيواد د روښـانه راتلـونکې په موخه استفاده کوي.

دعوت ويبپاڼې اوس د افغان ولس په ځانګړې توګه زمو د پوره پوهاوی په موخه په يو ډير عـالي ابتکـار لاس پـوري کـړئ؛ هغـه دا چـې پـدې وروستيو کې زموږ د هيواد يو شمير پوهانو سره په دوامداره توګه مرکـې خپروي. زه پدې باور يم چې له دې لاري به دعوت وکولاي سي افغان ولس ته د دوي د پوهانو نظريات او وړانديزونه په ښه توګه ور ورسوي.

د هيواد پداسي نازکو شرايطو او ترينګلو حالاتوکې چې زمـوږ ولـس د يو سخت ازمون پر ډګر ولاړ دي، دا ملت د دوستی په جامه کښي د بېلا بيلـو زبرځواکـو د دښـمنيو او ډول ډول دسيسـو لـه سـختو سـېلابونو او توفـانونوسره مخـامخ دی، اړينــه ده چــې د هيــواد د داسي ځوانــو شخصيتونو درناوی وشې او هغوي د ټول افغانستان په ګټه نور هم مـلي چوپړ ته وهڅول سي.

زه ديوه افغان په توګـه د ځـوان نسـل سره د افغـاني مينـې او د دوئ پـه وړاندي د مسووليت په درکولو سره کوښښ کوم که تکرار هم وي دوي ته د ليکنو په وسيله ور په ياد کړم چې تاسو پيـاوړي پوهـان، ليکـوال او څيړونکي لرئ؛ د هغوئ عزت که بل څوک نـه کـوي، تاسـو ئي بايـد د خپلو عادي ساده او لږو امکاناتو په لرلوسره وکړئ. هغه دا چـې د دوي په وياړ او د دوي پر ليکل شوو اثارو باندې ځانونه پوه اوبيا د بحـث پـه نامه يو په بل پسې غونډې جوړي کړئ او پدې غونـډو کښـې دوي تـه بلنه ورکړئ او د دوئ نه وغواړئ چي ستاسو سره پر يـوه کمبلـه او يـوه

(c) ketabton.com: The Digital Library



چوتره کښېني او تاسو په خپلو عالمانه او له تجربو نه ډکو خبرو او پېرزوينو ونازوي.

د خپل هيواد د عالمانو او پوهانو په وړاندې بې تفاوتي او نالوستوب به زموږ ټولنه تر يوې بلې پېړۍ پورې هم د ګاونډيانو او نړيوالو د اقتصادي، سياسي، ټولنيز او فرهنګی ستم او تيرې لاندې وساتي.

په ګران او سوځېدلي افغانستان کښې د علم، پوهې او خپل منځی مينې او محبت زياتېدو لورته د پياوړو ګامونو د پورته کېدو اوخپل هيواد د هر خواخوږي او صادق قلموال، علمي او ادبي شخصيت د ستاينې او هڅونې په هيله.

(c) ketabton.com: The Digital Library



# ریښتني شخصیت

محمد نقیب تره خیل

محمد طارق بزګر له تنکۍ ځواني پـدې بـاور وه چـې تفکـر د معرفـت او معرفت د هدایت او هدایت د رضایت، قناعت او د ریښتنی شخصیت تومنه ده. نو هغه د تفکر په قوت د پیسو ګټلو پر ځای د علم ګټـل خـوښ کـړل. معرفت هاغه د معنویت واټ ته هدایت کړ، هدایت هاغه راضي او قانع کړ، چې د ثروت او قدرت عمر لنډ او تنګ وي. او بل که د قـدرت پـه وخـت کې د شخص نفس مهار او خسي نه وي؟ نو بیا مستي او هوس زیږوي او له قدرت نه انحراف کوي چې له امله یې ظلم او استبداد زیږیږي.

هر څومره چې د ټولنې منوره او حاکمه طبقه ریاکاره، خودخواه او جاطلبـه کیږي، بیا هم هغومره فتنه او فساد زیږوي، څنګـه چـې همداسـې پـه افغـان ټولنه کې وشول اولا هم کیږي. یو شمیر کسانو په دا ۴۰ کـالو کـې د هیـواد دننه او بهر په لس هـاوو ګوندونـه- تنظیمونـه پـه سـل هـاوو ادبي- فرهنګـي کولتوري ټولني د هیواد، اسلام، انسـان او قـوم پـالني ترنامـه لانـدي جـوړې کړی دي. خو هر هغه د ژمنو خلاف عمل وکړ، هغوئ د ثـروت، شـهرت او قدرت موندو په تمه همدا کولتوري او سیاسي دفترونه د اسلامیت، انسـانیت او قومیت پلورنې هټۍ ګرځولي. له همدې لاملـه د ارزښـتنو پلـورل د اکـثرو افغانانو عادت شوی. له ټـولنې حیـا کـډه شـوی او بېشرمـي پـه کـې معـاف شوی. همدا د ارزښتونو سـوداګر پـه جـبر او ظلـم ثـروت او قـدرت ترلاسـه کوي. بیا په ورته ډول قدرت ترې اخستل کیږي. د سلطنت له مرګ سره یې د شخصت مرګ جوخت وي.

دا منلې او عملي شوې وینا که انسان قدرت تـه پـه ګونـډو نشي- ثـروت تـه خامخا تسلیمیږي. بزګر هـم د ابـراهیم ابـن ادهـم غونـډې د خپـل مضـبوط ایمان پر باور او د نفسي سپېڅلتیا په قوت پورتنې وینا د خپل ځان په اړونـد باطله کړې.

ابن ادهم د بلخ سلطنت د علم د زده کړې او د انساني خدمت پـر مقصـد د مکې معظمې پر قصد پرېښود. ډېـر کلونـه وروسـته د بحـر پـه څنـډه ادهـم خپلې څېرې او شړېدلې جامې ګنډلې، پـر آس سـپورکس یـې تـر څنـګ تېرېږي، ورته ځیر ګورې پېژني یې چې زه خو د دې سلطان یو وخت وزیـر

(c) ketabton.com: The Digital Library



وم. ورکښته کېږي او ادب یې کوي، ورته وایي اِې سلطانه! ولې دې بې هېڅه خپل سلطنت او عظمت پرېښود او ځان دې پدې مصیبت او مشقت اخته کړ. هغه ورله وایي، تر هغه سلطنت مې دا ډېر پراخ ښکلي او با قدرته دی، ابراهیم ستنه بحر ته گذاره وي، بیا غږ کوي، راکړه ستن مې، یو زر کبان له اوبو سرونه اوچتوي او د سرو زرو ستني په شونډو کې نیولي وي. وايي، نه، زه مې خپله ستن غواړم! شېبه وروسته هم هغه ستنه یو کب ورته له اوبو راباسي. بل ځل ابن ادهم د مکې په کوڅه کې قدم وهي، یو یهودې هلک له خپل سپي سره ورپسې په تعقیب کې وي، کله چې هاغه تم شي دا هلک هم تمیږي. خو څه وخت چې ابراهیم د ناستو کسانو خواته رسیږي، دا هلک پرې داسې غږ کوي: اې بوډا! دا ستا ږیره ښکلې ده، که زما د سپي لکۍ؟ هاغه ورته وايي زویه! که مې دا ږیره د خدای لپاره نه د ریا لپاره پرې ایښې وي او په ورځ د محشر زه په جهنم کې اوسم، نو د سپي لکې دې ښکلې ده او که په جنت کې یم بیا نو زما ږیره ښکلې ده، هلک ړومبی خجالتیږي، بیا ور درومي د هغه لاسونه ښکلوي او د شهادت کلمه وائي مسلمان کېږي.

بزگر صیب هم د ناروې په هستۍ او د ځوانۍ په مستې کې ثروت او قدرت دواړه د علم د زدکړې او ریښتني خدمت په نسبت بابېزه وگڼل. تر څنگ یې د حق په پلوې او د باطل پر ضد د دعوت ادبي اخلاقي او روزنیز سنگرجوړ کړ. یقیناً چې ډېرو هېواد والو به د دعوت په رڼا د حقیقت لار موندلې وي. د دعوت رسنۍ د بزگر ریښتینولي او یومخي اثباته وي چې د مکان، زمان او حالاتو تابع شوی ندي، نن هم خپل هدف ته هسې ژمن دي لکه ۳۰ کاله پخوا چې وه.

ابراهیم د ادهم اولادې ته د پلار میراثي سلطنت او ثروت بشپړه ورپرېښوول. د ادهم اولاد چې د شخصیت مشروعیت د سلطنت له درباره اخیستی وه. نو د سلطنت له بایللو سره جوخت بېشخصیته هم شول، خو ابراهیم چې یو سر او دوه غوږه نوم ورکې مکې ته راغلی وه، او د پوهې په رڼا د عقېدې په مضبوطتیا د نفس په سپېڅلتیا د مهره بانه او عادل زړه په لرولو یې خپل کوچني او لنډ عمره شخصیت ستر او تلپاتې کړ. د دې تر څنگ یې آن د کورني مړ شخصیت ژوندې وساته. د هر انسان د کار محصول د هغه د حقیقي شخصیت ښه ښيي.

(c) ketabton.com: The Digital Library



د بزگر شخصیت دعـوت دي او دعـوت د پـوهی او کولتـور مرکـز نـن هـم ژوندی دي اوسبا به هم وي.

۱۴/۲/۲۰۱۹

(c) ketabton.com: The Digital Library



## ښاغلی طارق بزګر چې زه يې پېژنم

قدرت الله هېوادپال

زه ښاغلې بزګر له ډېر وړوکوالي پېژنم؛ هم مې استاد دی، هم لارښود او هم معنوي پلار.

ژوندي قومونه تل خپل نېکان هڅوي او درناوی يې کوي. افغانستان چې نن له کومو ستونزو او ننګونو تيرېږي په داسې حال کې دي چې د قلم جهاد او غورځنګ د ټوپک او زور له غورځنګه لومړی ځای خپلوي، او ښاغلې بزګر د دې سنګر ډېر تکړه او سپيڅلې مبارز دی.

زه ښاغلې بزګر له ډېرې زمانې راپيژنم؛ هغه مې استاد دی، ځکه د ليکنې چم يې راښودلی دی او تل يې هڅولی يم. اوس هم چې کله په ټليفون سره غږېږو، نو له کورنې احوال وروسته په ډېره خوږه ژبه او اصطلاح راپوښتي چې په وطن کې څه حال دی؟ تل مې هڅوي چې يو څه وليکه. هيڅکله يې دا احساس نه دی راکړی چې زه نه پوهيږم يا دا څه چې دې ليکلي دي غلط يا اصلاح غواړي؛ ځکه د دوی علم او پوهې ته زه هيڅکله نشم رسيدلای او د دوی په وړاندې ليکنه به لکه لمر ته چې شمع ږدی، خو تل يې هڅولی يم. لارښود مې دی ځکه چې تل يې افغانستان لومړی ساتلی او هيڅکله د حکومتونو، خوځښتونو او اشخاصو له مفکورو نه دی اغېزمن شوی او دا درس يې راکړی چې بچيه! تل دا هېواد لومړی وګڼه. د اشخاصو او شخصي ګټو لپاره ملي ګټې مه قربانوه او معنوي پلار مې دی؛ ځکه چې پداسې حالاتو کې يې لاس راکړی چې ما پخپله هم خپل ښه او بد نه پېژندل او له خپل اولاد يې کم نه يم ګڼلی. زما په ښه تربيه او روزنه کې يې فعاله ونډه اخيستې ده.

افغانان تل په درانه خوب ويده وي؛ آن نن چې نړۍ ته سپوږمۍ لنډه ښکاري او د مريخ او نورو سيارو غمونو پسې يې راخيستې، موږ خپل کوچنی هېواد آرام نه کړای شو او له دريېيمې برخې زيات نفوس مو بيسواده دی. له سياسي او ټولنيزو چارو ناخبره دی او هغوی چې خبر دي هم د پردو ببولالې وايي او ملت لدې خوب څخه راويښولو لپاره هم ډېر خلک نه ګرځي. هر چا چې هر وخت وس شوې يا يې لدې

(c) ketabton.com: The Digital Library



خاورې پښې سپکې کړي او یا دلته د خپلو جیبونو په ډکولو دي؛ خو ملتونه تل د هغوی اتلو بچیانو ساتلي دي. زموږ د تاریخ یوه لنډه دا ده چې تل یې رزمي او جنګي اتلان نازولي دي، خو د قلم اتلان له پاملرنې پاتې دي. که امیر کروړ دی، بایزید روښان دی او آن نږدې سید جمال الدین افغان، پر دې یو هم داسې مؤثق او تاریخي کتاب نشته چې ټولې پوښتنې ځواب کړي او موږ لدې وروسته باید دا خلاوې ډکې کړو او ونازوو؛ هغوی چې د دې ملت راویښولو لپاره نه ستړې کېدونکې هلې ځلې کوي.

له کومې ورځې چې مې لیک لوست زده کړې، له هغې ورځې راهیسې دعوت لولم او دوامداره لوستونکی یې یم. تل یې خپله بېطرفي ساتلې ده. د ملت غم یې خوړلی دی. په نننی سیاسي چاپیریال کې چې نړیوالو د افغانانو سیاسي مفکورو او تبصرو ککړولو او ځان ته راړولو په خاطر په سلګونه راډیوګانې، ټلویزونونه او خپرونې پیل کړي دي، له هر وخت زیات د بېطرفه او ملي خپرونو ضرورت ډېر احساسیږي.

ښاغلي بزګر مې خپل دی. د کورنۍ غړې مو دی او زه ویاړم چې په کورنۍ کې داسې ننګیالي لرو. زه نه غواړم چې ووایم څه خپلوي سره لرو؛ ځکه دا به لوستونکو ته یو څه شخصي او کورنۍ معاملې ښکاره شي، خو دومره وایم، چې زه نن څه یم په هغې کې د بزګر صاحب ډېره لویه ونډه ده، او د ژوند تر اخیري سلګۍ به یې زه احسانمند او منندوی واوسم، او دلته زما له لیکنې هدف هم شخصي درناوی او مننه ده، او هم د دې ملت د یوه خوار غریب بچي په حیث مننه چې دې ملت د مفکورو په روښانولو کې یې نه ستړې کېدونکې هلې ځلې کړې دي.

له ما پرته زه ښه باور لرم چې ښاغلي بزګر نور ډېر ځوانان روزلي دي او ورسره یې معنوي مرسته کړې ده؛ ورسره یې خپله پوهه او احساس راتلونکي نسل ته لېږدولې دی، چې ښه بېلګه یې د ځوانانو دې ټولنې دا احساس دی چې خپل ننګیالي ونازوي.

په موږ کې خود خواهي او د بخل مرض ډېر دی، خو د بزګر صاحب دا کمال مې هم خوښ دی چې نور هڅوي را میدان ته شي او پخپله ورته یوازې آسانتیاوې برابروي او شاته یې دریږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library



په پای کې ورته لاډېرې برياوې غواړم، او ښه متيقن يم چې د علم او پوهې هغه صدقه جاريه چې دوی يې درويشت کاله وړاندې تهداب ايښې وو، د ډېرو ذهنونه روښان کړي او د ځان لپاره يې د ثواب او سرلوړی يوه دوامداره او تلپاتې سرچينه پريښې ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## ډېر ګران ښاغلی د قدر وړ بزګر صاحب!

محمد سرور وکیلي

زما د مینې او وروږګلوۍ ډک سلامونه او پېرزوني ومنۍ!
د دعوت خپرونه ۲۳ کلنه سوه. زما ښه یاد دي،چي له دې خپره وني سره سم په ډېرو بهرنیو هېوادو کي نورو خپرونو هم پیل وکړ، خو ډېرو یې سقوط وکړ او ځینو یې چي شاته ګوندي پلوي اقتصادي تکیه لرله
د سیاست له مخي د هغي سیاسي تکیي څخه یې مالي مرسته ترلاسه کول او ترلاسه کوي یې؛ نو ښېخي ډېر لږ یې پاته دي؛ خو د دعوت خپرونه یوازي او یوازي ستاسو په عالي ابتکار، زیار او مالي لګښت مخته تللې او تر اوسه لاهم مخ ته ځي.
ماچي د دعوت په خوږې خپرونه کي کوم شی لیکه نو مي تل پر ښتنو لیکوالانو د اړغ کاوه، چي د دعوت له خوږې خپروني سره مرسته وکړی، ځکه دا مالي بار پریوه کس باندي ډېر دی او دا خپرونه زموږ ده؛ خو تاسو د دغو ټولو ربړونو او ستونزو سره سره دا خپرونه چي نن او سبا ۲۳ کلنه کېږي، پخپل ښتني غیرت او ژورنالیستی واک په یوازي سر تر دغه ځایه را ورسوله. تاسو رښتیا هم چي د قدر وړ او د ستایني وړ یاست. خدای(ج) دي له هري بلا، افت، ناروغی او خواری نه وژغوره. امین!

په ادبي درنښت

(c) ketabton.com: The Digital Library



## محمد طارق بزگر ته!

**امرالدین سرحد**

منډې يې وهلی یو پښتون په کلی کور کښې
دا يې وویل: چی لر و بر سوځی په اور کښې
ماتری اوریدلي په غوږو می یو خبر دی
نوی راختلی ښکلی ستوری لکه لمر دی
راشی زمونږ انګړ ته په جرګو په مرکو شو
موټی شو قوت شو ژر اوچت په خپلو پښو شو
ډیرو واوریدلي دا خبري خونده وري وې
لاره یې روښانه لر و بر يې دا منلي وې
خلکو ورته وویل مالومه دی نن لاره کړه
فکر دی کوه په ښو خبرو مونږه خوشاله کړه
دی مونږ ته بیان شو وویل: دا مې قسم دی
وینه کی ده مینه دغه ځان مې د وطن دی
دعا وشوه د خلکو چی «بزګر» دی ژر په کار شی
جوړ دی کړی «دعوت» چی ویجاړ کلی زمونږ ښار شی
خپلو غمځپلو ته خدمت، ضمیر مجبور کړ
ژوند د زمانی او حوادثو دئ مدیر کړ
اوس نو مونږه لولو د «عوت» د زړه کیسي
تیر شو یو لوی عمر په «بزګر» خوږي ترخي
تل دی د «دعوت» ډیوه روښانه وي
وړانګې یې تودي مخ يې ځلانده وي

(c) ketabton.com: The Digital Library



## ستایش مردی که قلم را نفروخت!

(بزرگداشت جناب بزگر و رسانهء دعوت)

استاد کم باور کابلی

همرنگ زلال چشمه ساران
همزاد طراوت بهاران
روزنامه نگار با شهامت
مردی ز گرامی یادگاران
بر خرمن ناکسان چو آتش
توفنده چو موج آبشاران
دعوتگر دل به رستگاری
پاکیزه و ناب همچو باران!
کم زاد خجسته ای چو «طارق»
گیتی، به فراز روزگاران!
سروش، اثر خزان نه بیند!
آزاده گی اش، زیان نه بیند

(c) ketabton.com: The Digital Library



## د ګراني ملي فرهنګي څېرې طارق بزګر نمانځغونډې ته زما پيرزوېنې

پوهنمل رحمت ځواکمن

د لوی خدای په نامه

خپلې خبرې په خپل یوه شعر پیلوم:

لکه تیره د بیابان تل په یو حال یم
ونه، نه یم چې بدله په موسم شم
سر به هیڅ د مریتوب چاته ټیټ نه کړم
که سوری سوری په غشو د رستم شم
وا به نه وړم د ښایست له پرستشه
که لاهو په اباسین یا په جېلم شم
که غمونه د جانان همدا کانې کړي
وچ صورت به لکه کړکې د چلم شم
خپله وینه مې ښښلې ده مظلوم ته
که په ژوند چرته ملګرې د ظالم شم

خبر شوم چې په سوېدن کې د زلمو پاڅون ټولنه له یوې وتلې او نامتو فرهنګي او ملي څېرې محمد طارق بزګر او د هغه د فرهنګي کار او زیار ستاینه او یادونه کوي.

زه خو لومړی نوموړی ټولنې ته کور ودانې وایم چې ښه انتخاب، پر ځای انتخاب او پر وخت یې انتخاب کړی. د هغه چا درنښت ته یې غونډه رابللې، چې خدای ذاتي دروندوالې هم وربخښلې او په یوازې ځان کلونه کلونه ستر ملی خدمت او دروند تاریخي رسالت سرته رسوي.

تر کومه ځایه چې زه ګران بزګر صېب پېژنم او ما د ده افکار او نظریات د ده په اخبار (دعوت) کې کتلي دي، نو ماته تر فولادو کلکه او له ډبرې درنه ملي- فرهنګي څېره ښکاري.

د اړودوړ، چور او تالان، رنګ بدلولو، ځان کړولو، لار چپولو، ځان درنولو او وخت تېرولو د دې وروستې مهال په دې دریوو لسیزو کې ډېرې ستری فرهنګې ستې وښویدې، بدرنګې شوې، له ملي ګټو په

(c) ketabton.com: The Digital Library



څنګ شوې او له موسمونو سره هم رنګې شوې، خو فکر کوم طارق بزګر تر اوسه له تېرو ټولو پړاوونو بشپړ او سالم راوتلې او د خپلو ملي- اسلامي ارمانونو، افغانستان او افغان ولس ترڅنګ ولاړ دې.
دې دا دوه لسيزې اخبار، د سوداګرۍ او ګټې لپاره نه چلوي، دې د خپل اخبار پاڼې په هسې ببولالو نه رنګوي، بلکه دې د خپل مظلوم او بې دفاع ولس، د خپل تاريخي او جنګځپلي هېواد او د خپل شتمن او بډای کلتور پالنه کوي. دې حق ته حق او باطل ته باطل، تور ته تور او سپين ته سپين، ظالم ته ظالم او مظلوم ته مظلوم، روا ته روا او ناروا ته ناروا وايې. دی په همدې لاره روان دې. دې همداسې دی. د زړه او خوله خبره يې يوه ده. دې د زمان او مکان تابع نه دی. وخت او مکان د ده مريان دي. دې په هر څه پوهېږي، دا غواړي چې هر بدلون، هر مکان او زمان د خپلو ارمانونو پر مدار وڅرخوي، ده ته مال او شتمني، مقام او دبدبه، لنډمهالي او بې خونده ښکاري. دې د خدای د رضا او د افغان انسان د ښېګڼې لپاره شوګيرونه ګالي، زيار باسي، او له خپلو ملي او انساني ارمانونو خپل مال او سر نذرانه کوي. دې په رښتيا هم د زياتې ستاينې او درناوي وړ دې.
زه په خپل وار د ده همت، جرت، د کلونو ستړياوو، شوګيرونو او ملي فرهنګې هڅو ته د تعظيم او درناوي لاس په ټټر ږدم، ورته اوږد، سرلوړی او عزتمن ژوند غواړم او د سيدجمال الدين له ټاټوبې راټوکېدلې دغې فرهنګې خپرې ته د سترو ملي فرهنګې کړنو د تر سره کولو هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



دویم څپرکی:
دعوت

# رسانه ی دعوت

مصطفی عمرزی

جهاد بزرگ افغانان، آزمون دیگری بود که در ورایش فداکاری و ایثار، بار دیگر وجاهت و حیثیت یک ملت با پیشینه را آشکار می کنند. در آن سالیان، هرچند واژه گانی که بار معنایی «درد» داشتند، در روایت حال مردم، جزو ادبیات مستعمل بودند، اما عزت نفس، مردم را در صبوری ایستاده گی، از حافظه ی تاریخی محروم نمی کند. جبهات تنازع در تمام انواع آن، افغانان را در راه خدا و میهن، به ایثار می کشیدند.

مقاطعی اند که در بُرش آن ها گاه بُریده گی از گذشته به مبدای نو می رسد. حماسه ی جهاد افغانان، جزو میراث های پُرشکوه تاریخ بشر برای آزادی، مسجل است، اما آسیب های جنگ، پی آمد دشواری هایی شدند که افغانان با تحمل جنگ، ریسک کرده بودند.

دشواری رویایی با یک ابر قدرت، نفس گیرد بود. بنا بر این، بسط مفاهیم جهاد، مبارزه و قدرت از میان جبهه تا عقب جبهات، طیف دیگری از افغانان مجاهد را تشویق می کرد تا با کار فکری، فرهنگی و حرمت قلم بکوشند نقش واقعی توده هایی که قربانی شدند و قربانی می دهند، اصل مبارزه ی مردم با اتحادشوروی باشد.

من تا دو سال قبل نیز طارق بزگر را به جا نمی آوردم. از روی تصادف، یافت نشر مضامینم در سایت «افغان سباوون» که بعداً «دعوت میدیا ۲۴» شد، مرا با یکی از سرد و گرم چشیده گان سالیان ایثار، اما اندوه مردم آشنا کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library



من با شهرت «بزگر» ها آشنا بودم، اما نمی دانستم فردی از این خـانواده از روی لطفی که فرهنگی ست، زمینه می سازد تا در نوبت مـا، آزمـون دیگـری سـپری شـود کـه در تنـازع فرهنگـی آن، ثقلـت و دشـواری محسوس است.

من از طریق رسانه ی دعوت نیز اندوخته هـای فکـری ام را تقـدیم مـی کنم. خوشحالم که این سعی در زمینه ای صورت می گیرد که از شـان و پیشینه ی نیک بهره مند است.

مسرت این که امثال من در زمینه ی تجربه ی بهم پیوسته ای که افغانیت را اصـل مـی دانـد، بیشـتر مـی شـود، در بسـتر مطمـئن ایـن حـدود بـه خانواده ی بزگر ها مبارکباد می گوید! در رسانه ی دعوت مـی مـانم و بـرای بزگـر هـا توفیـق بیشـتر مـی خـواهم کـه پیشـه ی آنـان(بزگر) در زمینه ی ملک و ملت، به حاصل نیکو می رسد.

تراژیدی فرار مغز ها و ویرانی محاضر مرید و مرشد، افغانان را هوشـیار کرده است: فرهنگ و فرهنگی را پاس بداریم!

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت خپروني نهه ویشتمي کالیزې په ویاړ

سراج الحق ببرک زی ځدراڼ

دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز او د د عوت میډیا څلرویشت ویبپاڼې مسئوول مدیر یوه وړه ارزونه ډله ییزې رسنۍ زموږ د ورځني ژوند د لارې مل گرځیدلي دي.
ډله ییزې رسنۍ زموږ په ورځني ژوند کې ستر واک ترلاسه کړي دی. موږ هره ورځ د راډیو، ټلویزیون، اخبار، میلفون، لیپ ټاپ او د انټرنیټ نړۍله لارې د رسنیو تر اغیزلاندې یو. ډله ییزه رسنۍ په ټولنه کې د مالوماتي او اطلاعاتي خبري سر چینې په څېر خپل رول لوبوي.
رسنۍ د انسانانو په سیاسي اند جوړونه کې خورا مهم اغېزمن رول لري.
سیاست پر رسنۍ او رسنۍ پر سیاست باندې نېغ په نېغه اغېز لري.
سیاست او رسنۍ پر یو بل باندې په دوه اړخیزه توگه اتکأ لري.
ژورنالیست ته په هره ټولنه کې ستر واک او مسئوولیت ور په برخه کړل شوي دی. لیکوال او رسنوال د ولس غږ او سترگې دي. د خبریال یا ژورنالیست په اړه پوښتنه دا ده، چې خبریال د خپلي ژورنالستیکي دندې په تر سره کولو کې څه رنگه خپلې موخې تعقیبوي، څومره پاک انساني نیت او څه ډول ملي احساس لري.
په دې کې هیڅ شک و شوپیان نشته چې د دعوت خپلواکه رسنیزه مرکز د افغانستان څخه د باندې د ټولو ملي افغان کډوالو لیکوالو، قلموالو، رسنوالو، کولتوري ودي ټولنو او اکاډېمیکو بنسټونو او همدارنگه د اکاډېمیکو روڼ اندو، سیاسي شنونکو، کارپوهانو او افغان لوړ پوړې دولتي چارواکو تر منځ د سیاست، اقتصاد، روغتیا، شعر و ادب، کولتور او ژبنۍ ډگر کې د کره مالوماتو، اطلاعاتو، د سیاسي فکرونو تر منځ اړیکي، د تاریخي پېښو، تجربو، د ازمیښتو اندونو راکړه ورکړه په برخه کې یو ستر پلټ فورم او یو ویاړمن مرکزي رول لوبوي.
د دعوت خپروني محتویاتو او منځپانگې په ستره لمن کې تل د انسانیت، افغانیت، اسلامیت، انساني کرامت، د افغانانو ملي دودونه، ارزښتونه، د افغانستان خپلواکۍ، ملي حاکمیت، ملي گټو، د بیان ازادۍ او داسې نورو ټولمنلي کوډکسونو ته جدي پام کیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library



د دعوت هره ګڼه د افغانستان ملي ګټو په چوکاټ کې دې ټولمنلي ارزښتنو او نورمونو ته ځان مسئوول احساس کړي او یا ورسره مسوولانه چلند کړي دی.

دعوت خپروني د هر ډول کرکي، تعصب، تبعیض او پاروونکي لیکنو څخه ځان لرې ساتلي دی. د د عوت په اخبار کي هر افغان ته چې د ملي فکر خاوند وي، له کرکې، تبعیض او تعصب څخه پاک وي، د افغانستان ملي ګټو، ملي اسلامي ارزښتونو او ارمانو ته ژمن وي، نه یوازې ځاې شته دی، بلکې هغه ته پر لوړ کچ د لوستلو ډیر څه لري.

د عوت میډیا څلرویشت ویبپاڼه:

اټکل له پینځه سووکلونو راهیسي اخبار په نړۍ کي شتون لري، د وخت په تیریدو سره د اخبارونو په فورم، بڼه او شونتیاو کي په پر لپسې توګه بدلونونه راغلي دي.

د نړۍ ډله ییزو رسنیو نوې پرمختګونو ته په کتو سره داسي بریښي چې په نږدې راتلونکي کې به چاپي رسنۍ په ځانګړې توګه چاپي اخبارونه د خپل ژورنالیستکي کیفیت سره سره له منځه ولاړل شي. له بل پلوه د مولتي میډیا یا ډله ییزو رسنیو شونتیاوې چې د انټرنیت له لارې په بریښنایي ډیجیټل بڼه خپریږي، د ژورنالیزم کیفیت ته نوې چانسونه ور په برخه کړي.

تر اوسه په مالوماتي او اطلاعاتي رسنیو کي اخبارونه تر ټولو کره او د اعتبار وړ مالوماتوسر چیني ګڼلي کیږي. اخبارونه له ډیر پخوا څخه خلکو ته د لارښووني او د اعتبار وړ خبرې سر چیني ګڼلي شوي دي.

د یوه اخبار یا مهالني ځانګړې راز په دې کي نغښتي دی، کله چې اخبار کوم مالومات یا ټولنیز ارزښتونه خلکو ته وړاندې کوي، لوستونکي هڅه کوي په دغه ټولنیزو ارزښتونو کي د خپلوي یو ګډ احساس ومومي. له دې سره د اخبار لوستونکی په راتلونکي کي د ټولني د لوړې پرګنې یا ممتاز قشر- سره په فکري ډګر کي ځان ګډ محسوسوي.

د دعوت میډیا ویبپاڼه بېلابېل په زړه پورې سیاسي او ټولنیز علمي مالومات خپروي. دا ویبپاڼه اوس په سلګونو، زرګونو لوستونکي او

(c) ketabton.com: The Digital Library



کتونکي لري. افغانان هره ورځ په دې ویبپاڼه کې د سیاسي او ټولنیزو مسایلو تر څنګ خپل ملي او کولتوري ارزښتونه لټوي.

د دعوت مهالنۍ سره زما پېژندګلوي:

کله چې په ۱۹۸۸ کال کې د دعوت اخبار په خپرونو پیل وکړو. د هیواد په دننه او بهر کې د چاپیدونکو آزادو خپرونو کچه څښته ډېره ټیټه وه. د دعوت اخبار د ناروې په هیواد کې خپرونې پیل کړي وې. زه هغه مهال یو کال مخکې تر دې نیټې د خپل ګران هیواد له پلازمېنې کابل څخه پېښور ته او بیا المان ته تازه کډوال شوي وم، په لومړي ځل یو دوست ما ته د دعوت اخبار یوه ګڼه په پوسته کې راولیږله. په لیک کې داسې هم لیکلي و، کله چې تا دا اخبار ولوست بیا بیرته راولیږه او یا یو بل افغان ته یې د لوستلو لپاره ورکړه.

د المان د کډوالۍ په لومړیو کلونو کې زما سره د اخبار د ګډون پیسې هم نه وې. اټکل درې یا څلور کاله ورسته مې د دعوت په اخبار کې ګډون وکړو او بیا مې خپله قلمي همکاري هم ورسره پیل کړه.

زما په اند، دعوت خپله منځپانګه، محتویات او کاري کیفیت زموږ ملي او اسلامي ارزښتونو سره سم سمبال کړي دي. دعوت هر افغان د افغانستان ملي ګټو، اسلامي، افغاني کولتوري، ملي ټرمینالوجیکي ارزښتونو، ملي او سیاسي سېمبولونو ته دعوتوي.

د دعوت مهالنۍ علمي څېړنیزه لیکنې، تاریخي ادبي مضامین، د افغان لوړ پوړې سیاسي چارواکو اندونه، د مخورو افغان شخصیتونو، د نظر خاوندانو خبرې اترې، مرکې، د اقتصاد، روغتیا او چاپیریال په هکله هر اړخیزه مالومات، په ځانګړي توګه د افغانانو د لسیزو ناورینونو او خونړې جګړې د حل لارې چارې لټوي. د لر او بر افغان ولس د یووالي څخه ملاتړ کوي. د افغاني ټولنې بقا او ارتقا په برخه کې مثبت رول لوبوي. نړیوالو منلي شوي معیارونه او ارزښتونه ته پام کوي. د دعوت اخبار افغان ځوانانو او مشرانو ته د هیواد پالنې او د هیوادنۍ مینې یوه بله ډېوه ګرځیدلې ده.

دعوت، ډېرې علمي، سیاسي، تحقیقاتي، څېړنیزه او تحلیلي لیکنې خپروي، د بیان او د آزاد فکر ژمندویې کوي، د افغانانو عامه پوهاوي، ملي روحیې او سیاسي ویښې شعور د پنځیولو او جګیولو هڅې کوي. په

(c) ketabton.com: The Digital Library



ټولیزه ټوګه دې ټکو ته په کتو سره د دعوت خپلواکه رسنیو مرکز د افغانستان په دننه او بهر کې افغانان ملي یووالي، تلپاتي سولې او ملي امن نظم ته را بولي.
د دعوت مهالنۍ زما ځکه خوښیږي چې یوه بې پرې او ناپییلي خپرونه ده او د هیڅ یو سیاسي ګوند او هیڅ یوې ډلې تپلې ته پروپاګند او تبلیغات نه کوي. دعوت ملي ورورولۍ، سولې او ملي پخلاینه لپاره نه ستړي کیدونکې هلې ځلې کوي.
ډیره د خوښې خبره ده، چې دعوت خپرونې خپل ۲۹ کلونه د افغان کډوالو په چوپړ کې تیر کړي دي. د دعوت خپرونې اروپا، امریکا، اسیا، افریقا او استرالیا پورې خپلو مینه والو ته رسیږي.
د دعوت مهالنۍ او د عوت میډیا ۲۴ ویبپاڼې مسوول مدیر کاري فعالیت ته له لرې یوه لنډه کتنه:
بزګر صیب زموږ په شان کور، کار، خپل خپلوان، دوستان، میلمه پالنه، د خوښۍ او خپګان سره مل ژوند لري. بزګر صیب د خپل ورځني نورمال ژوند کارو بار ستونزو سربیره ښایي په اټکلي او اوسط ډول د دعوت اخبار د لیکلو، ډیزاینولو، چمتوکولو، چاپلو او د پوستې له لارې لیږلوته لږ تر لږه په ورځ کې د دریو نه تر څلور ساعتونو پورې کار کړي وي. که موږ دغه اټکلي څلور ساعت کار د ۲۹ کلونو په ورځو کې ضرب کړو. موږ ته پته لګیږي، چې بزګر صیب د دعوت اخبار چلولو ته د خپل خوږ ژوند څو زره ساعته وړیا کار کړي دی.
د دعوت اخبار کې مو دا هم لوستلي، چې بزګر صیب د افغانستان د سیاسي مسایلو د څیړلو، د افغان غمیزې او جګړې د حل لارې چارې لټولو په موخه ډیرو هیوادونو ته د سیاسي کارپوهانو سره د خبرواترو او مرکو لپاره په زرګونه کیلو متره لرې سفرونه کړی دي.
زما په اند، د دعوت په خپرونه باندې د نیوکو مستحق یواځې هغه څوک کیداې شي، چې دی د کډوالۍ په شرایطو کې د رسنوالۍ دنده لا نوره ښه او بهتره ترسره کولې شي.
د دعوت مهالني ډیزاین او تخنیکي چارې همدرانګه د څرنګوالي په برخه کې ښایې د ځینو په سترګو کې کمزور تیاوې شتون ولري. دا باید

(c) ketabton.com: The Digital Library



په ياد ولرو،چي اوس د دعوت مسئوول مدير نور يو بې تجربې او غير مسلکي سړی نه ګڼل کيږي.

زه هيله من يم، د دعوت معتبره رسنۍ خپل فعاليت په دوامداره توګه وساتي او په ټولو افغانانو په ټينګار سره غږ کوم، چي د دعوت خپرونه زما او ستا مادي او معنوي مرستو ته څښته ډيره اړتيا لري.

د دعوت د معتبري مهالنۍ د فعاليت، پايښت او ښې په اړه يو وړانديز:

د دعوت خپروني مسئوولين که د وخت له غوښتنو سره سم لږ د نوې نړيوال ډيجيټل ډله ييزو رسنيو پرمختګونو او نوښتونو ته پام وکړي، ښه به دا وي چي د خپلي خپروني ښه يوې چاپي مجلې ته واړوي. دغه نوې مياشتنۍ مجله بايد په هره دوه يا دريو مياشتو کې په يوه ښکلي ډيزاين کي چاپ کړل شي. په دې نوې معتبره مجله کي سياسي، فلسفي، اقتصادي، روغتيايي، چاپريال ساتني، ټولنيز ادبي، سپورتي او کولتوري مضامين د مسلکي کارپوهانو له خوا نوي په زړه پوري مالوماتي ليکني څېړني او ارزوني خپرې شي. د دعوت مجله بايد ځان ته خپل ليکوال ومومي، څو د هرې مسلکي څانګي په اړه د خپلو مسلکي کارپوهانو څخه غوښتنه وکړي، د يوې ځانګړي موضوع په اړه نوې علمي ليکني وکړي او د دې ليکنو امتياز يواځي او يواځي د همدې مجلې سره محفوظ وساتل شي. مجله بايد په ډير ښکلي ډيزاين او رنګه انځورونو کي خپره شي. مجلې ته په پيل کي يوه ارزانه بيه وټاکل شي، دغه نوې مجله بايد د افغانستان او د نړۍ په ګوټ ګوټ کي د افغانانو په کولتوري مرکزونو کي وپلورل شي. دا مجله بايد د نړۍ معتبرو مجلو په شان لکه الماني مجله ډير شپيګل، امريکايي مجله ټايمز او د جيوپوليټيک مجلې ته ورته وده وکړي.

د دعوت خپروني نوويشتمي کاليزې په وياړ:

زه د يو لو ستونکي په توګه د دعوت ۲۹ کلن کولتوري هاندې هڅې، نوښتونه او برياوې لوړې ارزوم او د زړه له کومي يې ستايم. حالاتو ته په کتو سره فعاليت ډير مثبت او عالي ارزوم، د امتياز څښتن او درنو چلوونکو ته د دې خپروني د ۲۹ مي کاليزې د رارسيدو په وياړ مبارکي وايم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



زما په اند د چاپي رسنيو خپرنيزخبريال بزگر صيب اوسپنيزه اراده او هڅې د ستايلو وړ ځکه دي، چې په کړکېچ کې یې دغه رسنيزه بنسټ په خپل وس او توان سره په سمه او برياليي توگه مديريت کړي او تر ډيره بريده د ژورناليزم اصول مراعت کړي دي.

ښاغلي بزگر ته د وياړ او خوښي ځای دې چې دعوت مهالنۍ وکولای شول د ډېرو اقتصادي ستونزو او لږو مالي مرستو سره سره د افغانانو د کړکېچ په اوږده تاریخ کې د خپل بې پرېوالي تگلارې پر بنسټ د يو ملي تاريخي وياړمن اخبار نوم خپل کړي.

دعوت د خپلو قلمي همکاران پر مټ د افغانستان په دننه او بهر کې د اعتبار وړ يو پياوړي آزاد ملي رسنيزه ځواک گرځيدلي دی. د دعوت مخاطبين د هيواد ملي روڼ اندي يا د افغاني ټولنې لوړ پوړي پرگنې دي. دعوت، لوی افغانستان د ټولو افغانانو گډ کور گڼي، ځکه يې د ملي افغانانو په منځ کې ښه نوم گټلي دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library



# به مناسبت۲۹ مین سال نشراتی دعوت میدیا با مدیریت محمد طارق بزگر

کاندیدای اکادمیسین استاد م.ا. سیستانی

محمد طارق بزگر، یکی از نخبه گان فرهنگی و اطلاعات جمعی در خارج از افغانستان است که قریب سی سال از بهترین ایام عمر خود (۱۹۸۸–۲۰۱۷) را در راه تنویر افکار و اذهان هموطنان خود با نشر مجلهؤ دعوت وسایت دعوت میدیا، صرف کرده است. ۳۰ سال کار مطبوعاتی و آگاهی رسانی بلا توقف و بدون مزد، در توان هیچ کدام از ما خواننده گان و همکاران قلمی آقای بزگر نیست.

آقای بزگر، چرا این همه وقت و انرژی و توان جسمی و مادی و معنوی خود را در این راه صرف کرده است؟ آیا علت این همه سعی و تلاش او به خاطر کسب مقام و جاه دولتی بوده است؟ نه خیر. من فکر می کنم که علتش همانا عشق بی کران به کشورش افغانستان و مردم و زبان و فرهنگش بوده و است. عشق و محبتی را که من در وجود این شخصیت خوش برخورد و مؤدب و صبور و بردبار نسبت به افغانستان درک کرده ام، کمتر از عشق و علاقه ای نیست که اعلی حضرت امان الله خان برای تعالی و ترقی کشور خود داشت.

دانشمندان جامعه شناسی در مورد عوامل پدید آورندۀ شخصیت انسان می گویند: شخصیت، ساختهء وراثت و محیط زیست اوست؛ یعنی انسان با خصوصیات ژنتیکی خاصی به دنیا می‌آید، و پس از آن سر و کارش با محیط اجتماعی اطراف او است.

محیط اطراف، عبارت از خانواده، همسایه گان یا اهل روستا، کودکستان و مکتب، و بالاخره جامعه است که نقش مهمی در شکل دهی شخصیت انسان دارد.

انسان از محیطی که در آن بزرگ شده است، خواهی نخواهی تاثیر می پذیرد. اگر از اطرافیان خود محبت دیده باشد، با دیگران با محبت رفتار

(c) ketabton.com: The Digital Library



می کند واگر خشونت دیده باشد، طبعاً خشن بار می آید و با دیگران از درِ خشونت پیش خواهد آمد؛ اما ذکاوت و خلاقیت و ابتکار از وراثت انسَان سرچشمه می گیرد. به همین جهت است که انسان های یک جامعه، همه دارای عین قابلیت و استعداد و خلاقیت نیستند و هر کدام، دارای مختصات و ویژه گی های منحصر به خود اند که با همان ویژه گی ها از یک دیگر متمایز می شوند.

تا زمانی که انسان، در عرصهء زنده گی و کار از خود مهارت و لیاقتی تبارز نداده باشد، نمی توان در موردش نظری مشخص ارائه کرد؛ فقط در روند کار و در پراتیک زنده گی است که ظرفیت انسان و توانائی هایش متبارز می شوند و دیگران را تحت تاثیر خود قرار می دهد و حسن نظر یا سوء نظر اطرافیان را نسبت به خود برمی انگیزاند. مثلاً انسان ها با تبارز قابلیت های خاصی در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، یا هنری از خود آثاری چون کتاب، مقاله، رساله، یا یک اثر هنری از قبیل آهنگ های موسیقی، مجسمه یا تابلوی نقاشی، بر جا می گذارند و به خاطر آفریده های خویش، در جامعه متبارز و صاحب نام و شهرتی می شوند. شناخت چنین آدم هایی کار مشکل نیست و می توان از روی آثار شان، به طرز تفکر و ایده ها و نیات و پیام شان پی برد و آنان را برای نسل های جوان حال و آیندۀ جامعه معرفی کرد.

جوانان نیزعلاقمند اند تا از کرکتر و کارنامهء آدم های موفق، برجسته و خلاق تاسی بجویند و شخصیت خود را تکامل ببخشند. طبعاً این احساس، آن ها را به سوی تلاش برای طی کردن پله های ترقی و تعالی و کسب درجات علمی بالاتر و زنده گی آبرومند و فارغ از کژی و نادرستی، تشویق می کند.

آن هایی که در ابراز لیاقت، خلاقیت، درایت، کسب علم و فضیلت، راستی و درستی و وطندوستی از آزمون زمان موفقانه عبورکرده باشند،

(c) ketabton.com: The Digital Library



نخبه گانی استند که مایهٔ افتخار و سرمشق دیگران می شوند و همواره الگوی راستی و درستی و انسان دوستی پنداشته می شوند؛ اما انسان هایی که فاقد استعداد و ذکاوت و خلاقیت و لیاقت استند، معمولاً به ریاکاری و تملق و چاپلوسی و دروغ متوسل می شوند، و معلومدار افراد زبون، اپورچونیست و ابن الوقتی اند که به خاطر حفظ یا کسب منافع شخصی، سر و گردن خم می کنند و برای جلب توجه ارباب قدرت حاضر اند تن به هر پستی بدهند.

هر یکی از ما در زنده گی روزمرهء خود، با هر دو گروه انسان های خوب و آدم های بد و پلید رو به رو شده ایم؛ از آدم های نیکوکار و نکونام، به نیکی یاد می کنیم و از انسان های فاسد و استفاده جو و دروغگو اظهار نفرت و انزجار می کنیم.

از بحث به دور نرویم، بحث بر سر محمد طارق بزگر، یکی از شخصیت های فرهنگی افغانستان مقیم کشور ناروی است. بزگر، فرزند دره های سرسبز و کوهساران پوشیده از جنگلات طبیعی و درختان کاج و نشتر ولایت کنر است.

کُنر یکی از ولایات دور افتاده در شمال شرق سلسه کوه های هندوکش واقع شده و دارای مناظر طبیعی زیبا و دره های پر جاذبه و دلکش است. در این دره ها، رودهای سرمست و پرآب با آبشار های زیبا و دل انگیز از میان سنگلاخ ها جریان دارند که مایهء حیات انسان و حیوان و نبات منطقه استند.

جناب بزگر، در چنان فضای آزاد و خوش آب و هوا، در یک خانوادهء منور و تحصیل کرده و صاحب قلم پشتون با قابلیت و استعداد خلاقیت و سرشار از حب وطن دوستی به دنیا آمد و از عطوفت والدین و برادران و خواهران خود، محبت و صفا و صمیمیت دید و راستی و صداقت شنید و به تدریج بزرگ و بزرگتر شد تا به مکتب رفت و از معلم و استادش نیز درس آزاده گی و صداقت و محبت به وطن را

(c) ketabton.com: The Digital Library



همان گونه که در خانواده شنیده بود، به تکرار شنید و آموخت. بزگر وقتی قدم به سن جوانی گذاشت و نزدیک بود صنف یازدهم لیسهٔ نادریه کابل را تمام کند و بقیهء پله های تحصیل را در وطنش طی کند، ولی متاسفانه که تجاوز اتحاد شوروی برکشورش، او را از آغوش مادر وطن به دور ساخت. او در سال ۱۹۸۰ مثل هزاران تن دیگر، راه مهاجرت در پیش گرفت و از کابل به پیشاور رفت. در آن جا دروسش را ادامه داد و در رشتهء علوم سیاسی و اسلام از اسلامیه کالج و پوهنتون پشاور لیسانس گرفت و در حالی که ۲۱ یا ۲۲ سال عمر داشت، به کشور ناروی پناهنده شد.

بزگر، در سال ۱۹۸۸ در کشور ناروی به حیث یک مهاجر افغان از حمایت های اجتماعی و فرهنگی کشور ناوری برخوردار شد، و در رشتهء کمپیوتر و میدیا و کمیونیکیشن (مطبوعات و ارتباطات) به تحصیل خود پرداخت.

بزگر در رشتهء ژورنالیزم، دارای تحصیلات عالی و تجربهء زیات بوده و در عرصهء ژورنالیزم انترنتی نیز دارای تحصیلات بلند از شمال ناروی است. او برای سالیان دراز در تلویزیون دولتی ناروی (NRK) کار کرد و نیز از طریق آنلاین در انگلستان، رشتهء ژورنالیزم خویش را تقویت کرده است.

آقای بزگر در پهلوی درس و تحصیل خود در ناروی، در صدد برآمد تا به مردم افغانستان از یک طریق سالم خدمتی انجام دهد؛ چون علاوه بر ذوق و علاقه به مطبوعات و رسانه های جمعی، خود را با دانش و تیوری این رشته از علوم انسانی مجهز کرده بود، در دسمبر سال ۱۹۸۸ دست به نشر یک مجلهء ماهانه به نام دعوت زد. بزگر خود گفته است که کار نشراتی مجلهء دعوت را در اوج مشکلات، با امکانات اندکی از طریق نوشتن با دست خود آغاز کرد و پس از نشر مجله، خود را مجبور دید آن را برای هموطنان نزدیک خود ابتدا در کشور های

(c) ketabton.com: The Digital Library



ناروی، سویدن و دنمارک توزیع کند و مصارف پستی را هم از جیب خود بپردازد.

به تدریج علاقه مندان دعوت در کشور های دیگر اروپائی و امریکایی بیشتر می شوند و او خود را مکلف می بیند دعوت را که حاوی اطلاعات و آگاهی ضروری سیاسی و اجتماعی و ادبی بود، به بیش از پنجاه و پنج کشور اروپائی و آسیائی و امریکائی برای افغانان برساند.

با رواج انترنت و میدیای برقی، در نیمهء دوم دههء ۹۰ قرن بیستم، آقای بزگر، کار بروز رسانی سایت دعوت میدیا را به زبان های پشتو و دری و انگلیسی و نارویژی با صداقت وطن پرستانه به مردم افغانستان ارائه کرده است.

آقای بزگر بدون وابسته گی به سازمان سیاسی خاص، با دیدگاه فراخ، هرگونه نظریات مخالف و موافق را مجال نشر و امکان تبارز می دهد. به همین لحاظ او مورد احترام همه افغانان و به خصوص همکاران قلمی و مطبوعاتی خود قرار دارد و با خلق خوش و کرکتر عالی ای که از تربیت خانواده گی خود به ارث برده است، همه را گرویدهء شخصیت متین و با وقار خود ساخته است. اینك از خدمات فرهنگی او به حیث مدیرمسوول دعوت میدیا، ۲۹ سال می گذرد. او در این مدت به طور خسته گی ناپذیر در راه بیداری و تنویر اذهان و شعور جوانان کشور، نقش روشنگرانهء خود را منحیث یك افغان وطندوست و خدمتگزار افغانستان به نحو خیلی تحسین برانگیز انجام داده و می دهد. این همه پشت کار و صرف وقت و انرژی، بدون تردید، ناشی از عشق عمیق او نسبت به مردم کشور و آگاهی دادن به مردمی است که خودش از میان آن ها بیرون آمده است. از این جهت جناب بزگر صاحب، دین بزرگی برگردن ما افغان ها دارد. بنابراین من این خدمات معنوی و با ارزش آقای بزگر را قابل تقدیر و ستایش می دانم و برای

(c) ketabton.com: The Digital Library



سرفرازی این شخصیت برازنده و یکی از فرهنگیان نخبهء کشور، عمر طولانی و توفیق مزید از خدا آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



# د دعوت ښکلې مجله او ښکلې پاڼه

عبدالغفار جُبير

د ((دعوت)) مجلې او ویب پاڼې مؤسس ښاغلی مشر ورور محمد طارق بزګر صاحب هغه څوک دئ چې د لومړي ځل لپاره یې زما لومړی اثر (ما ولې اسلام قبول کړ؟) د ده په هڅو او مالي لګښت سره په ۲۰۱۰ میلادي کال کې چاپ شو، که زه په لنډو کې درته ولیکم: ((ښاغلي بزګر صاحب زه لیکوال کړم.))
ما له نن څخه ۸ یا ۹ کاله مخکې دعوت ویب پاڼې ته لیکنې لیږلې، چې کله به مې یوه لیکنه ولیږله، د دوهمې لیکنې لپاره به بزګر صاحب تشویق راکړ، او وبه یې هڅولم چې بله لیکنه او ژباړه وکړم، زما دوهم اثر (اسلام او نوي ساینسي- څیړنې ۱ ټوک) هم د ده په کوښښ په سویډن کې تکړه ورور ښاغلي ملک زي صاحب چاپ کړ، او بزګر صاحب ته دې الله جل جلاله په دنیا او آخرت کې پوره عوضونه ورکړي. (امین)
د ښاغلي محمد طارق بزګر صاحب ښکلې ویب پاڼه چې مخکې د (افغان سباوون) په نامه او بیا (دعوت ۲۴) شوه، ډېره یوه هر اړخیزه او معلوماتي ویب پاڼه ده. موږ تر هر څخه مخکې همدغه ښکلې پاڼه اقلاً په ورځ کې څو څو ځلې ګورو؛ دا ځکه چې داسې لیکنې پکښې شتون لري، چې په نورو ویب پاڼو کې نشته او بې بېلګې دي. اسلام، سیاست، ساینس، سپورت، تاریخ ، د نړۍ هیښونکې او هر ډول لیکنې، کتابونه او ویډیو ګانې پکښې شتون لري. د افغانانو د درد احساس، د سولې پیغام، د نېکمرغۍ ولولې، د سکون ټکور، د پرمختګ لارې چارې او داسې نور اړین توکي پکښې پراته دي، نه یواځې د هغو افغانانو ولولې او احساسات منعکسوي چې په لویدیځ کې اوسیږي بلکې د ګران هیواد افغانستان ورځنۍ تودې پیښې او ناخوالې هم پکښې رانغښتې دي، چې همدا د دې ښکلې پاڼې یوه ځانګړتیا ده. د بزګر صاحب په دې نړیواله پاڼه کې علاوه له دې څخه چې افغاني او اسلامي لیکنې خپریږي بلکې ازادې لیکنې هم سته، چې کېدای سي همدغه لیکنې په ډېرو ویب پاڼو کې شتون ونلري، چې مطلب مې دا

(c) ketabton.com: The Digital Library



دئ چي بزګر صاحب خپله يو تکړه نړيوال ژورنالست دی، نو تر ډېرې اندازې پورې د ژورناليزم د اصولو مطابق د بيان ازادي يې هم پلې کړېده

دعوت خپرونه:

موږ زښته ډېرې مجلې لوستي او يا يې هم لولو، هم خارجي مجلې او هم داخلي مجلې، خو د ((دعوت)) مجله يوه بې مثله، معلوماتي او هر اړخيزه مجله ده.

بزګر صاحب موږ د ((دعوت)) مجلې هره ګڼه را ليږي. کله د ليکوالانو، اديبانو، پوهانو او علماء داسي ګڼه ګوڼه جوړه سي چي بيا موږ دغه مجله فوتو کاپي کړو او بيا يې تر ملګرو او دوستانو پورې رسوو، چي له دې ښکلې مجلې څخه موږ هر څه لکه: سياست، افغانپوهنه، ادبيات، تاريخ، ساينس او نور.... رازده کړيدي. که زه په دا هر څه په يوه جمله کي را ونغاړم نو زه ويلای سم ((د دعوت مجله او ويب پاڼه يو نړيوال دائرة المعارف دی.)) الله جل جلاله دي و بزګر صاحب ته اوږد عمر ورکړي چي همدا ملي وياړ تل له ځانه سره ولري، او همدا ملي خدمت ستر عبادت وګڼي.

(c) ketabton.com: The Digital Library



# د دعوت ۲۹م پسرلی

قریب الرحمن سعید

د هیواد په سخت پیچلیي، د ناورینو او نانندریو ډک تاریخ کـي، نـژدی ۲۹ کلـه مختـه د نـومبر پـه میاشـت کـي، د دعـوت تـر نامـه لانـدي، محترم طارق بزگـر، د خپلـو او د خپلـو مینوالـو د احساساتو د بیـانولو، څرگندولو، او د هیواد د سیاسي او ټولنیزو حالاتو څخه د عـامو ولسي- وگړو د خبرولو په خاطر، د فقـر او بي وطنـۍ پـه فضـا کـي، د نـاروي د هارایه څخه، میاشتنۍ خپرونه پیل کړه. دا پـه داسي حـال کـی چـي نـه هغه وخت کمپیوټرونو ته دومـره وده ورکـړل شـوي وه او نـه د اوس پـه څیر د لیږد رالیږد اسانتیاوو شتون درلود او نه دغه ډول نور کمپیوتري او یـا تیلیفـوني سـهولتونه شـتون درلـود. یـواځنی وسـایل چـی تـري گټـه اخیستل کیده د فکس ماشـین او یـا هـم د پوسـتي خـط وه. د فکـس د ماشین سهولت هم ډیر کم میسر و.

زما یاد دي چي محترم بزگر صیب به د خپلو ورځنیو کاري مصروفیتونو ترڅنگ د شپي تر ناوخته پوري په پوسته کي راغلي لیکونه، شـعرونه او مضمونونه پخپله تصحیح او ټایپ کول او بیا به یـی پـه خپلـه میاشـتنۍ خپرونه کي د خپریدو لـه پـاره امـاده کـول. هغـه وخـت دغـه څیړنیـزه سیاسي ټوله به لمړۍ چـاپ او بیـا بـه ټولـو مینـه والـو تـه د پوسـتی لـه لاري ور لیږل کیده، چي پوستي مصارف به یی هم پخپلـه د دعـوت د بنسټ ایښوونکي او مسوول مدیر له اړخه ور کول کیدل. کم مثال به تر سترگو شي چي د دعوت مینوالو به ورسره د دي اقتصادي بار په پورتـه کولو کی لاس کړی وي، خو د دعوت مسوول، خپـل ولـس او د ولـس منوري طبقي ته د خپلی سیاسي ټولی (دعـوت) ورلیـږل د خپـل ځـان لپاره یو چلینج گڼلی و په دي خاطر یی د خپلي هغه پانگی څخه، چـي د خپلو متو په زور یی گټله، ډیره برخه د دعوت په چـاپ او بیـا د دي سیاسي او ټولنیزی ټولي په پوستي مصارفو لږوله.

۲۹ کاله مخته هیواد د یوي توری تیاری سره مخ و. دهیواد پـه سـیاسي او ټولنیزه فضا وحشت او دهشـت حـاکم و. پـه سـلگونه زره انسـانان د وخت د بیرحمه حاکمانو د تیریو له لاسه د خـاورو خـوراک گرزیـدلي

(c) ketabton.com: The Digital Library



وو. ولس مو په مختلفو گاونډيو او اروپايي هيوادو کي د مهاجر په نامه پاشل شوی و. ميندی بوري شوي وی، ناوي کونډی شوي وي او کوچنيان يتيمان شوي وو او په پرديو هيوادو کی د اجنبي انسانانو لاسو ته ناست وو. او هر چا چي څنگه يی زړه غوښتل همغسي لوبی يی پري کولي.

د هيواد دننه په مطبوعاتو سانسور و، ان تر دي چي د بهرنيو راديوگانو خبرونه اوريدل هم مرگوني جرم گرزيدلي و. ولس د خپل هيواد په اړه د هيڅ نه خبر نه و. نه د انټرنيټ سهولت شتون درلود او نه د سپوږمکيو استانيتاوي ميسري وی ترڅو ولس تري د خپل هيواد د سياسي او ټولنيزو حالاتو په اړه کره معلومات تر لاسه کړي. په داسي کرغيړنو او د نانندريو نه ډکو حالاتو کي د دعوت مياشتنی د ولس د يو شمير منورينو له پاره د رڼا او مشال حيثيت درلود. هغوي کولي شول چي ددي لاري خپل نظريات د ولس د نورو پرگنيو سره شريک کړي، او د دعوت مسوول او بنسټ ايښوونکي هم د ټولو تهديدونو او گواښونو سره سره بيا هم په خپل هوډ او عزم کلک ولاړ و. هغه خپله دغه مياشتنی د ټولو اقتصادي او ټولنيزو ستونزمنو شرايطو سره يو ځای فعاله و ساتله، ان تر دي چي په انټرنيټي دوران کی يی د دعوت ترنامه لاندي پاڼه هم پرانيسته چی د هيواد د ملي ژبو (پښتو او دري) نه علاوه يی په انگليسي او ناروېژی ژبو هم خپروني پيل کړی.

دعوت هم په انټرنيټي جال کي او هم په چاپي برخه کي په دغه ستره تاريخي اوږده موده کي د هيواد د مطبوعاتو د يوه ځلانده ستوري په څير وځليد، په خپرونو کي يی ورځ تر بلي د علميت او د انسانيت او حق په لور د بللو وړتيا نوره هم زياته شوه او ډير ژر يی د انټرنيټي خپرونو له لاري په نړيواله توگه د هيوادوالو تنده ورماته کړه.

دعوت د خپل تأسيس نه را وروسته په دي اوږده موده کي ډير ستر او تاريخي گامونه اخيستی، د هيواد د ملي گټو او شتمنيو يی دفاع کړی، د وطن او هيواد پالنی روحيه يی غښتلی کړي، او ولس يی د پرديو او پرديپالو، د استعمار او استثمار، اشغال او نيواک په مقابل کی د يوه واحد دريځ په لور رابللی.

(c) ketabton.com: The Digital Library



تر هغي چي ما د دعوت خپرونی لوستي اويا مي یی انهر نيتهي ليکنـي تعقيب کړي، په هيڅ يوه کي یی هـم د هيـواد سره د مينـي او د خپلـو ملي ارزښتونو او مقدسي خاوري د دفاع نه اخوا د نورو قومونو تر منځ د تعصب نښي نه دي څرګندی شوي، بلکه پـه يـوه متحـد پليـټ فـارم د ولس د راټوليدو دروند مسؤليت یی په غاړه اخيستي او تـر اوسـه پـوري دغه دروند مسؤليت په غاړه لري.

زه د دعوت بنسټ ايښوونکي مسوول مدير، محترم محمد طـارق بزګـر ته د دغي ملي خپـروني د ۲۹مـي کليـزي پـه مناسـبت د زړه لـه کـومی مبـــارکی وايـــم او د الله تعـــالي نـــه ورتـــه پـــه دي اړه د لا زيـــات توفيق غوښتونکي يم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



# ۲۹ کاله دعوت وشو، خو زمونږ د وېښتابه کار څنګه شو؟

محمد آصف ننګ

۱۳۹۶ د تلې میاشت، کابل:

۲۹ کاله یعني د یو نسل عمر، دومره ډېر کلونه د دعوت ورځپاڼي دعوتي او د وېښتابه او د اذهانو د تنویر ماموریت ترسره شو، د خپلې مطبوعاتي تجربې له مخې، چې د وطن میاشتنۍ مجلې او بیا د اقتصاد میاشتنۍ مجلې د مدیر مسوول په حیث مسوولیت درلود، راته معلومېږي چې د ټولنې د بیدارولو او پوهولو کار څومره ستونزې لري. دغسې دروند، له مسوولیت او زحمت ډک مزل، چې ښاغلي محمدطارق بزګر او ټیم یې پوره ۲۹ کاله طی کړی، واقعاً له عظمت ډک دی او سخت د قدردانۍ وړ ده. په همدې دعا چې خدای پاک دې د دې غښتلي شخصیت قلم او پیام پیاوړی لري او هم دې خدای پاک پر دې ملت رحم وکړې چې د غفلت له خوبه راوېښ شي او د نړۍ د ترقۍ او پرمختګ له کاروان سره دې دوی هم سیال شي.

دعوت خپرندوی مرحلې:

که ۲۹ کلن تسلسل ته وکتل شي، زه یې په څو مرحلو کې څېړلی شم:

(۱) په افغانستان کې د انقلابي احساساتو مرحله. دا هغه مرحله وه چې د رغوني او تحمل پیامونه پکې کم چلېدل. دا داسې مرحله وه چې د انکشاف، ترقۍ او پرمختګ او د نظام جوړوني په هکله بحث کول، ډېر اورېدونکي او خریداران نه درلودل، خو دعوت پدې کلونو کې هم ډېر ښکلي مباحث درلودل. دعوت پدې مرحله کې یو روڼ آندی قشر ـ وروزه او هغه قشر د نن ورځې په کار و بار کې ډېر ښکلي او مثبت نقش ایفا کوي. دعوت پدې کلونو کې د انقلابونو پیامونه کم او د وطن او وطن پالنې پیامونه ډېر نشر کړل.

(۲) بله مرحله د طالبانو مرحله وه. دا کلونه هم سخت ول. داسې کلونه وو چې پکې بیا هم د وطن او وطنپالنې سودا ورکه شوې وه. فکري اختناق ته ورته مرحله وه. د لیکوالانو قلم نه چلېده. محدودیتونه هم پریمانه و. پدې کلونو کې دعوت له وطن لیرې و خو مخاطبین یې په

(c) ketabton.com: The Digital Library



ایران، پاکستان او غربي هیوادونو کي تر ټولو ډېر و. دعوت پدې کلونو کي د وطنپالني تر څنګ، خپله بي طرفي حفظ کړه، او د وطن د نجات او فلاح لپاره يي ښي ډېرې مقالي خپرې کړې.

(۳) تر سپتمبر (۱۱) وروسته مرحله، دا زمونږ په تاریخ کي د بدلون او تحول تر ټولو عمده مرحله ده. پدې مرحله کي د افراط تر حده د دیموکراسۍ شعارونه وغږول شول. پدې مرحله کي دوه درې پدېدې د بحث وړ دي. اول دا چي رسنۍ غږیزې او چاپي ډېرې شوې، بیا یو څو کاله وروسته پسي بصري رسنۍ او تلویزونونه ډېر شول. پدې رسنیزه وسایلو کي خو شوقي او تفریحي برنامي ډېرې دي، خو د خردمندۍ، بیدارۍ، تعقل، تربیت او هدفمنده ماموریت ته د ولس د توجیه کولو او بسیج کولو پیامونه پکي ډېر کم خپاره کیږي.

پدې حاضر دور کي خواله رسنۍ، تویټر، فیسبوک او... هم پرې اضافه شول، چي د پیامونو د مدیریت او سانسور سلسله يي ختمه کړه؛ بي بندوباري يي وزیږوله، د حق او باطل، د سهي او غلط او د ګټور او مضر پیام او خطاب تفکیک يي مشکل کړ.

بل دا چي پدې مرحله کي د چاپيزو رسنیو، یا پرنټ میډیا، نقش ډېر کمزورۍ شو. د خبر د نشر سرعت زیات شو او هر څه په ډیجټل بڼه واوښتل.

پدې حاضر دور کي دعوت او بزګر، دواړه ښه چلیدلي. د تیرو ۱٦ کلونو تسلسل مي په چابکه توګه وکتو، واقعاً ډېر عالي پیامونه خپاره شوي، د اعتداله پر کرښي تګ شوی، ابله بازاري او اپلت پیامونه او مقالي قطعاً ندې نشر شوي. پدې مرحله د دعوت په مطالبو او مقالو کي د سولي غوښتونکي، چاپیریال او محیط زیست، معادن، منابع، اقتصاد، سیاسي اصلاحات، وده او انکشاف، پوهنه، زراعت او هر ډول تنوع څخه ډک نشرات شوي دي.

د بزګر صاحب په اړوند رسنیو کي د هنر برخه هم ښکلي اثار لري. د محلي نایابه موسیقۍ کلیپونه، تصویري هنر، جالب عکسونه او... .

د دې ټولو معنا دا چي دعوت د عصر په ژبه ښه پوهیږي، اعتدال او معقولیت ښه ساتلي شي او د وخت له تقاضاوو سره سم مزل کولی شي.

سپارښتني:

(c) ketabton.com: The Digital Library



سپارښتني مې هم مختصره دې. ویپ پاڼې کې دې د پښتو کتابونه ور اضافه شي، په خاصه توګه هغه کتابونه چې ژباړې ته ضرورت لري. د امریکا او اروپایي سیاست او اقتصادي ودې په هکله ډېر ښکلي آثار چاپ شوي، که ژباړه یې ترسره شي او بیا علاقه مندانو ته کېښودل شي، نو د سیاسي بصیرت په برخه کې به مهم نقش ولوبوي.

بل دا چې که دعوت د مهالنۍ یا فصلي مجلې په حیث په عصري او رنګه بڼه چاپ شي، نو د چاپي رسنیو صنعت او د مطالعې کلتور به ادامه پیدا کړي.

ډېر خلک انټرنیټ ته لاسرسی نلري، او یو زیات شمیر خلک په پوهنتونونو، انستیتوتونو او مکتبونو او مدرسو کې دي. دوی باید له پامه ونه غورځول شي. ځوانان ځکه مهم دي چې خدای مکړه بیا د افراطي افکارو ښکار نشي. انقلابونه له همدې ځو پوهنتونونو را شروع شول او ځلویښت کاله یې دوام وموند؛ وطن یې هم رنګ کړ او دوه میلیون وګړي پکې شهیدان شول؛ ځکه نو تاکید کوم چې مجله دې هم خپره شي.

زه شخصاً د دعوت هغه مزمن لوستونکی او مینه وال یم، چې له دعوت مې ډېر څه زده کړې؛ ځکه نو دغه خپرندوی بنیاد حق لري چې امتنان یې وکړم.

له چلونکي ټیم، مشرتابه او د لیکوال غړو له ډلې څخه یې... رښا مو لا ځلانده اوسه او خدای پاک دې د دې سپېڅلیو زحمتونو بدله په دنیا او آخرت کې درکړې.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## زه او دعوت، ۲۳ کاله د مخه!

سردار ولي پښتون زوی

ما هم د نورو لالهاندو افغانانو په څېر، سترګي د کډوالۍ پر مهال په پردي وطن کي روڼي کړې. ستونزي، بې وطني، پردیتوب او نور ډول-ډول ذهني شکنجي د هري ورځي مهال وېش وو.

۱۹۹۴ع کال زما د پاره څکه خوښ کال دئ چي زه په لومړي ځل په اول نمرګۍ سره دریم ټولګۍ ته بریالی سوم، او په ټوله ښوونځی کي به فاتحانه او مغرور ګرځېدم. دا ابتدایه ښوونځی د بلوڅستان پاکستان د پښین اولسوالۍ سرانانو نومي کمپ کي وه، چي اوس د جمالدین افغان لیسي یا ۱۵ نمبر ښوونځی په نامه یادېږي. دا چي د دې تعلیمي نصاب چلښت تر اوسه پوري د ملګرو ملتونو د کډوالو اداره کوي، نو به ئې ښارونکي تل د همدې اداري وه. یوه ورځ یو ښارونکی له یوه بهرني سره ملګری ټولګۍ ته راغلل او زموږ ښوونکی ته ئې د بهرني تر مخ د یو زده کوونکي څخه د پوښتني غوښتنه وکړه. ښوونکي ماته د دودیز سبک له مخه د پښتو کتاب د یوې پاڼي د متن ویلو وویل؛ چي باید په لوړ ږغ وي. ما هم هغه پاڼه په خوند وویل. بهرني فکر وکړ چي ده لکه چي همدا څو پاڼي یاد کړي؛ په لاس کي ورسره مجله ماته راکړه او په ژباړن ئې راته وویل چي له دې مجلې څه ووایه! ما چي د مجلې پر تندي لومړی کرښه وویل، ټولو ته ئې خوند ورکړ؛ کرښه کي لیکل سوي:

((د دعوت خپلو درنو لوستونکو ته د خپل څلورم نشراتي کال مبارکي وایي.)) نوري پاڼو کي هم پوښتنه وسوه، خو هره پاڼه چي به ئې وښوول، لکه بلبل داسي به وږغېدم.

وروسته څو نور ټولګیوال هم وپوښتل سوه، خو په مجله څوک نه جګېده. بهرني کس له وتو سره هغه مجله ماته د انعام په ډول راکړه چي تر ښوونکي پوري د ټولو خولي اوبه ورته کولې.

ښوونځی، کلي او کور کي اوازه وه چي سردار ولي ته ئې انعام کي (کتاب) ورکړی، هغه هم یوه بهرني! څکه مو کتاب باله چي هغه وخت کي موږ مجله او کتاب نسوای سره بېلولای. دا مجله د ((دعوت)) درنه

(c) ketabton.com: The Digital Library



مجله وه چي وروسته نو دې مجلې راته د ملي هنداري ارزښت لاره او تل به مي په کور کي په خورا سينګار ډول ساتل.
کلونه تېر سوه، يوه ښوونکي مي راته وويل چي هغه ستا سره مجله د څو ورځو د پاره راکړه. مجله مي په ورين تندی ورکړه، خو مجله مي بيا ونه مونده او ښوونکي به راته وويل چي زه به بيا بله درته راوړم. اتکل تر اوسه پوري غواړم له هغه ښوونکي خپل روا حق وغواړم، خو ښوونکي مي لس کاله وړاندي ومړ او زما د ژوند دا غوښتنه د تل د پاره رد سوه!

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت

(ډېرو هغو پېغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هیواد
نلری د یوې لاربښود په حیث خپل رول لوبولی دی)

شاهي سعادت

انسانان د خپلو معلوماتو پر بنیاد د خپل ژوند لارې ټاکي او د خپلو معلوماتو په رڼا کښې خپل ژوند تیروي. وینې انسانان، قومونه، ولسونه، او ملتونه تل کوښښ کوي چې معلومات یې د حقایقو پر بنسټ ولاړ وي. همدغه وجه ده چې دوی تل کامیابه، سرلوړي، پر خپلو ځانونو معتقد او خپلواکه ژوند کوي.
که په تیرو وختونو رڼا واچوو او مختلف ولسونه یو له بل سره پرتله کړو نو په ډیره اساني سره به ووینو چې هغه ولسونه چې د غلطو معلوماتو ښکار شوي دي نو یا خو یې نوم او نښان ورک شوی دی او یا د تباهي ښکار شوي او د ذلت او د بل واکی په تورو شپو کښې د محتاجی ژوند تیروي.
که چیرې مونږ د افغانستان دې تیرو څو لسیزو ته یوه کتنه وکړو نو پدې به پوه شو چه هغه غلط معلومات چه زمونږ تر غوږونو تر ننه پورې رارسیږي ترینه تر څومره د پردیو ګټو دپاره استفاده شوې ده او څومره زمونږ د تباهی او بربادی سبب ګرځیدلی دی.
د دغو ټولو حقایقو په نظر کې نیولو سره باید ووایو او دا ومنو چې معلومات او رسنی زمونږ د ژوند او مرگ سره تړلي دي. دا باید ومنو چې سپیڅلي ژورنالستان همیشه د خپلو پرګنو او ملتونو ګټې له خپل ژوند څخه برترې ګڼي او خپل ژوند د خپل ملت په ژوند کښېویني. نو ځکه په ډیرو ځایونو او حالاتو کښې دغه سپیڅلي انسانان د ظالمانو، وحشتګرو او د بې ضمیره انسانانو د توطئو ښکار شوي، په زندانونو کښې غورځول شوي او ډیرو خپل ژوند له لاسه ورکړي.
ښاغلي محمد طارق بزګر هم یو له هغو سپیڅلو ژورنالستانو څخه دی چه خپل ټول عمر یي د خپل جنګ ځپلي ولس ته قرباني کړی دی او د خپل ملت اواز یي په هر ځای، هر وخت او هر حالت کې ژوندی ساتلی دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library



دعوت دا یوازی نه چي یوه خپلواکه خپرونه ده بلکه د ډیرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چي خپل هیواد نلری د یوې لارښودې په حیث خپل رول لوبولی دی.

کله چي زه د لسو کالو په عمر کي له خپل ټاټوبی افغانستان نه له خپلي کورنۍ سره وشړل شوم او بیا وروسته د اروپا او امریکا ښارونو کي سرگردانه او له خپل ټاټوبي او ولس څخه نا خبره گرځیدم نو همدغه دعوت او د دعوت پر څیر نورې ملي خپروني وې چه ما ته او زما پر څیر میلیونونو نورو ځوانانو ته یي د خپل هیواد کیسي کولي او زمونږ زړونه یي له خپل ټاټوبي سره پیوندول.

نن د دعوت او د نورو ملي خپرونو له برکته مونږ یواځي دا نه چي د خپل هیواد له حالاتو خبرېږو بلکه د دغه معلوماتو په رڼا کي د خپل هیواد او خلکو د سوکالی له پاره هلې ځلې کوو.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت، هيڅکله د چا د تاثير لاندي
## نه دی تللی او نه به ولاړ شي

استاد کاظم بيمار ننګرهاری

د دعوت جريده د خپل تاسيس له ورځې څخه بيا تر نن ورځې پوري د ګران هيواد افغانستان د آزادی، سوکالی، خپلواکی او آبادی لپاره ډيري هلي ځلي کړيدي او کوي يې. دعوت هر مشر ـ او کشر ـ رابللی دی، او د هر نظر خاوند پسي په ملکونو ګرځيد لي، او د هغوی افکاريي راټول او بې له تشبثه يي نشر کړيدي.

د دعوت وظيفه د هيواد خدمت ته بلنه ده او دغه بلنه تر څو چې دعوت وجود ولري دوام لري. دعوت په خپلو خپرونو وياړي، ځکه چې د دې مرامونه او اهداف معلوم دي، او هغه د افغانستان د دښمنانو د تو طئو رسوا کول او له منځه وړل دي.

دعوت هيڅکله د چا د تاثير لاندي نه دی تللی او نه به ولاړ شي. دعوت د ظلم او استبداد په مقابل کې قيام کړيدی او په دغه لار کې بې له ويرې مخ په وړاندي روان دی.

دعوت، کورنی او بهرني دښمنان رسوا کړيدي او هيڅچا ته يې لغزش، لرزش او کرنش نه دی کړی، هر څه يې چې ليدلي هغه يې رسوا کړيدي. دا وزينه جريده د هيڅ فاسد حاکم او جنګسالار څخه نه ده ډار شوې او د هغوي ظالمانه اعمال يې په ميړانه او مردانګی رسوا کړيدي.

دعوت د روسي سور استعمار په مقابل کې په ميړانه وجنګيد او د خپل ملت په راويښولو کې يې پراخه ونډه اخيستي ده، او تر هغه وخته وجنګيد تر څو چې سور استعمار په شا تګ ته مجبور شو.

دعوت د ګاونډيو هيوادونو لاس وهنې غندلي، او په تيره بيا د ايران اخوندي نظا م ته يې په هيواد کې د لاس وهنو او د بندونو او انهارو په هکله سخت اخطارونه ورکړيدي، همدارنګه، هم يې د پاکستان پنجابي حکومت ته د ډيورند د کرښي په شا وخوا د اغزن سيم په ارتباط د پښتنو د حق خوداراديت موضوع په کلکه ذکر کړيده.

(c) ketabton.com: The Digital Library



دعوت د پښتونستان د مسئلي د حل کلک ملاتړ او د فخر أفغان باچا خان د مشي او پالیسۍ سخت پلوی دی. په ګران هېواد افغانستان کې د خویندو او میندو د حقوقو په هکله یې هم کلکه مبارزه کړیده، او یو وار بیا یې وطنوالو ته دا ثابته کړیده چې دعوت به همیشه د عدالت پلوي وي او په دغه لار کې به خپلو هڅو ته دوام ورکوي.

په هیواد کې همیشه د ملي مبارزینو پلوي کړیده او د نیشلیزم او وطن پرستۍ غږ یې او حرکت یې ژوندی ساتلی دی. او هر کله یې چې بې روا او بې عدالتي لیدلې ده هغه یې رسوا کړیده. دا ټول د دعوت د مسئول چلوونکی ابتکار او منډې تړې دي چې دعوت لا هماغسې-ځوان او د خپلو هیوادوالو خدمت ته چمتو ولاړ دی. په هکله یې د هیواد تکړه شاعر ګل پاچا الفت صاحب داسي وایي:

سرګردان وي په جهان هغه مړونه

چې د خپل وطن غمونه یې په سر شي

دعوت نه سور استعمار خوښوه او نه غربي استعمار خوښوي، د دواړو په مقابل کې په مبارزه بوخت دی. ده ته د خپل ټاټوبي ملي منافع تر هر څه زیات ارزښت لري، نو ځکه پري مونږ ویاړو.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## میرمن شکریه بارکزۍ د دعوت
## د ۲۹مې کليزې په وياړ

ش. بارکزۍ:

زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چي تاسو يې کوئ. ډېر وخت نه کيږي چي زه ووايم چي د دعوت لوستونکي يم. اول غواړم چي مبارکي يې تاسو ته ووايم؛ ځکه چي هر ادبي او کلتوری فعاليت د هېواد نه د باندې ډېر سخت دی، ډېرې ستونزې لري، دننه په افغانستان کې يې هم لري، خو بهر ډېر دی. زما له پاره د خوشالۍ ځای همدا وو چي په هره صفحه کي يو نوی نوم او يو نوی فکر سره اشنا کيدم. سربيره پردې چي هغه پخواني ليکوالانو، شاعرانو او سياستوالو نومونه هم وو، زما له پاره دا ډېر د خوشالۍ ځای دی. اوس مي پريږدۍ چي لږ رښتيا هم ووايم.

بی بی سی فارسي چي وينم، کله ناکله فکر کوم چي ولې دا د ايران خلک هر چيرته چي دي د پوهنتون استادان دي يا څومره څه لري او افغانان څه نه لري. مگر ستاسو نشريې دا راته وښودله چي نه، موږ يې هم لرو، خو متاسفانه داسې چينلونه نشته چې خلک دعوت کړي او وخت ورته ورکړي چې دوۍ خپل نظريات وړاندې کړي او بل د خوشالۍ خبر دا وو چي نوي ځوان ليکوالان ستاسو د نشريې له خوانه معرفي کيږي. دا زما له پاره ډېر د خوشالۍ ځای دی يا کيدای شي چي زه ډيره د خارج نه ليرې وم، دننه وطن کي وم نو ډېر به د دې نه خبره نه وم چي زموږ څومره ملي، او معنوي شتمنۍ د هيواد نه بهر دي. دا زما له پاره فکر کوم يو کلکسيون د افغانستان د گټو او ملي شتمنيو، څيرو او ملي څيرو نه دی چي بايد درنښت يې وشي او بايد خلکو ته ورو پيژندل شي. زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## د دعوت خپروني ۲۹مې کليزې په مناسبت

ډاکټر حضرت عمر زاخېلوال

ژوند څومره په څغاسته تيرېږي، لکه پرون داسي مي په ياد شي چي په پېښور کي د دعوت د خپروني د بنسټګر او مسوول ښاغلي محمد طارق مشر ورور ډاکټر عبدالصمد ملک زی چي زما ډېر نږدې دوست او ملګری و ماته د دعوت د جريدې د لومړنيو ګڼو څخه يوه کاپي راکړه. په هغه وخت کي ما د افغاني جريدو سره چندان علاقه نه درلوده، ځکه اکثره يي تنظيمي وې چي يا په خپلو تنظيمي لاپو پټاکو او يا هم د جنګ او جګړو په ترويج، تشويق او تشديد څرخېدې، د هېله مندی مطالب په کي کم و. زما په څېر يو زلمی کډوال ته چي لا تر اوسه يي زده کړې نيمګړې او راتلونکی يي نامطمين مګر هيلي زياتي وې ناهيلونکي وې. مګر د دعوت په جريده کي مي برعکس هغه څه پيدا کړل چي مايي لوستل غوښتل:
د آزادی او بې پرې خبرونو تر څنګ ازادې شنني، خپلواک نظريات او د داسي ملي شخصيتونو سره مرکي چي د کډوالی په چاپېريال کي په نظر نه برېښېده مګر نومونه يی آشنا او هېلي ورته زياتي وې.
په ټوله کي جريده په ملي موخو څرخېده لکه سوله، ملي يووالی، ملي شناخت، ملي حاکميت، دې موخو ته شته ګواښونه او فرصتونه او هېواد د يو لا ستر ناورين څخه ساتل.
په ۱۹۹۱ ميلادي کال کي زه د لوړو زده کړو لپاره کاناډا ته لاړم. په هغه وخت کي نه انټرنېت و نه ازرانه موبايل تيليفونونه او يا د اړيکو نورې اسانه وسيلي. له افغانستان څخه د شوروي پوځونه وتلي وو او د شوروي اتحاد په نسکورېدو سره د غرب لپاره په افغانستان کي نور د علاقه مندی څه نه و پاتي؛ نو ځکه افغانستان نه د غرب په تلويزونو او نه هم په جرېدو، اخبارونو او مجلو کي په خبر يا مضمون ارزېده. مګر په افغانستان کي خبرونه ډېر او اکثر يي د اندېښني وړ وو.
د ډاکټر نجيب د حکومت وروستی سلګی وې او د جهادي تنظيمونو او سيمه ايزو استخباراتي ملاتړو يی د قدرت پر سر د خونړي پړاوو

(c) ketabton.com: The Digital Library



تیاری نیولی. په داسي وخت کي همدومره چي په ګران هېواد کي پیښي دردونکي وي همغومره له هغوی څخه لېریوالی او بې خبري.

نو د هېواد د حالاتو سره د نږدې پاتې کېدو لپاره مې د دعوت د جرېدې سره اړیکي اړیني وبللې. ښاغلي بزګر صاحب ته مې لیک او خپل ادرس ولېږه چي په پیرزوینه یې له هغې وروسته د دعوت جرېدې په مسلسله توګه راستولي او په دې توګه یې د ګران هېواد د ترخه تاریخي پړاو سره نږدې وساتلم.

زه د دعوت خپروني د ۲۹مي کالیزې په مناسبت څخه په ګټې ښاغلي محمد طارق بزګر او د نوموړي خپروني ټولو کارکونکو ته نه یواځې ما سره د دوی د ځانګړي پیرزویني بلکې همدارنګه د هېواد د تاریخ په ډېر حساس پړاوو کي د مطبوعاتو په ډګر کې د دوی اغیزمن تاریخي مسولیت او رسالت د ښه ادا کولو له کبله د زړه له کومې مننه کوم، د لاسته راوړنو یې ورته مبارکی وایم او د هسک ځښتن څخه پدې او د ژوند په نورو چارو کي لا زیات بریالیتوبونه او سرلوړی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## درې لسيزې جهاد مو مبارک شه

ډاکټر نبي مصداق

د دعوت جريده د لومړي ځل لپاره په ۱۹۸۸ م کال کې چې زه په لندن کې وم، راته را ورسېده. جريده څلور مخه وه او که هېر شوي مې نه وي، مضمونونه يې په تور قلم په لاس ليکل شوې وو. په هغه وخت کې د مجاهدينو له حال احوال نه بله مهمه جريده مجاهد ولس و چې د استقلال جريدې او د څو نورو تر څنګ به له پېښور څخه خپرېدې.
په لندن کې د ستميانو ورځپاڼه (اميد) تر هغه وخته او تر څو کالو وروسته پورې داسې نشريات درلودل چې نه ورته افغانستان، نه د افغانستان نوم او نه معاصر تاريخ کوم اهميت درلود. د دوی همفکرانو به د اروپا او امريکا نه په ((اميد)) کې په داسې وخت کې چې لا هم جنګ روان و، زهرجن تبليغات روان کړي ول.
نو د دعوت جريده چې د ناروې د هارايد او وروسته له ليليسټروم څخه خپرېده، ډېرو افغانانو ته دا توقع ور کړه چې په افغانستان کې د روان جنګ او داخلي پرديپالو په خلاف خپل مضمونونه ورولېږي. دعوت له کوچنيوالولي نه په بېړه ځوانۍ ته ورسېد او د دې پرديپالو په مقابل کې د پوهاند هاشميان د آيني مجلې په شان چې له کليفورنيا نه خپرېده يو کلک سپر و ګرځېده. محمد طارق بزګر چې د دې جريدې د امتياز څښتن و او دی، له هغه معاش نه چې لاس ته يې راوړ، دعوت چاپاوه او د پُستې له لارې يې اسيا، استراليا، افريقا، امريکا او اروپا ته استوله. پُسته په اروپا کې ډېره لوړه بيه لري؛ نو ما به تل دا فکر کاوه چې دی به هرومرو د خپلې کورنۍ د آزوقې ډېره برخه د جريدې په نشرولو او پُستولو باندې مصرفوي.
د انټرنېټ او مجازي فضا په منځته راتلو سره، دعوت د لاسي ليک نه چاپي ليک ته ورسېده او د پُستې پر ځای د انټرنېټ له لارې لا هم زياتو مينه والو ته په رسېدو شو.
څو کاله وړاندې محمد طارق بزګر پرېکړه وکړه چې يو انټرنېټي تلوېزيون منځ ته راولي؛ څو د نړۍ په ټولو برخو کې افغانانو ته د دعوت له جريدې نه لا ښه او پر وخت خبرونه او پروګرامونه ور

(c) ketabton.com: The Digital Library



ورسوي. د دې لپاره موږ ځينو افغانانو چې په اروپا، امريکا او نورو ځايونو کې وو، دعوت ته مو د خپلې وسې په اندازه مرسته ورواستوله چې دغه انټرنېټي ټلوېزيون ډېر ژر پيل شي. د دې لپاره پرېکړه داسې وه چې هر څوک به وکولای شي خپل تصويري پروګرامونه د انټرنېټ له لارې د دعوت مرکز ته را واستوي او هغه به يې له ايډېټ او سمون نه وروسته په انټرنېټي تلوېزيون کې داخل کړي.
زه له هغه نه وروسته په يو لړ سفرونو کې شوم چې په هاوايي، جاپان او قفقاز کې به مې درس ور کاوه. پوه نه شوم چې زموږ هغه پروژه کوم ځای ته ورسېده. په هر حال! دعوت چې له دوو پاڼو پيل شوی و، کله تر شپږو او کله تر اتو چاپي مخونو ته به، په کوچني اته سايز کې چاپېده او زموږ ټولو نوموتو ليکوالو او شاعرانو دا ځوانه جريده د کميت او کيفيت له نظره د پوخوالي سن ته ورسوله. اوس چې زموږ لپاره په انټرنېټ کې يوه پېژندل شوې سرچينه ده، د مشهورو ليکوالانو او د افغانستان تاريخ او د کلتور نورو برخو ته پکې جلا جلا فايلونه پرانيستل شوي دي. دا فايلونه د هغو ځوانانو لپاره چې که د افغانستان په تاريخ، ادبياتو، ژبپوهنه، تاريخ، سياست او داسې نورو باندې د مضمونو او يا مونګرافونو د ليکلو غوښتنه کوي؛ نو مطالعه يې اړينه ده.
محمد طارق بزګر په تېرو نهه ويشت کالو کې په اقتصادي او شخصي-هر ورځني کړاوونو تر څنګ، دا جريده د افغانستان د مطبوعاتو يوه مهمه برخه ګرځولې ده او زه باور لرم چې زموږ موجوده ځوانان او راتلونکي نسلونه به د څېړنو لپاره د دې ترڅنګ د پوهاند هاشميان (آينهء افغانستان) له مجله نه هم چې د شلو کالو په موده کې په افغانستان کې د شوروي تېری او را پاتې کړاونو باندې مضمونونه ليکلي، د خپلو علمي ليکنو لپاره ورنه استفاده کوي؛ ځکه په امريکا او اروپا کې دا دوې سرچينې له روسانو سره په لس کلن جنګ او له هغه نه وروسته د مهاجرو افغانانو په سر درګومې کړاونو باندې له هر نظره څېړنې شوې دي.
زه د دعوت د ځوان د امتياز څښتن بزګر صيب تر څنګ پوهاند هاشميان ته هم د دوی د قلمي جهاد د دوام مبارکي ور کوم او دواړو ته ډاډ ورکوم چې د افغانستان د ادبياتو په تاريخ کې يې ځان ته نه

(c) ketabton.com: The Digital Library



هېرېدونکي مقامونه گټلي دي. خدای ج دې له دوی دواړو سره ښه وکړي او بزگر صیب ته دې الله ج توفیق ور کړي چې د دعوت ځینې تاریخي فایلونو مواد د کتاب په بڼه هم راته چاپ کړي. زه حاضر یم چې له کابل څخه د داسي مطبوعو په لټون کې شم چې زموږ د دې هیلې په تر سره کېدو کې را سره مرسته وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## د دعوت د کولتوري او معنوي خدمت
## نهه ويشتمه کلېزه دې مبارک وي

محمد نقيب تره خيل

ښاغلئ محمد طارق بزګر، خپل هوډ ته وفادار شخص دی. وايـي چـې باعزته خلک با اخلاقه با صبره باحوصله با قناعته قانع هوډمن او زړه ور وي او په ملګري کې وفادار پاتي کېږي.
زه له ۲۰۰۱يوم کال نه دعوت سره قلمي رابطه لرم. له بزګر صيب سره د تليفوني اړيکو سربېره دوه درې پلا کښېناستلي سره هم يـو. احساسـاتي جذباتي او د باجګېرۍ خبري چـې هېـواد، ولـس، قـوم، ژبـې، ديـن تـه خدمت کوم هيڅ مې ترې ندي اورېدلي. سره لدې چې په ياد خـدمت له پخوا بوخت هم دی، څه دا خاصيت يـی د فضـليت، تقـوا او د ښـو اخلاقو ثبوت دي.
کانټ اخلاقي کار پدې ټکو راپېژني:
که څوک له چاسره پدې نيت ښـه کـوي چـې يـو وخـت بـه يـی بـدل راکړي، دا اخلاقي عمل نه دی. که د دې لپاره له چا سره مينه کوي چې خلک مې وستايي، دا هم اخلاقي عمل نـه دی. اخلاقـي عمـل هغـه ده چې د ځان د خوښي او ګټې عمل په کې نه وي.
د صبر او حوصلې په اړوند به له بزګر صېب سره د شـوي عمـل يادونـه وکړم. مجلس مو سره کوه، ښاغلي بزګر زمـا د پوښـتني پـه ځـواب کـې داسې وويل:
افغان کولتـوری ټـولني کـولن کـې غونـډې تـه بللـی وم. د دعـوت يـو ګډونوال ته مې يادونه وکړه کال نژدې اخر دي که د ګـډون روپـې دی راکړي. ويې ښيه! ښايسته ځنډ وروسته راغې. له يو ملګري سره ولاړ وم. د پنځه ګون اېرو لوټ يی راګذار او پر ځمکه ولوېد. را وامې خيست او ورله ومې خندل. کبرجن د ۵۰ پرځاي پنځه ګون ورکـړی، هاغـه هـم د سوالګر په څېر.
هو؛ د قناعت نښه يې دا ده څه د خپل د نفس بادار او د کار په مزد قانع کس دی، نه د واکمن او نه د شتمن پروا لري. د ځاني منفعت لپاره يـی نه د چا ملاتړ او نه يی د چا مخالفت کـړی. د وينـا تـر حـده عمـل يـی

(c) ketabton.com: The Digital Library



کړی او د سوسیالیزم او امپریالیزم د یرغلګرو د هغوي د ګوډاګیانو د دین، قوم، ژبې او هېواد د معامله ګرو په ضد د دعوت سنګر جوړول یې د زړه ورتوب نښه ده.

پدې ۵۳ کلن عمر کې مې ډېر کسان ولیدل او وامې ورېدل چې د دین، ملت، ژبې، قوم او هېواد ته د خدمت کولو په نوم یې کولتوري ټولنې په بلجیم، جرمني، هالنډ، انګلیند او د اروپا په نورو هېوادو، امریکې او استرالیا کې جوړې کړې غونډې یې وکړې، مجلې یې راوویستې، سایټونه یې جوړ کړل؛ درې څلور کاله وروسته یې ټولنې، سایټونه او مجلې شلې شنډې او شاړې پرېښودې. د ثروت او شهرت موندو لپار د هغو کسانو او د هغه حکومتو مله شول چې دوی هغوی قاتلان، خاینان، جنایتکاران او فاسده ادارې یې نومولې. سره لدې چې د ښاغلي بزګر کولتوري هڅې د هغوي په پرتله څو برابره زیاتې دي او د پېژندګلوی امکانات یې هم ترې ډېر دی، خو ثروت، قدرت او شهرت د خپل د وجدان د سپېڅلتیا په وړاندې هېڅ وګڼل نو ځکه د پرګنو ترڅنګ ولاړ دی. الله ج دې په همدې هوډ باندې تل پاتې وفادار لري چې هر رېښتني افغان د دعوت له سنګره د اسلامیت او افغانیت پر دښمنانو همدا شان لعنت ووایي.

(c) ketabton.com: The Digital Library



# دعوت دې سل کلن شي

زاهد جلالي

د دعوت خپروني له نامه سره لـه ماشـومتوبه اشـنا يـم. هغـه مهـال زه د هجرت ديار د نوښار سيمه کې د جلوزو پـر سـړک پـه يـوه کمـپ کـې اوسېدم. د هجرت او ستونزو هغه کونج و کنار ماحول کې بزگر صاحب تر کليو او بانډو دعوت مجله رسوله.

بيا چې ځوان شوم، انټرنېټ سره اشنا شوم، ليکنې و ژباړې مې پيل کړې، دعوت انټرنټي پاڼه يو له هغو ادرسونو څخه وه چې زما مقالې په کـې د سترو ليکوالو ترڅنگ نشرېدې.

له دعوت سره زما اشنايي اوږده شوه او تر دې ځايه راورسـېده او لا پـر مخ درومي. دعوت رسنۍ کې ما ته دوه د پام وړ ټکي ښـکاري. يـوه دا چې له هماغه پيله په کې د پښتو او دري ژبو ښه انډول ساتل شوی و. د پښتنو خو ورته ډېره توجه وه، خو د دري ژبې د سترو ليکوالو ليکنې هم په کې خپرېدې. همدا د دعوت رسنۍ برکت و چې له اسحاق نگـارگر، هاشميان، څېرکيار او نورو سترو ليکوالو او پوهانو سره يې آشنا کړم.

د دعوت پاڼې بله ځانگړنه د دې ازادي او خپلواکي ده. نـن سـبا خـو د هرې رسنۍ پـر تنـدي د ((ازاده او خپلواکـه)) شـعار ليکـل شـوی، خـو تقريباً هره رسنۍ د يـوه جهـت لـه لـورې تمـويلېږي او د نـورو نظرونـو خپرولو سره علاقه مندي نه لري، خو دعوت داسې نـه ده. دعـوت کـې رښتينې ازادي شته. زه تل دوستانو ته وايم چې که غواړئ واقعاً ازاد نظر د خلکو تر اذهانو ورسوئ، اصلي ځای يې دعوت دی.

د دعوت تر شا ايکې يوه سټه ده او هغه طارق بزگر صـاحب دی. بزگـر صاحب د نظر اختلاف زغمي او واقعاً يـو محـترم او د پراخـې سـينې او خلاص لاس سړی دی.

زه هغه مهال چې اسلام اباد کې محصل وم او د افغان محصلينو د مجلې مسوول، بزگر صاحب راته څو وار پـه خپلـه ويـلي چـې د محصـلينو د مجلې د دغې گڼې مالي ملاتړ پر ما. دغه راز زما د يـوه کتـاب د چـاپ لگښت يې په خپله غاړه اخيستی، تر څو د سيد جمال الدين په اړه دغـه

(c) ketabton.com: The Digital Library



ليکل شوی کتاب په ټيټه بيه د خلکو لاسونو ته ورسيږي او د هغه په اړه پوهاوی زيات شي.

بزگر صاحب، فرهنگ دوسته سړی دی او د خپلو وطنوالو د علمي پرمختگ له پاره يي پراخ خدمتونه او ډېرې هلې ځلې کړي.

بزگر صاحب راباندې گران دی. له زړه يي احترام کوم او هيله لرم چې د نوښتونو دغه نړۍ کې د دعوت په څير نور نوښتونه هم وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## د دعوت د خپروني او ویبپاڼي په هکله یو څو ټکي

ډاکتر محمد نواب ویساند

وروستیو نږدې څلورو لسیزو پرله پسي غمیزو او ناخوالو، افغان ټولنې ته پراخه ځاني، مادي او معنوي زیانونه واړول. نیم ژوبله تولیدي بنسټونه یې په بشپړ ډول ویجاړ، کاري بشري ځواک یې له هېواده د یو زیات شمیر په کار پوه کسانوپه وتلو سره وپاشه او د ټولنیزو رسنیو (میډیا) چارې (چاپي، انځوریزې، غږیزې)، چې د دولت د درې ګونو قواوو (اجرائیه، مقننه او قضائیه) وروسته په سیاسي، ټولنیزو، کولتوري او اقتصادي ډګر کې د سمې او په واقعیت ولاړ راپورونو په ورکولو سره، چې د یوې څلورمې قوې په توګه د ټولنې د پرمختګ او ربښتني ولسواکۍ (دموکراسۍ) په راوستلو کې ځانګړی اغېز درلودلای شي، هم ټکنۍ کړ.
خو د خپروني ګټورتوب او ارزښت ته په کتو، له هېواده بهر د نړۍ په بېلابېلو هیوادونو کې میشتو خورو ورو او د کلک هوډ درلودونکوونکو افغانانو د هیوادنۍ میني له مخې د پردیسۍ په ستونزمن ژوند کې د خپلو غښتلو متو په زور د چاپي، انځوریزو او غږیزو خپرونو له لارې د خپلو شونتیاوو، وخت او شرایطوته په پام خپلو خلکو او ولسونو ته د چوپړ لپاره ملا وتړله.
د دعوت میډیا، چې په پښتو، دري او انګلیسي-ژبو خپروني لري او اوس یې ۲۹ یمه کلیزه لمانځل کیږي، د یو هوډمن، ځوان، تکړه، په مسلکي پوهې سمبال، با تجربه ژورنالیست او په خپلو خلکو او هېواد مین شخصیت ښاغلي محمد طارق بزګر له خوا د پراخه هلوځلو او زیار وروسته په کار پیل وکړ. په دغه تیرو کلونو کې یې نه یواځې د خپلو خپرونو له لارې خپلو هېوادوالو ته د پښتو ادب په ډګر کې بې ساري خدمتونه وکړلای شول، بلکه د وخت په تیریدو سره یې د یو لړ نوښتونو په راوستلو د ویبپاڼي بڼې او جوړښت ته داسي ښکلا ور وبښله، چې د خپلي ځانګړني له کبله د ډېرو معتبرو ویبپاڼو په منځ کې د پام وړ او زړه راښکوونکی ځای لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library



د دعوت میډیا، نه یواځې په خپل وخت د هېواد او نړۍ اړوند د بېلابېلو تازه او مهمو پېښو د بشپړو او کره مالوماتو د لاسرسي یوه په زړه پورې سرچینه وګرځېدله، بلکه د ټولنیز ژوند د بېلابېلو فنونو پورې تړلي علمي او اکاډمیکو مالوماتو خپرول، چې د وګړو د مسلکي پوهې د لوړولو او د ټولني د پرمختګ سره مرسته کوي، ځانګړې ارزښت لري.
لوستوال په ډېره اسانۍ سره کولای شي هم خپله دعوت خپروني او ویبپاڼه کې د خپرېدونکو مالوماتو نه ګټه پورته کړي اوهم یې د نورو همفکرانو سره شریک کړي.
دعوت میډیا، د کلتوري او فرهنګي ارزښت درلودلو ترڅنګ، په خپل وار د افغان ټولني د واکمنانو له خوا د پټ ساتل شوو کمزوریو په راسپړلو، ناخوالو او بې عدالتیو په ګوته کولو او د پردیپالو او ملي ګټو ضد څېرو په افشا کولو او همدارنګه د نورو منفي پدیدو په وړاندې مبارزې ته د ټولني د رښتینو بچیانو په راویښولو او هڅولو کې رغنده رول لوبولی دی.
زمونږ له بېداره بخته، له هغې راهیسې، چې د نړۍ هېوادونه او ولسونه د انټرنیټي ټکنالوژۍ د نړیوال کېدو له برکته سره نږدې شوي او نښلولشوي دي، د د عوت میډیا هم په خپل وار د ننۍ نړۍ مهمې پېښې په ډېره چټکۍ سره د نږدې او لېرې پرتو سیمو اوسېدونکو ته د خپلو خپرونو له لارې رسولې دي.
خو له بده مرغه زمونږ د هېواد یو زیات شمېر بې وسوه افغانان د اقتصادی او امنیتي ستونزو له امله نه شي کولای د خپرو شوو مالوماتونه، لکه د نړۍ د نورو پرمختللو هېوادو د وګړو (انټرنیټ ته د نه لاس رسي له کبله) په څېر ګټه پورته کړي.
د دعوت میډیا له لارې نه یواځې د هېواد او نړۍ د روانو حالاتو په هکله د مالوماتو خپرېدل د پام وړ دي، بلکه په هېواد کې د سرتاسرې سولې د ټینګښت، د اداري فساد د له منځه وړلو، د ورځېزو چارو د ټیکاو او سمون او د خلکو د پوهاوي د کچې د لوړولو په موخه د هر ډول رغوونکو وړاندیزونو د خپرولو اغیز یې هم له پامه نه شو غورځولای.

(c) ketabton.com: The Digital Library



په پای کې د دعوت میډیا مشرتابه او مینه والو ته د دعوت خپروني د کلیزې مبارکي وایم اود لا ډیرو بریاوو په هیله یم.

وړاندیز:

که څه هم دا به اسانه کار نه وي، خو که په ویبپاڼه کې د هر لیکوال یا څېړونکي په نوم یوه جلا کړکۍ، چې د تیرو خپرو شوو لیکنو د ارشیف څخه د لیکوال د نوم په ورکولو د اړیني موضوع د ژر پیداکولو او لټون سره مرسته وکړلای شي، جوړه شي، بده به نه وي.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## د دعوت د نهه ویشتم خپرنیز کال په مناسبت

دکتور محمد عثمان روستار تره کی

د افغانستان د جګړې د پیل نه راهیسې، مهاجر افغانان چه د نړې په مختلفو هیوادونو کې یې تیت او پرک ژوند له سره تیراوه د لاندې دوه دلیلونو په بنست یوې اغیزمنې مطبوعاتي کمیونیکیشن لاسوند ته اړتیا لیدل کېده:

ــ خپل منځي اړیکي د تامینولو په مقصد

ــ د وطن د حالاتو نه خبرتیا

دغه اړتیا د افغانستان نه د باندې افغاني میډیا او مطبوعات افغانانو ته ور په برخه کړ.

د کډوالتوب په لمړیو کلونوکي د نړې په ګوت ګوټ کې بې شمیره خپرونو په کار پیل وکړ چه زیاتره یې د بهرنیانو له خوا تمویل کیدلې. د وخت د تیریدو سره جوخت افغاني مطبوعات د عامه ارزونې د فلتر نه تیر شو؛ یوازې هغه خپرونې پاتې شولې چه د لاندې امکاناتو نه برخمنې وې:

ــ د تمویل ډاډمنې سرچینې

ــ مسلکي مدیریت

ــ تکړه قلمی همکاران

ــ د لوستونکو هرکلې.

د افغان مهاجرینو په منځ کې، دعوت د افغاني مطبوعاتو په کورنۍ کې د هغه لړو خپرونو څخه ګڼل کیږي چه د نوموړې معیارونو په بشپړیدو، توانیدلې نهه ویشت کاله عمر وکړي.

دعوت د هیواد د اوږدې غمیزې په کلونو کې چې له هرې خوا د تاریخي شخصیتونو، افغاني ملي ارزښتونو او ملي مشترکاتو د پیکه کولو او ورکاوي طوفان را الوتی وو، د خپلو قلمي وفادارو همکارانو او پر وطن مینو افغان شخصیتونو په مټ، د ملي پرتم، ملي وفاق، ملي ارزښتونو او ګډ وطن د ساتنې او دفاع توغ پر خپلو اوږو ولرې.

(c) ketabton.com: The Digital Library



دعوت د خپل عمر په اوږدو کی د افغانانو او په ځانګړي توګه د افغاني کډوالو په منځ کی د نظر د تبادلې د باوري وثيقې په توګه پيژندل شوې ده؛ د ملي تفاهم زمينه برابره يې کړي ده. د ژبې، قوم، سيمې او مـذهب د تعصبونو په وړاندې د ټينګ ملي مورچل د دريځ نه د مقـابلې جوګـه شويده او د افغانـانو د سـياسي شـعور د ودې پـه اسـتقامت يـې اوچـت ګامونه پورته کړيدي.

د پيژندل شوې قلمي همکارانو سره اړيکې، په پښتو، دري ژبو خپرونـې او د هغوي ترمنځ انډول، د افغانستان او نړي د مهمـو وروسـتي خبرونـو خپرول، دعوت ته د ژوند د بقا ضمانت او د يو ستندرد اخبار بڼه ورپه برخه کړې ده.

زه د دائمي همکار په توګه د دعوت چلونکو ښاغي بزګر ته د دعوت د نهه ويشتمې کليزې په مناسبت مبارکي وايم او ورته د هيواد په خدمت کې د لازياتې هڅې او زيار هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت د افغانانو د ملي روحيي او ستراتيژيکو روابطو کې لوی رول لوبولی دی

فهيم نظيمی

ما د ښاغلی بزګر صاحب سره ډير کلنونه پخوا په يوه ميلمستيا کی په لندن کی وليدل او په تصادفی توګه اشنا شوم او له همغې ورځې د دعوت ويبپاڼی او مجلی دعوت سره هم اشنا شوم. د هماغه وخت راهسی د ښاغلی بزګر صاحب ورځپاڼه زما د هيلو، نظرياتو د خپرولو، وطنوالو او نړيوالو سره د ارتباط ستره منبع او وسيله ګرځيدلی ده. د ده مسلکی پوهه او هاند او زيار د دی باعث وګرځيدل چی نوموړې ورځپاڼه چاپی او رسانه يی خپرونی وکړي او ډير زيات مينه وال پيدا کړي.

د دعوت د خپلواکو رسنيو مرکز د افغانانو د ملی روحيی او ستراتيژيکو روابطو په ټينګولو او نړی والو ته د افغانستان د حقيقت او واقعيتونو په رسولو کی لوی رول لوبولی دی.

پوره ۲۹ کاله کيږي چی ښاغلی محمد طارق بزګر صاحب او د ده ټيم شپه او ورځ په پوره ايمانداری او مسلکی مهارت او لياقت کار او زيار ايستلی او لوی مطبوعاتی او ژورناليستيکي خدمات يې په پښتو او انګليسی ژبه وړاندی کړي دي، چی خورا زيات د قدر او ستايلو وړ دی. د ده دا ټولی لاسته راوړنی په ډيرو کمو اقتصادی امکاناتو تر سره شوی او لا هم روانی دي.

دعوت ورځپاڼه او مجله، انترنيتی سايت او فيسبوکی خپرونی اوس جهانی شهرت موندلی او خورا ډير مينه وال لری. زه فهيم نظيمی د ښاغلی بزګر صاحب د زيار، هاند، لياقت او مسلکی پوهی او د وطنپالنی د عالی روحيی په درلودلو له کبله و ده ته د زړه له کومی مبارکی وايم او ويارم چی ښاغلی بزګر صاحب او د ده ټيم دا ټول صفات په تيرو څو لسيزو کی د عمل په ډګر کی افغانانو او نړی والو ته ثابت کړي دي. د لوی خدايه ورته د لا برياوو هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت د انسانیت

بېکسیار

کابل د غونډو، منډو، مشاعرو، سمینارونو، مجلو، اخبارونو، مجالسو او محافلو زانګو وه چې زه ترې رابېل شوم.
د حمزه بابا دغه شعر چې وایي ((یو شور یې د شهرت و چې شوم پېښ په پېښور))، هغه وخت په رښتیني مانا کابل ته مخاطب کېدای شوای. ما تازه تازه شعر اومشاعرو ته مخه کړې وه، له کتاب او اخبار سره مې جوړه راغلې وه، ادبي بنډارونو او شب نشینیو داسې په غېږ کې اخیستی وم چې ستړیا او بې خوبي مې هېڅ پېژندله نه.
پېښور ته په راتلو مې دغه شور، هیجان او غوغا داسې خاموشه شول لکه په ډک محفل کې له ډېرې مستۍ د دوکړیمار دوکړه وچوي. اروایي حالت مې داسې وه لکه د مور د مرګ، شیدو وچېدو یا کومې ناروغۍ له وجې په درې میاشتني ماشوم د مور شیدې بندې شي. په پارسۍ کې دغه ماشوم ته شیر سوخته وایي.
هو البته یو څیز چې له کابله بیا تر پېښوره، او بیا د پېښور په هغه ټوله موده کې تر هر څه زیات و، هغه دعوتونه و. د کومې مېلمستیا، واده او کوژدې دعوتونه، نه، بلکې ګوندونو، سازمانونو، ایزمونو، له ګوندونو جلاشویو ډلو او له ډلو جلاشویو ټپلو ته. یو کس به چې یوازې یو دوه ورځې ځان در سره لږ خوږ را خوږ کړ او لږ په ادب او احترام به یې در سره ستړي مشي، خواره مشي وکړه نو دریمه ورځ به یې ضرور دیوې ډلې، ټپلې، نظریې او عقیدې دعوت در مخکې کاوه.
څو کاله وروسته ډنمارک ته په راتلو حالت نور هم ترینګلی شو، یاني له بده بد تر. په پېښور کې که له یوه همژبي او هموطن سره د بنډار او ناستې امکان و، یا د کوم اردو یا تنظیمي اخبار د کتو او یا په قصه خوانۍ کې د مرګ منظر، ادم خان درخانۍ، غم غلط، د بیلتانه ټپې او دې ته ورته کتابونو د لوستو امکان و، هم له منځه لاړ. پدې هکله کابلیان یو عجیب مالګین طنزي ډیالوګ لري:
ـ ولوېدې؟
ـ هو

(c) ketabton.com: The Digital Library



ـ ژوبل شوې؟

ـ نه.

اوس نو زه داسي لوېدلی وم چې د خوږو بیان یي نور هم په ناسور زخم د مالگې پاشل و او بس. نور نو کراره کراري وه هېڅ نه و. نه یو همژبی، نه یو کلیوال، نه یو دښوونځي یا پوهنځي ملگری، نه کتاب، نه مجله، نه اخبار، نه شعر، نه مشاعره، نه محفل، نه شب نشیني، هېڅ هم نه، ابۍ مړه تبه شلېدلې.

د نهیلۍ، غم، درد او کرب په دغسي توپان او د مهاجرت د ژوند په سختو اروایي حالاتو کې، د اروپا په دائیم الدائیم تورو وریځو، یخونو، بارانونو او ځول کې چې ښایي زما دغه شعر د هماغه وختونو انځور وي:

هسې یو دوه گامه ژوندون لنډول
د اروپا زنده گي څه زنده گي؟

څه گورم چې یوه ورځ بیا یو ((دعوت)) را غی. اول خو لکه هغه چې وایي، مار خوړلی له پړي وېرېږي، لږ غوندې ووېرېدم. ماوې که د پېښور او کابل دعوات دلته هم را پسي راغلل، خو چې مي پرانیست او ومې لوست، کیسه بل ډول وه.

دغه دعوت تر هغو نورو دعوتونو بېخي بل شان دعوت و. دغه دعوت له هغو نورو دعوتونو دومره ټوپیر درلود لکه بېخي له کومې بلې سیارې او د ځمکې له کومې بلې جلا کړې چې راغلی وي. دغه دعوت نه د کوم ایزم دعوت و، نه د کوم گوند، نه د کومې ډلې او نه د کومې ټپلې.

دغه دعوت د افغانیت دعوت و، دغه دعوت د اسلامیت دعوت و، دغه دعوت د غیرت، ننگ، ناموس، حیا او د وطن د مور د پړوني دعوت و. دغه دعوت د هغو مهاجرو خویندو، میندو د لوپټې دعوت و چې: چایي پلو لیدلی نه و.

اوس د جمرود په غاښي ځي سر تور سرونه.

لدغه دعوت څخه یوه تر سکونه وطني وږمه راتله، چې پکې د ممانو، گور گورو، ښېځو، توتو، غوزانو، سنځلو، ازقلاني خټکیو، بغلاني هندوانو، قنداریو انارو، جوزجاني پستو او خوستیو جلغوزو رنگونه او خوندونه لکه د گوتې غمی پکې را ټول شوي وو.

(c) ketabton.com: The Digital Library



لدغه دعوت څخه د روس او روس پلوو خلاف د افغان فیلسوف ګل پاچا الفت دغه ناره بې لدې چې د هرې ګڼې پر تندي لیکلې وي لوستونکي ته تداعي کېدله:

یو پټ غلی احساس دی چې ارام مې نه پرېږدي
په اور مې کړوي لکه چې خام مې نه پرېږدي
جرئت مې زیا توي دومره په ځان یمه یوه شوی
غافل له خپله حقه او غلام مې نه پرېږدي

دغه دعوت د تېرو درېو لسیزو په اوږدو کې مدام د پاکستانیزم، ایرانیزم، عربیزم، روسیزم او ډېرو نورو ایزمونو خلاف د رښتینو او په وطن مینو افغانانو د مبارزې تود سنګر و، دی او وي به ان شاالله.

د دغه دعوت په هکله یوه بله خبره هم د استاد الفت په وینا: وخت د اعتراف دی ګونا خپله درته وایمه!

پدا دومره کلونو کې مې یوه افغانۍ، یوه انه، یوه حبه د دعوت چلوونکو ته نده ور کړې، هسې که خپله کومه شعري ټولګه یا د هیلې مجلې کومه ګڼه مې، هغه هم د چا پر لاس ور لېږلې وي والله اعلم؟ خو ښاغلي بزګر د دعوت هره یوه ګڼه، نه یوازې یوه ګڼه بلکې د یوې ګڼې څو څو کاپیانې هر هر ځل د دا دومره کلونو په اوږدو کې مخامخ د پوست له لارې ماته را استولې دي، او خدای خبر چې زما په شان به یې په لسګونو او سلګونو نورو ته هم استولې وي. زه له خپله اړخه او تولو هغو ملګرو په استازولۍ چې ما ورته د دعوت ګڼې رسولې دي د دعوت کلیزې په ویاړ ښاغلي محمد طارق بزګر، ډاکتر محمد فرید بزګر، د بزګر ټولې کورنۍ او د افغاني رسنیو پراخې مجموعې ته مبارکي وایم. پاکه ربه د انسانیت دغه چغه همداسې رسا لرې او ازانګه یې د افغاني رسنیو په ټولې کې مه کموې. امین، ثم امین!

(c) ketabton.com: The Digital Library



# له دعوت سره د ملګرتوب له پیله تر نن

ډاکتر جمشېد سمون

له هماغه پیله مې چې دوه اونۍ وړاندې ښاغلي او ملي ژورنالیست درانه ورور محمد طارق بزګر راته په نږدې راتلونکې کې د دعوت د ۲۹ مې ګڼې په هکله یې د نظر او یا څه لیکلو پوښتنه مخته کېښوه، له آره نیت دا ؤ چې د ښې او منځپانګې له مخې به له ما سره د دعوت چاپي ښې په شتو څو ګڼو او همدارنګه د دعوت وېبپاڼې په هکله، چې لوستونکی او مینه وال یې یم، خپله ارزونه کوم، خو له یوې خوا د خپلې لټۍ له امله چې تل د نن کار راځخه سبا او بل سبا ته پاتې وي او له بلې خوا ورځینی فزیکي مصروفیت د دې لامل شول چې له پورتنې درانه پېتې اوږه سپکه او په دې هیله چې د دعوت ۵۰۰۰ تیراژ درلودونکې چاپي خپروني او په شپه او ورځ کې د کم و ډېر ۱۰۰۰۰ لیدونکو دعوت وېبپاڼې ځیرمنه او بې پرې ارزونه به نورو دوستانو هرومرو کړې وي، له دعوت سره د خپلې ملتیا او پر دعوت د روږدېدو کیسه تېره کړم.

پوره یوویشت کاله وړاندې کله چې شمالي ټلواله د کابل ښار پرېښودو ته اړ ایستل شوه، په دغه ښار کې د لوړو زده کړو موسسې او ښوونځي د ((طالبانو اسلامي امارت)) لخوا، تر ((امر ثاني)) پورې وتړل شول.

د طبي زده کړو د وروستي کال وروستۍ میاشتې مو وې، زموږ د ټولګیوالو لخوا، د کابل طب انستیتوت او په تېره بیا د وروستي کال د محصلینو د زده کړو د بیا پیل کېدو هلو ځلو، له ((مشر ـ ملا صاحب)) پرته نورو ټولو اړوندو لوړپوړو چارواکو ته مراجعو څه ګټه نه درلوده او ځواب به بیا هم هماغه د راډیو له لارې د ((امر ثاني)) اعلان ته انتظار ؤ.

یو عجیب و غریب ترینګلی او نا هیلی حالت منځته راغلی و، ټول ټولګیوال مو کورونو ته ستانه شول. ښایي ډېرو به ځان ته بوختیاوې پیدا کړې وې، یو له بله چنداني نه خبریدو، د اوس په څېر د اړیکو وسایل نه ول.

(c) ketabton.com: The Digital Library



له خپل مسلک سره د بې کچې مينې او د صميمي دوستانو ډاکتر صاحب روح الله ساپي او ډاکتر صاحب جان محمد اپريدي په هڅونو او ټينگار مې په سروبي ولسوالۍ کې کتنځای پرانيست.
د شپې لخوا د اوسېدو لپاره د يوې کوټې په لټه کې شوم چې دوو اخلاصمنو مشرانو چې په برېښنا رياست کې يې دندې درلودې، د دغې موسسې د مېلمستون په يوې کوټې کې د اوسېدنې راته وويل، د برېښنا او اوبو ستونزه مې حل وه. د اوسېدو لپاره د کوټې د تيارولو او پاکولو پر مهال مې سترگې پر دعوت خپرونې ولگېدې، هېر مې دي او نه يې شم ويلای چې د کړکيو هندارو ته سرېښ او که هسې له کړکۍ سره پراته ول.
له دولس- ديارلس کلنۍ څخه د چاپي خپرونو او کتاب ملگرتوب پالم. هغه د کابلي انډيوالانو په خبره ((مشکل پسند)) هم يم. د نجيب الله د واکمنۍ د وروستيو کلونو، د ((مجاهدينو)) او د طالبانو د واک پر مهال نامعيارو، کليشوي، بې خوندو، پيکه، بې مضمونو، او شعاري خپرونو د لوړ ذوق د څښتنانو تنده نه شوای خړوبولای او هغه د چا خبره د فکر باز يې د دوی پر ځانگو نه شوای کښېناستای. دغه مهال مو پر څو محدودو په لوړ معيار، بې پرو او کره چاپي او غږيزو خپرونو د ذوق تنده ماتوله: له مسکوه ((ليمه))، له لندنه ((ډيوه))، له پېښوره ((ليکوال))، په کال کې يوه–نيمه گڼه د ((شمشاد)) او بيا راوروسته ((هيلي)) مجلو، د بي بي سي او امريکا غږ راډيويي خپرونو.
د دعوت په تندي ليکل شوي متن ((اسلامي، خپلواکه، علمي، سياسي او فرهنگي خپرونه))، په زړه پوريو، ناپېيلو او تر ډېره په کره ليکدود ليکنو او غني منځپانگې يې خوند راکړ، ډاکتر صاحب روح الله مې چې د کوټې په منظمولو کې راسره مرستندوی و، بې له ځنډه وپوښته: چې دا به له کومه شوی وي؟
هغه د عادت له مخې چې د پوښتنې ځواب يې هم بېرته پوښتنه وه، راغبرگه کړه: ((ولې دعوت دې پخوا نه ؤ لوستی؟ طارق بزگر نه پېژنې؟ د انجنير صاحب نجيب دوی خپل دی، په ناروې کې اوسي او دعوت له هاغه ځايه رالېږي، دلته مخکې په دې کوټه کې د يوې موسسې

(c) ketabton.com: The Digital Library



انجنير صاحبان اوسېدل، شايد انجنير صاحب نجيب دلته ورته راوړي وي.))

څه موده وروسته چې د خپلې سپېڅلي روږدتيا او د ځينې کتابونو او ضروري موادو د پېرودني لپاره د پېښور په کتابپلورنځيو ګرځېدم، نو د خيبر بازار په ((سعيد بک سټور)) کې مې په دعوت خپرونه بيا سترګې روښې شوې. هلته د کتابپلورنځي يو کارمن ؤ، ښه ښکلې غټه تکه توره ږيره يې وه، ما به صوفي صاحب باله، له لهجې دی هم د برې پښتونخوا (افغان) ښکارېده، د نورو په پرتله يې له برنو سره په ښه چلند کې جوت توپير ليده محسوسېده. ما ورته ويل دغه دعوت خپرونه تاسې ته څوک راوړي؟ ويل ولې، خير خو به وي؟ ما وې هسې، پوښتنه مې کوله چې ښنګه کولای شم ويې وينم، صوفي صاحب چې زما په بې خطرۍ پوه شو نو ويل (( دا خو ډاکټر صاحب بزګر راوړي، که غواړې زه به يې د دفتر د ټيليفون نمبر درکړم، پته به ترې واخلې او ورسره ملاو به شې.)) د ټيليفوني اړيکي په مټ مې د پېژندګلوۍ تر ځنګ له ښاغلي ډاکټر صاحب محمد فريد بزګر څخه د دوی د کارځای په ((آبدره روډ)) کې د ORA دفتر پته هم واخيسته او په همدا لومړي ليده کاته کې يې د مينې او زښتي مهربانۍ د څرګندولو تر څنګ د دعوت خپروني په څو وروستيو ګڼو او همدارنګه د ORA او KOR نادولتي موسسو د ګڼو خپرونو او کتابونو په راکولو ښه پوره وقدرولم.

راوروسته به هم، چې کله د لويې پښتونخوا ژمني پلاز ته ورکوز شوم نو د ډاکتر صاحب بزګر د ORA له دفتر، د هيوادمل صاحب د WUFA دفتر، د ښاغلو پيرمحمد کاروان، استاد باجوړي، عبدالهادي هادي او احمد تکل د بي بي سي د تعليمي ډرامو دفتر، د ښاغلي نورالبشر نويد د ((ليکوال)) دفتر، دانش کتابپلورنځي او ((آسيا سافټ)) له دفترونو مې خامخا د تازه خپرونو د ترلاسه کولو لپاره د کتنې او دورې هڅه کوله او تل د دوی له مهربانيو برخمن وم.

مسکو ته له کډوالي سره مې هم له نېکه مرغه د دعوت خپروني له پازوال، نوموتي ژورناليست او مهربان اجتماعي شخصيت ښاغلي محمد طارق بزګر سره تر دې دمه بې اړيکو پاتې شوی نه يم. د دعوت په پېرزوينو ترې خوښ او منندوی يم. رب (ج) دې يې زموږ له پراخ

(c) ketabton.com: The Digital Library



کوره ښځه نه کموي، فکر او قلم يې همداسي سپيڅلی، تانـد او منلـی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## د دعوت ۲۹مه کلیزې؛ د ویاړنې یوه پلمه

اجمل روهي

څه باندې دوه لسیزې وړاندې، کله چې زه هم د زیات شمېر نورو افغانانو په څېر جلا وطنۍ ته اړ شوم، د برخلیک څپو زه د جرمني خاورې ته ورسولم. که څه هم زما د محصلۍ دوره په اروپا کې تیره شوې وه، خو داسې یو هېواد ته راتګ، چې ژبه دې نه وي زده او وګړي یې انګریزې ژبې ویلو ته هم لېوالتیا نلري، ځینې ستونزې رامنځته کولې، چې له رسمي کارونو، ډاکتر ته تګ نه تر کاروموندنې پورې ټولې چارې ور سره تړلې وې.
هغه مهال، چې د نن په پرتله ټکنالوجي دومره پرمختللې نه وه؛ د انټرنیټ او ډیش انتانونو نه شتون هم موږ له دې نه محروم کړي وو، چې د خپل هېواد په هکله کره مالومات ولرو، زموږ لویه خوشالي به دا وه، که کوم چا ته به زموږ لیک رسیدلی و او د هغوی لخوا به ځواب را ورسید او یا به افغاني مجلې، کتابونه او ورځپاڼې تر موږه راورسیدې. د جلا وطنۍ په همدې کلونو کې، ځینې ورځپاڼې یا بهتره ووایم جریدې تقریباً په منظمه توګه رارسیدلې او تر لوستلو وروسته به لاس په لاس کیدلې. د دغو ورځپاڼو څو بېلګې مې چې په یادې دي: «وفا» چې بنسټ ګر یې ارواښاد پروفیسر- رسول امین او سرمحقق زلمي هېوادمل یې مدیریت کولو، «دعوت» د ښاغلي طارق بزګر په مدیریت، «آئینه افغانستان» د ښاغلي سیدخلیل الله هاشمیان په مشرۍ او «مجاهد ولس» د ښاغلي محمدحسن ولسمل په مدیریت.د دغو ورځپاڼو په لوستلو به زموږ د زړه للمه په هېوادنۍ مینه خړوبیدله او هم به اپډیټ کیدلو.
څرنګه، چې سږ کال د «دعوت» ۲۹ کلیزه ده، نو زه به هم د دغه رسنۍ (ورځپاڼې او ویبپاڼه) په هکله، زما په ذهن کې پنځیدلی نظر وړاندې کړم.
زما په اند د هرې بریالۍ رسنۍ په هکله چې خبرې کیږي دا په حقیقت کې د هغه رسنۍ د مدیر او کارډلې د بریالیتوب په هکله خبرې دي. د «دعوت» په هکله هم بې له شکه همدا فرمول صدق کوي.

(c) ketabton.com: The Digital Library



که څه هم د لیکوال د شخصیت او آثارو تر منځ تړاو شته، خو ځیني بیا له دې نظر سره مخالفت لري او وایي، چې کیدی شي یو څوک ښه شخصیت ونلري، خو ښه آثار یې وړاندې کړي وي.
له نیکمرغه زه د «دعوت» بنسټګر او مسوول مدیر ښاغلی طارق بزګر پېژنم، له نږدې مو بنډار هم سره کړی او په هغه ډله کې حسابیږي، چې هم دروند شخصیت لري او هم درنه او بریالۍ رسنۍ چلوي.
یو څو ټکي د ګران بزګر صیب په هکله:
ډیر اجتماعي او د اړیکو په پاللو کې تکړه، د غره په څېر حوصله؛ بېلګه یې د ۲۹ کلونو پرله پسې ژورنالیستیک کار، له حسد او دښمنیو نه لیرې او بس هسې خوږ انسان.
یو څو لنډ ټکي هم د «دعوت» په هکله:
هیڅکله یې ژېړ ژورنالیزم ته مخه نکړه؛ د پیسو او نورو امتیازاتو لپاره یې څوک بې ځایه ټارګېټ او سپک نه کړل. تل یې ملي ګټې په پام کې نیولي او په هېواد کې د خیانت، فساد او ملي خائینیو پر وړاندې یې د مبازې بیرغ تل اوچت ساتلی.
ګران بزګر صیب، ځان او ټولو هېوادوالو ته د دې کلیزې او بریاوو مبارکي وایم، الله دې همداسې لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت د ملي ګټو او بیان ازادۍ په تله کې!

سرلوڅ مرادزی

د دعوت د ۲۹مې کلیزې په ویاړ!

تر نورو خبرو مخکې اړینه بولم، د دعوت خپرونې ۲۹ کلیزه او په راوروسته کې د دعوت بریښناپاڼې شپږګنیزه او بریالۍ چلونه قدروړ او منلي شخصیت محمد طارق بزګر، د هغه همکارانو، او بیا لیکوالو او لوستونکو ته چې د دعوت خپرونې او بریښناپاڼې سره همکاري لري او اړیکه ساتي، مبارکي او کور وداني ووایم.

له هېواده لیرې، د کډوالۍ په ناخواله چاپېریال او نیشت امکاناتو، د خپرونې د وسایلو او تخنیک د تیارولو د هڅو او کړاوو سره سره؛ د بزګر صیب ۲۹ کلن قلمي او پوهنیز زیار چې مهالپیر یې تر ننه پورې د یوه نسل د عمر سره برابري کوي، نه یوازې د ستاینې او قدروړ دی بلکې د هېوادپالنې یوه داسې غوره بېلګه ده چې ځوان نسل یې باید هر پل پسې پل واخلي!

که څه هم ما مخکې د دعوت خپرونې ټولو ګڼو ته لاسرسی نه درلود او یوازې ځینې مې لوستې او بریښناپاڼې سره له پیله اړیکه پالم، خو سړی ویلای شي دواړه، د دعوت خپرونه او هم بریښناپاڼه د هېوادپالنې په ګاڼه سمبال او د ملي ګټو په بیان، ملاتړ او ساتنه کې په تول پوره دي.

د ډېرې خوښۍ ځای دی نن سبا په هېواد کې دننه او بهر د خپرونو او بریښناپاڼو پریماني او ارزاني ده، خو ملي ګټو او د بیان ازادۍ سره د بریښناپاڼو او خپرونو چلند یو راز نه دی. یو شمېر یې له خپرېدو څخه په نه خپرېدو هېواد ته ګټه رسوي او که د ژورنالیزم نور ارونه او ځانګړنې ورسره غوټه شي چې زما د ځانګپوهې له انګېره بهر دي، خبره نوره هم درنه او پیچلې کوي.

ملي ارزښتونو او ګټو ته ژمنتیا او د هغو ساتنه او همداراز د بیان ازادي هغه دوه وزرونه دي چې که یوه خپرونه یې ولري، تر ډېره پرې چلېدای او ژوندۍ پاتې کېدای شي. هغه خپرونې چې له یادو شپږګڼو څخه یوه یې پېکه او یا دواړه یې پیکه او یا یې هیڅ ونه لري، څوک یې نه خوښوي او په لوستلو نه ارزي. همدا لامل دی چې ځینې خپرونې ژر

(c) ketabton.com: The Digital Library



مري او اوږد ژوند نه لري او ځینې نورې لکه دعوت بیا کلونه دوام کوي، نسلونو اړوي او نسلونه روزي.

زه د دې دعوه نه کوم چې د دعوت خپروني به په یادو برخو کې کومه نیمګړتیا ونه لري، خو تر کومه چې زه یې ارزولای شم، په واړو ډګرونو کې په بریا پلونه اخلي او د لا بشپړتیا او پرمختیا پړاوونه وهي.

دعوت د افغان ټولو قلموالو او لیکوالو د لیکنو او لوستلو خونديځ دی. دعوت د کیڼلارو، ښیلارو، منځلارو او ګڼلارو لیکنې په پراخه ټنده خپروي او تر خپلې وسې پورې یې د بیان ازادي ژوندۍ ساتلې ده. تر اوسه زما هیڅ لیکنه چې ښای ځینو به یې د دعوت تګلار سره سمون هم نه وي لرلی، دعوت بې لاسوهنې خپرې کړې. همداراز زه لیکنې، خپلو بېلا بېلو لوستونکو ته د اسانه لاسرسي په موخه نورو بریښناپاڼو ته هم لیږم، خو د ځینو نورو ترڅنګ دعوت په ډېر ورین تندي دا لیکنې خپروي چې ترې مننډوی یم.

یو وخت ما بلې بریښناپاڼې ته لیکنه لیږلې وه. په لیکنه کې مې د وفات شوي شخص د نوم سره د ارواښاد کلمه لیکلې وه، نوموړې بریښناپاڼې چې نوم اخیستل یې اړین نه بولم، د هغه ارواښاد له نوم څخه د خپل تنګلید په لامل، دا کلمه غورځولې وه او په وفات شوی شخص یې د اروانباد تش یوه کلمه قدرې هم پیرزو نه ده!

په پای کې د ملي ګټو او ارزښتونو خبره یو ځل بیا دلته رااخلم. زه خو وایم خپرونه دې د ملي هویت، خپل تاریخ او روایاتو په منځپانګه بډایه وي. که نور ورځچاري رنګارنګ مطالب خپریږي، خپاره دې شي، خو هغو کې دې هم د ملي ارزښتونو ونډه خوندي وي.

د خپروني په تګلار کې ملي ګټو ته ژمنتیا او په خپرونو کې د داسې ارزښتونو پرله پسې انځورول، خپرونې سره د لوستونکو او هېوادوالو د لوست مینه زیاتوي، هغوی د هېوادپالنې په روحیه روزل کیږي او په دې لامل د خپرونې ځلا او ښکلا لا زیاتوي. د دعوت خپرونې چې په دې ګانه تر ډېره سمبالې دی، دې ټکې ته یې نوره پاملرنه هم رااړوم!

دعوت ته د خپرونو په هېوادپاله دنده کې لابریاوې غواړم!

(c) ketabton.com: The Digital Library



# خجسته کتاب دعوت

دکتور سید خلیل الله هاشمیان

جریدهء وزین دعوت اینک ۱۶ ساله می شود و در مسیر این مدت به مدیریت مسئول شخصیت مبارز، آقای محمد طارق بزگر، موقف ملی و مبارزهء ملی خود را برای احیای افغانستان آزاد، دموکراسی ملی، رفع و دفع هر نوع تبعیض و تاسیس حکومت قانون در افغانستان حفظ نموده و در مدت سه سال گذشته که افغانستان به طور رسمی تحت اشغال قوای اجنبی قرار گرفته، جریدهء مبارز دعوت پیوسته به ضد اشغال اجنبی شعار داده است.

جریدهء مبارز دعوت همیشه از اتحاد ملی حمایت نموده و از حکومت دست نشانده نقاضا کرده تا اول تر به مقابل تجزیه طلبان دست به کار شود، زیرا تا زمانی که جنگ سالاران تجزیه طلب، ولایات افغانستان را تحت تسلط داشته باشند، وحدت ملی تامین شده نمی تواند.

جریدهء دعوت از اظهار حقایق هراس نداشته واقعیت ها را بی پرده بیان می کند، چنان چه در شمارهء مسلسل ۱۶۲ می خوانیم که در دورهء «حاکمیت متزلزل و فاجعه برانگیز مسعود- ربانی که از سال ۱۹۹۲ تا سپتامبر ۱۹۹۶ دوام نمود و موجب قتل پنجاه هزار اهالی ملکی شد و هم اقلاً ۵۰ فیصد عمارات ملکی و رسمی در کابل تخریب شدند... به استناد یک منبع معتبر خارجی، در فروری سال ۱۹۸۳، بین احمد شاه مسعود، عبدالرشید دوستم و قوماندان مالک، قراردادی با روس ها امضا شد که به اساس آن، مسعود مکلف ساخته شد تا امنیت راه سالنگ را برای عبور کاروان های اکمالاتی روس ها به جانب کابل تامین کند....»

جریدهء دعوت با نشر افکار و مقالات دانشمندان افغان و توجه خاص به زبان ملی پشتو توانسته است در بین طبقهء وسیع دانشمندان پشتو زبان محبوبیت خاص حاصل کند. در حالی که با انتشار مقالات زیاد به زبان

(c) ketabton.com: The Digital Library



ملی دری، موازنه بین دو زبان را نیز نگه داشته و از لحاظ ژورنالیزم مانند پلی، فاصله بین امریکا، اروپا، آسیا را به هم نزدیک ساخته است.
تمنیات نیک خود را برای دوام و موفقیت این جریدهء مبارز ملی و برای صحتمندی و سعادت شاغلی محمد طارق بزگر بدین وسیله ابراز می کنم.
پیروز و جاویدان باد مبارزهء ملی به ضد ارتجاع داخلی و به ضد اشغال کشور توسط لشکر اجنبی.

(c) ketabton.com: The Digital Library



# دعوت د کتاب په بڼه

پوهاند ډاکټر محمد حسن کاکړ

د دعوت میاشتنۍ خپرونه، ۱۹۸۸ کال نه راپدیخوا په ناروې کې د ښاغلی محمد طارق بزگر په سروالۍ خپرېږي. دعوت په دغو شپاړلسو کلونو کې تر اوسه پورې په منظم ډول خپور شوی او لوستونکو ته هم دننه په افغانستان کې او هم له افغانستان نه د باندې په نورو هیوادونو کې رسیدلی دی.
د مساپرۍ په حال کې په نااشنا ملکونو کې خپرونه ایستل او هغه لوستونکو ته په وخت استول اسان کار نه دی. د دعوت دغه غټ کار په لاندې دلیلونو سره واقعي شوی دی. د واقعي کیدلو غټ عامل یې پخپله چلوونکی ښاغلی بزگر دی چې له کلهوال کېدلو نه وروسته یې د پردیسۍ په حال کې هم زیار ایستلی چې خپل وطن او وطنوالو ته د قلم له لارې خدمت وکړي.
د ثور له کودتا په تېره د شوروي له نظامي یرغل نه وروسته په ملیونو افغانان اړ کړل شول چې له خپل هیواد څخه ووځي، په ملیونو له خپلو کورنیو سره په پاکستان، او ایران کې کډوال شول او تر دوو لکو پورې یې د لویدیځې نړۍ د بېلو بیلو هیوادونو په تیره جرمني، کاناډا او امریکا ته لاړل. معاصر افغانستان هیڅکله دغومره ډیر افغانان له لاسه ورکړي نه وو، دوی اقتصادي کډوالان نه وو چې د ژوند ښه کولو د پاره به د خپل پروگرام له مخې له وطن نه وتلي وي. دوی لکه چې د مخه مې وویل د مجبورۍ له مخې کډوال شول نو ځکه د کډوالۍ په حال کې د وطن اندیښنه ورسره وه او خپل وطن ته یې ډول ډول خدمتونه وکړل. ځینو د مقاومت د پاره تنظیمونه جوړ یا له سره فعال کړل؛ نورو د همدغو تنظیمونو له لارې د وطن په بیا خپلواك کولو کې اغیزناکه عملي ونډه واخیستله او لا هم نورو د قلم او لیکنو له لارې د افغان داعیه پرمخ بوتلله او د دغه مقصد د پاره یې خپرونې وایستلی. دغه خپرونې ډول ډول او ډیرې دي؛ په تیره په پیښور کې د مقاومت په دوره کې؛ خو له بده مرغه هغه نه په یوه عامه گڼه مرکز کې ټولې شوې او نه هم په عامه کتابتونو کې خوندي شوې. د افغانانو د پاره دا یوه ډیره غټه کلتوري او

(c) ketabton.com: The Digital Library



تاريخي ضايعه ده؛ ځکه چې په دغو خپرونو کې د افغان ملي مقاومت او په هغه پورې اړوندو موضوعګانو انعکاس کړی و. په هغو کې د افغان کارنامې او تاريخ خوندي وو. دغه حال ښيي چې افغانان به د شتمن ليکلي کلتور خاوندان نه شي. دغه وينا په دغه ترخه واقعيت سره نور هم ټينګه کيږي او هغه دا چې د اسلامي تنظيمونو په دوره کې عامه او شخصي کتابتونونه چور شول، او ډير کتابونه يې وسوځول شول. په هغو کې زما کتابتون هم راځي چې له انګلستان او امريکې نه مې ډير کتابونه ورته راوړي او بيا د کابل د زاړه ښار د کتاب پلورنځيو نه مې د پخوا وختو ډيرې زړې پاڼې او کتابګوټي راټول کړي وو. زما په کتابتون کې يو شمير اثرونه بېجوړې وو؛ لکه د برتانوي هند حکومت د استخباراتو د ځانګي يوه خپرونه چې د افغانستان د وخت د لويانو په هکله وه، او بيا ما د خپلې څيړنې درې کلنې مودې په بهير کې له ناخپرو شوو ارشيفي پاڼو نه نور ډير معلومات پرې ورزيات کړي وو چې دغه اثار د هغو له امله پوره بېجوړې شوي وو. دغه اثر چې په نيم تخته يې پاڼو کې شنه پشتي لرله او اضافي ليکنې يې په انګريزي کې زما په قلم دي شايد بل څوك لوستلی ونه شي.

په کابل کې د طالبانو تر پرزيدلو نه وروسته د خپرونو يوه لويه ازاده دوره پيل شوې ده، خو د دغې دورې خپرونې دننه په وطن کې د لوستونکو د پاره دي. په داسې حال کې چې له افغانستان څخه د باندې په لويديځې او عربي نړۍ کې د دوو لکو په شاوخوا کې افغانان اوسيږي. له ښه مرغه د دغه افغانانو او داسې هم په وطن کې دننه افغانانو د پاره اوس هم په باندينيو هيوادونو کې خپرونې کيږي؛ لکه په امريکا کې "آئينه افغان" د ډاکټر سيد خليل الله هاشميان په سروالي، په کاناډا کې "افغان رساله" د ښاغلي احمد شاه هوتك په زيار، په جرمني کې "ګوربت" د ښاغلي محمدآصف په همت او "اسه مايی" د ښاغلي حميد عبيدي په زيار، او په امريکې کې "کيوان افغان" د ښاغلی رحيم وحدت په مشرۍ او په ناروې کې "دعوت" د ښاغلي محمد طارق بزګر په سروالۍ، دغه خپرونې هم ملي دي او هم يې د عمر کولو توان ښوولی. البته نورې خپرونې هم شته چې يا يو وخت بل وخت ايستلی

(c) ketabton.com: The Digital Library



کېږي او يا ملي نه دي، لکه د "اميد" خپرونه؛ خو دلته په دغو پاڼو کې يوازې د دعوت خپرونې باندې خبرې کېږي.

لکه چې ړومبی مې وويل چې شپاړلس کاله کېږي چې دغه خپرونه د ښاغلی بزگر په زيار راووځي په باندينيو نااشنا ملکونو کې د دغسې خپرونو ايستل اسان کار نه دی، خو د هغوی د ايستلو هلې ځلې لوستونکو ته نه ښکاري لکه هسې چې لوستونکي د کتاب مخونه په منده لولي. بې له دې چې ځير شي ليکونکي به د هر مخ په کښلو کې څومره زيار ايستلی وي. په دغه اړه ښاغلی بزگر يو مثال کېدلی شي. دئ د خپلې کورنۍ د ژوند خوندي کولو د پاره د ناروی د پوست په مرکزي دفتر کې کار کوي، خو د خپل معاش يوه برخه د دعوت په ويستلو باندې لگوي. له دينه جوته ده چې د ښاغلي بزگر د دعوت د خپرولو هڅونکی قوه مادي نه ده. په اصل کې د دغسې خپرونو ايستل د پيسو د پاره نه وي او نه هم دا د پيسو گټلو لار ده، هغه هم په باندينيو ملکونو کې د دغسې افغانانو د پاره چې ملي خپرونې راوباسي. دغه څه پخپله د دعوت د مخونو نه څرگندېږي.

دعوت د هيواد په دواړو رسمي ژبو خپرېږي، خو د پښتو پله يې درنه او افاده يې هم معياري ده. په هره گنه کې يو يا ده ليکنې په انگريزي هم لري، خو د دعوت غټه ځانگړتيا د هغې د ليکنو څنگه والی دی. ليکنې يې نږدې ټولې د افغانستان د پېښو په تېره د سياسي پېښو په اړه تحليلي دي، مهمې نړيوالې جاري پېښې يې هم په مخونو کې راوځي. په ليکنو کې يې په موضوع گانو باندې بحث کېږي نه په فردونو باندې. هو، د فردونو کړه وړه او نظرونه او سياستونه به پکې ډانډس کېږي او ټکول کېږي، خو پخپله هغوئ په سپکه نه يادېږي. دعوت د مدني اصلونو مراعات په ټينگه کوي. دعوت په واقع کې په دغو اصلونو او فرد ته د درناوي په اصل ولاړ دی. په دغه ډول د دعوت په ليکنو کې د فرد حيثيت هر څوك او په هر مقام کې چې وي خوندي دی، خو د هغه کړه او فکرونه سپيځلي نه کڼل کېږي، هغه سپړول کېږي يا يې قدر کېږي يا بېرحمه نيوکې او وارونه پرې باندې کېږي. دا ټول د دې د پاره چې دعوت دا خپله ملي او اجتماعي دنده او مسئوليت گڼي چې خپل لوستونکي د هغو نظرونو، کړو، او موضوعگانو په ښو او ناوړو خواو

(c) ketabton.com: The Digital Library



باندې خبر کړي چې هغوئ او د هغوی وطنوالان متاثر کوي. دا په واقع کې د دعوت رسالت دی. په دې حساب د دعوت ليکنې نه ننداره ييزې، نه احساساتي او نه هم پارونکي دي. هغه د ازادو دماغونو تحليلي ليکنې او تبصرې دي. له دې امله دعوت ډېر علاقه مندان، خوښونکي او لوستونکي لري او دا د دعوت قلمي مرستيالان دي چې د وطن د پيښو د بېلو بېلو اړخونو په اړه پخې ليکنې وراستوي او مرسته ورسره کوي. دوئ په دې ډول د دعوت ارزښت، درنښت او د زيات عمر کولو توان ورزياتوي. نو دعوت د يوې ګډې موخې په لور په لويدځې نړۍ کې د خورو ورو افغانانو د همکارۍ يوه څرګنده، لوړه او ګټوره بيلګه ده. دا دعوت دی چې خپل خواره واره افغان ليکوالانو ته يوه بل باندې پيژني او سره نږدې کوي. خو سره له دې هم ګمان نه کيږي چې حتی د دعوت ليوالانو په هم د هغه ټولې ګڼې ساتلې وي.

د مساپرۍ په دغه اوسني حال کې د خپرونو ساتل اسان نه دي. نو ښاغلی بزګر وړانديز کړی چې د دعوت غوره ليکنې د کتاب يا کتابونو په بڼه راوباسي؛ د دې د پاره چې لوستونکي هر وخت چې وغواړي ترينه ګټه واخلی. دا يو بل ښه ګام دی چې ښاغلی بزګر پورته کړی. په دغه کار سره به د دعوت د غوره ليکنو ارزښت او پايښت نور هم يقيني او ګټورتوب به يې زيات شي. په دغه ګټور کار کې هم زه د ښاغلی محمد طارق بزګر برى غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت او محمد طارق بزگر

ډاکټر عبدالصمد حامد

بسم الله الرحمن الرحيم

گرانه وروره بزگر صاحب!

د هرڅه نه لومړی تاسي ته زړه لـه کـومي تبريـك وايـم چـې د دعـوت درنده خپرونه د خپلو ليکنو، مرکو او شعرونو کتاب خپروي، زموږ د ښو او بدو خاطراتو نه ډك تاريخ او په ځانگړې توگه د تيرو ديرشو کلونو په ترخ کې چې زموږ د هيواد او هيوادوالو د سياسي او ټولنيز ژوندانـه يـوه ډيره حساسه مرحله وه او لا هم ده، د يو شـمير هغـه هيوادوالـو چـې د ډيرو ستونزو په گاللو سره، هيواد او هيوادوالو تـه د خـدمت او خـير پـه نيت د مطبوعاتو او تبليغ په سطح د قدر وړ خدمت کړی دی، انشاالله به زموږ د تاريخ يوه مثبته برخه جوړوي. ستاسو دا خدمت د تيرو پنځلسو کلونو په اوږدو پرته د خپل کار پر حقانيت باندې باور او ډيـر صبر نـه شي تر سره کيدای.

د تيرو ديرشو کلونو راپديخوا زمـوږ هيـواد د پرديـو او د هغـوئ امربـرو افغانانو د لوبو او تجربو ميـدان پـه توگـه کـارول شـوی دی چـې افغـان مجاهد، خو مظلوم ولس د ډيرو قربانيو او مصيبتونو د گاللو سره سـگره لا تراوسه هم دې لوی او ملي مصيبت لاس په گريوان دي. که څـه هـم د نيکه مرغه په هيواد کې دننه تر يو حده دا زمينه مساعده شوي ده چې يو شمير ازاد نشرات رامنځ تـه شي خـو د هيـواد نـه بهـر ميشـته افغـاني موقوتې خپروني او الکترونيکـې وسـايل د خپرونـې لا اوس هـم خپلـه ځانگړې وظيفه لري او صبا به يې هم ولري.

د افغان ولس اکثريت او موثرې طبقې ښايي چې د خپـل موجـود لـوی مصيبت د جريان نه د واقعيت درك کړی وي چې:

افغان ولس د بشري ټولنې د غړې په حيث نه يوازې د نـورو ولسـونو او هيوادونو څخه په تجريد کې ژوند نه شي کولای، بلکـې دا وظيفـه يـې هم ورپه غاړه ده، چې د خپلو مشروعو حقوقو، خپل د تهـذيبی هويـت څخه د دفـاع تـر څنـگ د بشري تـولنې سره د سـوله ييـزو او د هغـوئ مشروع حقوقو او هويت ته د احـترام پـه واسـطه حتـی المقـدور نـژدې

(c) ketabton.com: The Digital Library



اړیکو ساتلو او پاللو په وجه داسې حالات منځ ته راشي، چې د افغان ولس او د نورو هیوادونو د مشروعو حقوقو د تامین په لاره کې د ټکر له پاره زمینه برابره نه شي. زما په نظر د هیواد نه په بهر کې میشته افغاني ذکر شوی خپروني اصلي نقش په دې اړوند به ځانګړی اهمیت ولري.
دا نقش په حقیقت کې په دې اړوند د یو منصف او د یو خواخوږي څارونکي او منتقد، رابط نقش به وي.
کوم د انصاف او واقعیتونو پر بنا متکي تنقیدونه چې په هیواد کې دننه میشته وو اطلاعاتي خپرونو له خوا د ځینو عواملو او محدودیتونو له کبله نشي خپریدلی، باید د هیواد نه په بهر کې میشته خپرونو په واسطه هرو مرو هیوادوالو ته په اطلاع ورسول شي. همدا راز دا هم د هیواد نه په بهر کې میشته خپرونو وظیفه به وي، چې په هیواد کې دننه د مثبتو پیښو او کارونو اطلاع د نورو افغانانو او افغان ولس سره نورو غیر افغاني علاقه لرونکو کړیو په خبرتیا ورسول شي.
په دې اساس دا ذکر شوي په بهر کې مشته خپروني د یوې خوا نه د افغان ولس د تنقیدي غبرګون د خپروني نقش تر څنګ د افغان ولس تر سره شوي خدمت د مبلغ نقش به ولوبوي او د بلې خوا نه به د هیواد نه په بهر کې د افغانانو او د افغان ولس ترمنځ د اړیکو د ټینګولو او پراختیا عامل به وګرځي. همدا راز د دوی دا کار به د افغان ولس او د بشري ټولنې تر منځ د ذات البیني ښو اړیکو د تقویې په لاره کې مثبت رول ولوبوي.
د دې کبله ښایي چې د هیواد نه بهر میشته افغانان (که د نورو هیوادونو تبعه هم شوي وي) د دعوت د درندې خپروني او نورو په بهر کې میشته افغاني خپرونو سره تر وسه پورې خپلې مادي او معنوي مرستې وکړي. تاسو ته تبریك وایم او درته اجر، ډیر صبر او توفیق غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



# د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره زما اړیکه
## هلمند پردیس

مخکې تر دې چې زه د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره په خپلو اړیکو وغږیږم، غواړم د دغه رسنیز مرکز په ځینو ارزښتونو او خدمتونو یو څه ووایم. دعوت خپلواک رسنیز مرکز په حقیقت کې یو خپلواک او د رسنیو په ډګر کې یو بې پرې او ازاد رسنیز مرکز دی. د دغه مرکز هڅې او پرمختګونه ټول د افغانستان او افغان دردیدلي ولس سره تړلی او د دوی اواز دی، نو ځکه د دغه مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب په خپلو شخصي، مادي او معنوي توان سره دغه درونډ بار ته دا نهه ویشت کاله کېږي چې مټ ورکړی دی، زما د خبرو هدف هم همدا دی، چې دغه رسنیز مرکز په ټوله مانا خپلواک دی. دا چې څرنګه دغه رسنیز مرکز لا تر اوسه خپلواک پاتې شوی دی، د کامیابۍ راز یې په خپله د دغه رسنیز مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب دی. د ده ډېرې هڅې، زیار، د خپل ولس او وطن سره بې انتها مینه دا هغه څه وو، چې محترم بزګر صاحب په دغه لار کې سترې مادي او معنوي قربانۍ ورکړې دي، او دغه رسنیز بهیر یې تر هدف رسیدو پورې له ستونزو او مشکلاتو بهر کړی دی او همدا علت دی، چې نن یې موږ تاسې نهه ویشتمه کلیزه لمانځو.

محترم مشر بزګر صاحب سره د ډېرو نورو ښو خاصیتونو لرلو تر څنګ یو بل ارزښتمن خاصیت دا دی، چې هغه ریښتوني وطندوسته شخصیت دی، او هغه د خپلې همدغې وطندوستۍ له برکته د وطنپرسته فکرونو په روزلو کې هم موثر ګامونه اوچت کړي دي. هغه سره د احمد، محمود، د قوم، قبیلې، ژبې او نژاد تعصب نشته، نو ځکه ده سره د دعوت خپلواک رسنیز مرکز په همکارۍ کې د افغانستان د هر قوم ورونړه ملګري او همکاري کوي، او بزګر صاحب دا خبره په حقیقت کې په اثبات رسولي ده، چې یو شاعر یې په خپل شعر کې وایي:

چې نشه د استبداد لري په سر کې
ما ته یو دی که مغل دی که افغان

پوره یوه لسیزه مخکې چې کله ما د مسافرۍ په درشل قدم کیښود د وطن بېلتون مې د زړه دننه د خپل وطن سره د مینې داسې اورونه بل کړل، چې زه یې لیکلو ته اړ ایستم. لیکل مې شروع کړل، که څه هم زه له ماشومتوبه په خپل کلي مین وم، حتا له کلي بهر به مې له دوستانو سره هم شپه نه کوله زړه به مې تنګیده، خو

(c) ketabton.com: The Digital Library



چې کله مسافر شوم، نو د وطن دا مينه او دردونه مې دوه چنده او سل چنده شول، او همدغه د وطنپرستۍ احساس او مينه وه، چې ما به د انټرنيټ له لارې خپل احساسات او د زړه خواله د خپل ولس او وطن سره شريکول. شپږ کاله پخوا د دعوت ميډيا خپلواک رسنيز مرکز سره اشنا شوم، او دغه رسنيز مرکز ته به مې خپلې نيمګړې ليکنې ورليږلې او د دغه همکارۍ په نتيجه کې له محترم مشر بزګر صاحب سره معرفي شوم، او وخت ناوخت به يې زه هڅولوم، چې زما ليکل ښکلي او په تول پوره دي، خو زه وروسته پوه شوم، چې هغه وخت زما ليکلو بلا تېروتنې لرلې، کېدای شي اوس يې هم لري، خو زه محترم بزګر صاحب زړه ماتی نه کړم، او هر وخت يې مناسبې لارښونې راته کړې دي، او همدا د ده د لارښونو برکت و، چې ځلور کاله مخکې بيا د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره رسمي همکار شوم، خو د دغه همکارۍ اجوره ما هم نه ده اخيستې، د دې لپاره ما دوه دلايل لرل، يوه وجه دا وه، چې ما خپله هغه مينه چې له خپل ولس او وطن سره لرله او لرم يې، ما بايد دا په عمل کې اثبات رسولې وای، ځکه چې افغان وطن او ولس پر موږ حق لري، چې خدمت يې وکړو، او همداسې مې وکړل، او دا مې ستر ارمان هم وو، چې خپل وطن او وطنوالو ته د خدمت جوګه شم او بله وجه يې د محترم مشر بزګر د کار او خدمت څخه متاثره کيدل ؤ، چې ده هم له ځا څخه په دغه بهير کې اجوره نه ده اخيستې او خپل وطن او وطنوالو ته يې دا نهه ويشت کاله وړيا خپل رسنيز خدمتونه وړاندې کړي دي.

په پای کې زه مشر- بزګر صاحب ته دوعاګانې کوم، چې ستر رب العزت يې عمر ډېر او ارمانونه يې پوره شه، او لوی خدای دې موږ ته هم دا توفيق راکړي، چې په دغه بهير کې ورسره ريښتوني ملګري پاتې شو.

(c) ketabton.com: The Digital Library



# بیست و سومین سال نشرات جهانی کمپلکس دعوت تبریک و تهنیت باد

استاد صباح

آزادی، نه تنها بی بها نیست بل که کالای بسیار ارزشمندی ست که در طول تاریخ، مفت و ارزان به چنگ هیچ کس نیامده است.
دانشمند گرامی، مرد دانش و خرد وشخصیت برازندهء بیرون مرزی کشور، جناب محمد طارق «بزگر»، رییس کمپلکس نشراتی دعوت! صمیمانه ترین تبریکات قلبی ام را به مناسبت بیست و سومین سالروز (۱۹۸۸ – ۲۰۱۱) نشرات دعوت پذیرفته و از طریق شما به هیات محترم تحریر، همکاران گرانمایه و خواننده گان، بیننده گان و شنونده گان گرامی دعوت تقدیم نموده، زنده گی خوش به شما و خانواده های تان و جذابیت و رنگینی بیشتر دعوت آرزودارم.
شارل دو مونتسکیو می گوید: بشری که حق اظهار عقیده و بیان اندیشهء خود را نداشته باشد، موجودی زنده به شمار نمی رود.
اگر به آزادی بیان اعتقاد دارید، انتقاد صریح، علنی و شفاف از شما در رسانه‌ها، معیار آزادی بیان است. اگر نتوان از رهبر سیاسی کشور انتقاد کرد، نمی‌توان مدعی وجود آزادی بیان شد. این که فردی به دلیل انتقاد غیر مستقیم از رهبر، محکوم به پرداخت هزینه‌های بسیار سنگین شود، دلیل آزادی نیست، بل که حاکی از خودکامه گی نوع توتالیتر است.
این که یک فرد قدرت مطلق را به طور مادام العمردر اختیار داشته باشد و باز هم از مردم سالار بودن حکومتش سخن بگوید، نزد عقلا چه معنایی دارد؟
دعوت! رسانه ی صوتی، تصویری و چاپی است که نویسنده گان و قلم به دستان اندیشمند و متفکر برای تحقق دموکراسی واقعی در کشور کهن و مردخیز افغانستان، مبارزهء صادقانه وبی الایشانه نموده و

(c) ketabton.com: The Digital Library



شباروزی عرق می ریزند و زحمت می کشند. مسوولیت بزرگ و خطیر آنان توضیح و تشریح دموکراسی واقعی، متحد کردن تمام نیرو های دموکراتیک تا بنای حکومت قانون، تا ختم جنگ و برادرکشی، تا تحقق آزادی، مردم سالاری، سیکولاریزم و خردگرایی در سرزمین درد دیدهء ما بنیان گذاشته شود.

دعوت، نقطهٔ شروعی برای بحث و گفت و گو و استراتژی هایی برای ایجاد ارتباط وطنی، افغانی و روشنفکرانه برای توسعهٔ دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق واقعی در میهن است. دعوت برای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می کند.

دعوت، تریبونی برای آزادی، دموکراسی، روشنفکری، عدالت خواهی، برادری و برابری بوده و برضد اندیشه های تفرقه انداز به نام شمال و جنوب، شرق و غرب، سلطه خواهی و قدرت طلبی و بر علیه دزدان، چپاولگران، آدمکشان، جنگسالاران، سلاحداران، قاچاقبران ثروت های مادی و معنوی وطن پیکار دوامدار نموده و در این مسیر، گام های بلند برداشته و در آینده نیز ساکت نخواهد ماند.

دعوت، هرگز استقلال و منافع ملی خود را زیر پا نمی گذارد و آنانی که طی سه دهه به استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی و مردم گرایی خیانت نموده و در هر مقطع تاریخی برای چور و چپاول باشنده گان این خطهء تاریخی معامله و غلامی نموده اند و در بدل پول، کرسی و قدرت بر سرنوشت کشور و مردم با اجنبی ها معامله کرده اند، بی باکانه و میهن پرستانه، چهره های منحوس آنان را برای ملت غیور افشاء و رسوا می نماید.

به عقیدهء من، نویسنده گان، قلم به دستان و همکاران رسالت مند دعوت باید تاریخ غنی و نبرد های آزادی خواهی و افتخارات میهنی خود را به یاد داشته باشند و در مسیری روشنگری مردم جد و جهد

(c) ketabton.com: The Digital Library



بیشتر نمایند تا بـار دیگـر بـه پیشـرفت هـایی در زمینـه هـای اقتصـادی، اجتماعی و حقوق انسانی دست پیدا کنند.

مردم ما باید آزاد باشند تا به خود و آیندۀ کشور امید داشته باشند. همـۀ ما باید برای عدالت، شرافت، صداقت، سعادت و متانت مبارزه کنیم تـا بر نیرو های سلطه گر و چپاول پیشه چیره شویم.

ما باید با امید و میل به دستیابی به رفیع ترین قلل افتخار برای کشـور بـه سمت آینده حرکت کنیم. زمان پیشرفت و ترقی به وسـیلۀ مـا در زمینـه های هنری و فرهنگی فرا رسیده، پیروزی نزدیک است و تغییر اجتنـاب ناپذیر است.

دعــوت بــا پیــروی از اصــول آزادی و حقــوق بشــر و دموکراســی ومردمگرایی به قوی ترین شبکهء جهـانی بیشـتر ازگذشـته مبـدل شـود. زمانی قدرت‌های بزرگ بـا ورود مسـتقیم بـه کشـورها، جهـان سـوم را غارت می‌کردند، ولی حالا در هـزارهء سـوم در ظـاهر بـه نـام آزادی و دموکراسی می‌خواهند ملت‌ها را تاراج کنند و انسان ها را در بند بکشند و آزادی را نیست و نابود نمایند.

باید در مورد نقشه ها و خیانت های مافیای بنیادگرایی و تفنگ سالاری هوشیارانه عمل نمایم تا آنان عقیـدهء پـوچ و بـی معنـی منطقـه پرسـتی، قومگرایی، تضاد های ملی و زبانی به نام افغـان و افغانسـتانی، شـمالی و جنوبی و ستم طلبی و سلطه خواهی چـون ویـرس مهلـک و کشـنده بـر جامعه تزریق نکنند تا بار دیگـر شـاهد بـدبختی، فلاکـت و سـیه روزی وطن و مردم ستم دیدهء آن نباشیم.

ما مصرانه بر این اصل پا فشاری کنیم که زنده گی ما درکشور، تجربهء عالی، با شکوه و عظیم است. هر انسای وطن حقوقی دارد کـه بداننـد و مستفید شوند، هیچ دولتی، نیرو و یا شخصی حـق نـدارد کـه آنـان را از چنین حقوقی محروم کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library



هر انسانی می بایست در برابر قانون برابر باشد. هر شخص باید زیر چتر حقوق و آزادی قانون اساسی بدون برتری از هر نوع، مانند نژاد، جنسیت، زبان، معلولیت، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا طبقهٔ اجتماعی، ارزش های فکری، اولویت ها، دارایی، محل تولد و مانند این ها باشد. تمام مردم باید حق شرکت در اداره و حکومت را داشته باشند. هر شخص حق تفکر، مذهب، تحصیلات، عقیده و سخنرانی آزاد را دارد. این حق شامل داشتن عقیدهء بدون دخالت است و همچنین دنبال کردن، دریافت و بیان اطلاعات و عقیده از طریق رسانه ها آزاد اند.

هر شخص حق دارد که به طور مسالمت آمیز در انجمن ها و گردهم آیی ها شرکت کند، ولی هیچ کس نباید مجبور به عضویت چنین انجمن ها یا گردهم آیی هایی شود.

هر انسانی حق کار دارد و می تواند شغلش را آزادانه انتخاب کند؛ شرایط محیط کارش به دلخواه و منصفانه باشد و نیز حق دارد با تشکیل و پیوستن به اتحادیه های کارگری، آنان در جهت حمایت از منافع او اقدام کنند. هر شخصی حق حفاظت از منافع، عاید کار علمی، ادبی و هنری را که خود پدیدآورندهٔ آن هاست، دارد.

در دورهٔ مدرن امروزی، بیشتر حکومت ها برای اثبات حقانیت شان ادعای دموکراسی دارند. دعوت، معتقد است که در یک دموکراسی واقعی، مردم، بالا ترین قدرت را دارند. آن ها بالاترین شکل قدرت سیاسی می باشند. مردم با علایق و عقاید مختلف باید خواستار نشستن و گفت و گو با یکدیگر باشند. زمانی که کسی عقیده اش را ابراز می کند، باید که به نظرات دیگران گوش دهد، حتی اگر دیگران با او مخالف باشند. هرکس حق دارد که آزادانه ابراز عقیده کند.

مردم سالاری، شیوه ای ست برای مردم تا رهبران شان را آزادانه انتخاب کنند و آن ها نیز برای سیاست ها و رفتار شان نسبت به خدمتگذاری مردم جوابگو باشند.

(c) ketabton.com: The Digital Library



من معتقدم که وطیفه ی اولیه حکومت، عبارت از محافظت کشور از تجاوزات خارجی و تخطی های داخلی است تا به طور کامل از حقوق اولیهٔ انسانی حمایت کند تا که یک اقتصاد آزاد و باز را مانند تجارت خصوصی مورد تشویق و حمایت قرار دهد، کیفیت منابع تحصیلی را ترویج کند و کیفیت خدمات درمانی را به بالاترین سطح ممکن برساند تا به طور پیوسته با مردم در پی بهبود زیرساخت های فیزیکی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشور باشد.

ما باید جرأت و جسارت ایستادن برای ارزش ها و اعتقادات را پیدا کنیم. نباید روشنفکران و تحصیل کرده ها تنها در این فکر باشند که چه گونه به کشور های خارجی فرار کنند.

ما باید بدانیم افرادی که بر مسند قدرت تکیه زده اند، آیا مشتی اوباش و جنایت پیشه اند که مصروف غارت و چپاول کمک های صحی، بیت المال، اراضی دولتی، زمین و املاک شخصی، ثروت های ملی و منابع طبیعی کشور هستند. اینان به خاطر چور و چپاول، به خاطر حفظ قدرت و حاکمیت شخصی و گروپی خود با کلمات و جملات بازی می کنند تا تفرقه های منطقوی، سمتی و زبانی را چاق کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

با درود های گرم و وطنی

استاد صباح؛ همکار قلمی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library



**د دعوت پاڼې د درویشتمی کلیزی په ویاړ**

استاد ابوبکر ساپی

چه نظر کړمه هر خوا دعوت دعوت دئ
همه واړه د بزگر صاحب محنت دئ
څوک صفت د خپلی پاڼی څوک د ځان کړي
د دعوت د پاڼی بی ساری شــهرت دئ
څوک يي ستايي په شعرونو او نغمو کښی
د حسودو پری له هر لوري تهمت دئ
د پښتون ولس او قام د زړه دردونه
دی انځور پکښی، همدا يې حقانيت دی
گوره کار نه لاس په سر نه شی مومنه
د الله د دين بيان ستر امانت دئ
په وطن باندی يهودو يرغل کړی
بی گناه وژنی همدا يي ستر خيانت دئ
هرې خوا ته دی ورانکاری را ټول شوي
سر و کار يي شيطانت او ضلالت دئ
د دعوت پاڼی درنو لوستونکو واوری
يي قلم په لاس هم ډير مو مسووليت دئ
له دعوت سره د دين دعوت کښي مل شی
د صافی لخوا همدغه یو وصيت دی

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت خو پوخ زلمی شو، مبارک مبارک!
## محمد امین بسمل

د یو هېوادپال، ولس پال درانه او ملي هڅاند افغان په لاس اېښودل شوی نیالګی (دعوت) ثمر ته ورسېد. دا نیالګی د هجرت، غربت او لاس تنګي په داسې بدو حالاتو کې کښېښود شو، چې د راټوکېدو، زرغونېدو، لویېدو، سپړېدو او په ثمر راتلو هیلې یې زیاتې نه وې، خو د یو متین او سنګین انسان په همت یې دا ټول پړاونه او مزلونه په بریا سره ووهل. مبارک دې وي بیا هم مبارک!

درویشت کلن دعوت نن هغه ښایسته او صالح اولاد ته پاته کیږي، چې نه یوازې د خپل پلار او کورنۍ په سترګو کې خوږ لګي، بلکې کلیوال او سیمه وال هم سترګې پسې اړوي (له نظره مه شې ګرانه دعوته).

احساس مې په غربت کې اوښکې تویه کړي له سترګو
چې لولمه لیکنې د پتمنو په دعوت کې
د هیلو مات وزری مرغی بیا په الوت راشي
امید دی چې افغان ولس ژوند وکړي په عزت کې

دا چې زموږ د هیلو دا مات وزری مرغی به څه وخت سرمنزل ته په الوت شي، لا خو وخت ډېر دی، خو بیا هم د دې تمه شته، چې یو او بل ته د لاس ورکولو په صورت کې دې لوړ ارمان ته ورسېږو.

راګرځم د دعوت میوه لرونکي نیالګي ته، چې ایښودونکی یې یو داسې پتمن افغان دی، چې د توصیف لپاره یې د پوره الفاظو په راټولولو کې ځان عاجز ګڼم. زموږ دا ګران افغان محمد طارق بزګر نومیږي.

د ښاغلي بزګر صاحب د همت، هېوادپالنې او متانت په اړوند زموږ نورو درنو افغان لیکوالو خپل ښایسته نظریات وړاندې کړي، خو کوم څه، چې ما د بزګر صاحب په اړوند ترلاسه کړي هغه داسې دي:

ــ د اوچت کرکتر او لوړو اخلاقو لرونکی.
ــ د پراخې سینې (حوصلې) څښتن
ــ ماهر او هېوادپال ژورنالست
ــ جذاب، حلیم او صابر انسان

(c) ketabton.com: The Digital Library



ــ پالونکی، مرستندوی او حقبین

ما پخپل ژوند کې یو ځل هم بزګر صاحب له نږدې څخه نه دی لیدلی، خو څو ځلې مې ورسره تیلیفوني اړیکه نیولې ده. البته مخکې له تیلیفوني اړیکو ما د بزګر صاحب اوصاف او کردار د هغه په درانه انځور کې انځورول، خو کله مې چې تیلیفوني اړیکه ورسره ټینګه شوه نو دې ته یې اړیستم، چې یو څو هر اړخیزې پوښتنې ورڅخه وکړم. جالبه خو داوه، چې زما د اوږدو پوښتنو ځواب به یې په یو څو لنډو جملو کې پوره کاوه.

که به خبرو په غایب شخص پورې تړاو درلود نو د بزګر صاحب نظر به مطلق بې پلوه و. دا په دې مانا، چې بزګر صاحب خپل تګ لوری سم ټاکلی و.

د پورتنیو جملو په وړاندې کولو سره دا هم وېیلای شم، چې د دعوت نوښتګر هم بزګر و هم زرګر. زرګر په دې مانا، چې وېې کولای شول په خپل لوړ استعداد او خلوص سره زموږ درانه او زرین لیکوالان د ځان خواته ور جذب او د دعوت خپرونې پرې زرینې او رنګینې کړي. دا کار هر څوک هم نه شي کولای. دا زغم، صبر، حوصله او صادقانه اړیکې غواړي.

د یادولو ده، چې موږ غم لړلي افغانان (پښتانه) له نېکه مرغه نه یوازې بزګر صاحب لرو بلکې له ټول افغان څخه یې رانیولې تر لر او بر، تل افغان، بېنوا، خبریال، لوی افغانستان، سپرغۍ او یو څو نورو پورې داسې هېوادپال افغان وېیپاڼې چلوونکي لرو، چې د سړي زړه پرې باغ باغ شي.

زه دغو ټولو درنو وېبپاڼو چلوونکو ته په دې تاریخي او دردوونکو شېبو کې له پاک رب څخه د لا ډېرو نورو بریاوو غوښتنه کوم. دوی دې تل هسک او بریالي وي.

د خپلې لیکنې په وروستۍ برخه کې په موږ ګران بزګر صاحب ته د بې شمېرو مبارکیو ترڅنګ په ډېر درنښت سره نه یوازې ده بلکې زموږ نورو ګرانو او درنو افغان وېبپاڼو چلوونکو ته دا وړاندیز کوم، چې د خپلو قلمي همکارانو انځورونه هر وخت د هغوی له لیکنو سره یوځای خپاره کړي که کوم څوک خپل انځور او پېژندنه نه ورلېږي، دا

(c) ketabton.com: The Digital Library



به په دې مانا وي، چې هغه له  يادو ويبپاڼو او ملت سره دغداري نيت لري. زما د وړانديز د نه منلو په صورت کې دې بزګر صاحب او دا نور درانه افغان ويبپاڼې چلوونکي د هغو مرموزو او مغرضو کسانو ليکنې کوم، چې خپل شهرت او انځورونه نه ورليږي يا خپرې نه کړي او يا دې په داسې يوه ټيټه او ځانګړې کټګورۍ کې خپرې کړې، چې د لوستونکو زيات نظر نه پرې لګي.

په اخېر کې يو ځل بيا د دعوت  درانه چلوونکي محمد طارق بزګر ته د زړه په مينه د دعوت  د پاخه زلميتوب مباره کي وايم.

محمد امين بسمل
د جرمني له بايرن ايالت څخه

(c) ketabton.com: The Digital Library



دریم څپرکی:

پیغامونه

**د منزل په لور د دعوت دیرش کلن مزل**

ولي الله ملکزی

که د نړیوال سټیج په پاسني لوړ کې، د نامي امپراطوریو او تهذیبونو د عروج او زوال تابلو ته ځیر شو، نو هرو مرو به مو یقین راشي چې د خرش پرش پړاو ته د رسیدلو لپاره په پیړیو پیړیو مزلونه شوي ترڅو د دوئ د څواک څولۍ ډکه، ارته او وغوړیږي.
د رسنیو دنیا هم د لوړو، ژورو او غورځو پرځو یو ستومانه او دیته ورته تاریخ لري. د لرغوني چین دنګ دیوالونه، د بغداد منارې، د بیروت کوڅې، د اروپا ښیرازه ورشوګاني او د امریکا سیلکن ویلي، ټول د دې شاهدان دي چې د نړیوال کلي جوړول او یوه څنډه له بلې سره نښلول څومره ګران، څومره هڅو او څومره شوګیرونوته اړتیا لري؟
له نن دیرش کاله وړاندې، د دعوت په نوم یوه کوچنۍ او ساده پاڼه د مطبوعاتو د دې ستر کاروان له وروستۍ جوپې سره یوځای شوه او پدې زیره او شګلنه لاره یې قدم وهل پیل کړل. لا د خاړپوڅو شپې ورځې وې چې په ۱۹۸۸ کال کې لمړنۍ شماره چاپ او ځما د ګوتو په شمار خلکو ته واستول شوه. د چاپ لپاره به کله پیسې نه وې او کله به د متوازنو اوغوښتنو لیکنو او مقالو کمی وو، خو ټینګ هوډ او کلکه اراده تل په غورځنګونو وه.
دعوت کومه اسماني صحیفه نده چې غلطي او اشتباه به نکوي. خو زما په اند، دعوت د هر هغه چا ننګه کوي چې سوله غواړي او هغه څوک ننګوي چې د جګړې سپرغیو ته ببوزی وهي. دعوت د دریو لسیزو پدې اوږد او لالهنده سفر کې، د خپلو اصولو په سر نه له چا سره جوړه جاړه کړې او نه یې د څه واخله او څه راکړه سودا کړې ده. دعوت د ټوپک او کوتک په ځای د قلم او رښا مبارزه بریالۍ ګڼي او له کرکۍ څخه، کرکه لري. دعوت د مینې ساندې زمزمه کوي او د پخلاینې له شعار سره ستوني نرموي.
کله چې په ۱۹۹۷ کال کې د دعوت خپروني د رواجي پاڼې په ځای د ویبپاڼې بڼه غوره او د انټرنیټ په نیلۍ سپره شوه، نو غړ یې د نړۍ په ډیرو

(c) ketabton.com: The Digital Library



برخو کي غوړونه پيدا کړل. دا اوسنۍ کليشه يې د يوې پراخې تجربې او ښه ذوق نماينده ګي کوي او ښايسته ډېر څه پکې سترګو، سترګو ته کيږي.
څما کشر ورور او د يو مسلک د لارې لاره وې، محمد طارق بزګر د ښې حوصلې او څرګند لرليد خاوند دی. د مالي او تخنيکي ستونزو سره سره يې و کولای شول تک تنها دومره غټ او درونډ پيټې ته اوږه ښکته کړي او دی ځايګي ته يې را ورسوي.
موږ وليدل چې د روسي ښکيلاک په مهال او بيا وروسته مرحله کې، د خدای بلا ورځپاڼې، مجلې او رقم رقم خپروني را ميدان ته شوې، خو په څومره چټکۍ چې راغلي وې په هماغه سرعت سره تری تم شوې. ولې دعوت د وخت او شرائطو ګواښونو وارخطا نکړ، ميدان يې پری نښود او د منزل په لور خپل مزل يې همداسې جاري وساته. دعوت نن لوستونکي لري، د افغاني رسنيو په کتار کې خپل پرستيژ لري او د خبر او څيړنو د يوې سرچينې په توګه ور باندی حساب کيږي.
هيله مند يم چې دعوت به د تير په څير، په راتلونکي کي هم د خپل دين، ولس او ارزښتونو په څنګ کې وي. تمه لرم چې دعوت او د هغې اړونده خپروني به لا وغوړيږي، لا به وځليږي او لا به ګړندۍ او ميړنۍ شي.

سکرمنتو، کليفورنيا - امريکا

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت سره زما ملګرتیا

استاد عمر پاځون

دعوت سره زما ملګرتیا ډېره پخوانۍ ده چې لسګونو کلونو تـه رسـیږي. دعوت هغه وخت په خاپوړو کې وو په قلم به په څو محـدودو مخونـو کې په لاس لیکلی چاپېده. دا دی اوس دعوت په کمپیوټر او د انترنـت نړۍ کې لوی او بیل ځای لري. دعوت یواځې یوه چاپي جریده نه ده د دې پـــه څنـــګ کـــې څلـــور جـــلا ویبپـــاڼې، دوه پښـــتو او درې: www.dawatmedia24.com، www.afghansabawoon.com، یوه انګلیسي www.dawatmedia.com او یو پښتو ټلویزیوني چینـل www.astv24.com چې لا هـم د کـار لانـدې دی، چـې پـه دې سره دعوت یو رسنیز مرکز دی، یو ځواک دی، یو قوت دی.

زه بوډا شوم خـو خوشـاله یـم چـې دعـوت خپلـه دیرشـمه (۳۰) کلیـزه لمانځي. اوس نو یو سړی په زغرده ویلی شي چې د خپل هېواد څخـه بهر د افغانانو په ځانګړي ډول د پښتنو یوه نړیوال رسنیز مرکـز (دعـوت میډیا) شته. دا ټول د محمد طارق بزګر نه ستړیکیدونکی هلې ځلې دي چې په یـواځې سر د دعـوت جریـده پـه ښـکلی ډول چـاپ او د نـړۍ نېژدې ۵٦ هېوادونو کې خپلو افغانانو او غیر افغانانو ته رسیږي.

د هېواد څخه بهر په مهاجرۍ او د مسافرۍ په ژوند کې د خپل شخصي لګښت څخه د دعوت ۳۰ کاله په پرله پسـي ډول چـاپ، خپـرول او تـر مینه والو رسول څـه اسـان او د هـر چـا د وس کـار نـه دی چـې دا ټـول محمد طارق بزګر صاحب په یواځې سر پرمخ بیایي. نو د لـوی خـدای (ج) په دربار کې ورته اوږد عمر او قلم یې تاند غواړم.

د دعـوت درنـو قلمـي همکـارانو، لوسـتونکو، مینـه والـو او پـه سر کـې فرهنګیانو او فرهنګپالو څخه هیله لرم چې دعوت درنې میـډیا او پـه سر کې د دعوت دروند مشر محمد طارق بزګر صاحب یوازې پـرې نـږدي لکه چې تر اوسه یې یواځې پرېښی نه دی. په راتلونکې کـې همداسـې خپلې ټولې مادي، معنوي او فرهنګي مرستې رواني وساتي، تـر څـو پـه بهر کې زموږ دا فرهنګي / کلتوري شمع تل روښانه وي.

شتوتګارت- جرمنی

(c) ketabton.com: The Digital Library



**دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ**
**او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده**

ډاکټر صلاح الدین سعیدي

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده او د لمر حیثیت لري. هغه لمر چې د هغه په راختو سره د نورو ستورو وجود کم رنګه او یا ډېر ضعیفوي.

زه د دعوت د ویبپاڼې سره له یوې لسیزې زیات ډېر کلک روابط او علایق لرم او د دې پاڼې او نشراتو نه مو پوره ګټه اخېستې او په ټولنه کې د هغې مقام ستر او د افتخار وړ بولم او دی.

الله (ج) دې د دعوت ټولو کارکوونکو او تنظیمونکو ته او په ځانګړي توګه جناب محمد طارق بزګر، تاسې ته اوږد عمر، کامل صحت او نورې بریاوې په برخه کړه. ستاسې با مسؤولیته او ستر تنویري کار د الله (ج) او افغان ملت، افغانستان او انسانیت په ګټه، سولې او ښه تفاهم په ګټه، د قدر وړ، انشاء الله د ستر اجر موجب او ستر کار دی. اجازه راکړئ ستاسې نه د حق د لارې د کلتوري مرکز او د افغان ستراتیژیک مرکز د علمي شورا په نمایندګۍ او د ځان لخوا مننه او قدر داني وکړم. الله (ج) مو نور هم کامیاب او بریالي لره. ومن الله التوفیق

(c) ketabton.com: The Digital Library



**ډېر څه مې له دعوته زده کړه،**
**او ډېر څه نه پکې خبر شوم**

نجم شینواری

د دعوت خپروني د ۲۹ کلیزې په ویاړ!

بزګر صیب! زه به درته ووایم، په ۲۰۰۲ کال چې زه مصر ته د تحصیل لپاره لاړم، نو په عربي هم سم نه پوهیدم، اخبار، تلویزیون هرڅه عربي، یو څه موده و روسته چې مصر کي د پښتوانیو افغان محصلینو سره لړ بلد شو، او د هغو کوټو ته تګ راتګ پیل شو، یوه ورځ مې د یو افغان محصل ګلاب سید په کوټه کي د دعوت خپرونه ولیده، ښه په غور غور مې ولوستله، ډېر مطالب پکي وو چې ماته نوي وو، ما فکر کاوه دعوت خپرونه کوم ملګري چې نوي راغلي هغو ځان سره د پیښور نه یا افغانستان نه راوړې ده، ملګري نه مې وپوښتل دا مو پاکستان نه راوړي..؟ هغه وویل نه. دا له اروپا نه راځي..؟ ما ویل نو څنګه راځي؟ وایي دا په اروپا کي ځیني افغانان چاپوي، او بیا یې پر افغانانو مفته ویشي، وایي تر ما د مخه دا په بنډلونو راتلله، چې چاته راتله هغه محصلین تللی، خو خپرونه اوس هم په دي ادرس راځي... بیا به نو زه هم ورته انتظار وم، چې رابه غله نو هغه به ولوستله، وروسته به زما وار وو.. ډېر څه مې پکي زده کړه، او ډېر څه نه پکي خبر شوم، او ډېرې دعاګاني مو درته هلته کولی.. ولو چې ما تاسي نه پیژندلی... خو قسمت مو وو... او د پیژندګلوۍ هم یو جالبه کیسه ده... که تاسي ته یاده وي... ماته خو یاده ده... خوښ او اباد، سوکاله او د هیواد او ملت خدمت ته تل تاند اوسې.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت رسنۍ، نهه ویشت کلنه شوه

عظیم الدین علیمي

دعوت رسنۍ نهه ویشت کلنه شوه. څه د پاسه شل کاله د دعوت میاشتنۍ خپروني د لوستني ویاړ را په برخه دی. دعوت د خپل نشراتي ژوند بشپړتیایي پړاوونه په ډېره ښه توګه وهلي او د رسنیو په کتار کې یې خپل ویاړلی ځای موندلی دی. دعوت په ډېر لږ وخت کې د هیواد د ادیبو، ژبپوهو، تاریخپوهو، ټولنپوهو، سیاستپوهو او په نورو برخو د مسلکي لیکوالانو پام ځان ته وراړولی او د هغوي همکاري یې خپله کړې چې په پایله کې د نشراتي ډګر ځلانده خپرونه ګرځیدلې او په زرګونو لوستونکي یې موندلي دي.

په تېرو کلونو کې دعوت په بشپړې ناپلوۍ سره د هیواد ستونزې له ملي دریځه څېړلي او د هیوادوالو د اذهانو په روښانتیا کې یې خپله ملي دنده ترسره کړې ده.

د دعوت میاشتنۍ خپروني له لارې، د افغانستان ځوریدلو خلکو ته د خدمت په موخه، د رسنۍ د مؤسس او د امتیاز د خاوند، ښاغلي محمد طارق بزګر، شپه ورځنۍ هڅې او زیار د ډېر قدر او ستاینې وړ دي.

د دعوت خپروني د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت ښاغلي بزګر صیب، د خپروني قلمي همکارانو او لوستونکو ته مبارکي وایم او د بزګر صیب د لا زیاتي بریا هیله کوم.

هیره دې نه وي چې ښاغلي محمد طارق بزګر د دعوت میډیا ۲۴ په نامه د ویبپاڼې خپروونکی هم ده. دې لارې یې هم د قدر وړ خدمتونه ترسره کړي او تر سره کوي یې.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## سالروز «دعوت میدیا» خجسته باد!

استاد صباح

برادر گرامی، محمد طارق «بزگر»، دست اندرکاران کمپلکس دعوت میدیا و خواننده گان گران قدر دعوت، فرا رسیدن سالروز دعوت را صمیمانه و مخلصانه تبریک عرض نموده، سعادتمندی، کامگاری و موفقیت های شمارا تمنا دارم.

دعوت میدیا طی موجودیت پُر بار خویش، کار های زیاد تاریخی، روشنگری، تحلیلی و ادبی و فرهنگی را انجام داده است که بدون مبالغه یک سر و گردن از دیگران بیشتر درخشیده است.

اکنون دعوت در خانه خانهء هموطنانش راه باز کرده و حتی در کانادا و امریکا، علاقه مندان و خواننده گانی فراوان دارد.

دعوت، مردانه و رسالت مندانه در پرتو آزادی قلم و بیان بدبختی و فلاکت ملت را منعکس و بیشتر روی قضایای ملی و میهنی و چور و چپاول سرمایه های وطن و مسایل گسترده متمرکز بوده است.

حافظ، وظیفهء تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که نشنید یا شنید

در فرجام برای همهء تان صحت و سعادت و برای میهن آبادی و ترقی تمنا دارم و آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



**دعوت له هماغه لومړۍ ورځې**
**خپل روښانه افغاني دریځ درلود**
ډاکټر لطیف یاد

د دعوت درنه پاڼه چې د ۱۹۸۸ زیږدیز کال د دسامبر د میاشتې نه یې د ناروې په هیواد کې خپلې خپرونې پیل کړې دي د هیواد د نامتو ژورنالیسټ او لیکوال ښاغلي محمد طارق بزګر صیب په مشرۍ خپرېږي. د خپریدو له هماغه لومړۍ ورځې نه یې خپل روښانه افغاني دریځ درلود او ویې شول کولای چې د نورو افغاني خپرونو تر څنګ چې په بهر کې خپریدلې، خپل افغاني رسالت په ښه توګه سرته ورسوي او ښه وځلیږي.
دعوت د پښتو ژبې، ژبپوهنې، دینې، ټولنیزو، تاریخي، فرهنګي، کلتوري او علمي برخو کې د خپل تاسیس له لومړۍ ورځې نه تر اوسه پورې چې دا دی نهه ویشت کلونه یې پوره کیږي، ډیر په زړه پورې مطالب خپروي او خپاره کړي یې دي.
د دعوت میډیا سینټر په برکت اوس دعوت په پښتو، دري او انګریزي ژبو هم خپرونې کوي چې دغه ګام یې په رښتیا سره هم د قدر او ستایني وړبولم.
زه د دعوت د ویاړلې پاڼې د نهه ویشتمې کالیزې په ویاړ ښاغلی بزګر صیب ته مبارکی وایم او ده ته د لا زیاتو بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزګر

عاشق فنا

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزګر د اوسنی نړیوال سیاسی- کلتوري تاریخ زرینی پاڼی دي. په دی زرینو پاڼو به کتابونه ولیکل شی او د بشری افتخاراتو په خزانه کی به خپل ځلانده او روښانه ځای ولری. طارق بزګر، دعوت او دعوت میډیا د افغانستان او افغانانو په ټولنیز ژوند کی د نوښت، بدلون او مثبت پرمختګ، علمی او منطقی زیری دی.
بزګر، دعوت او دعوت میډیا هغه انسانی روښانه څراغونه دي چی د ټولنی تاریکو برخو ته د علم، سعادت، پرمختګ، آزادۍ او خپلواکۍ رڼا خوروي.
د دعوت هره شیبه، هر ساعت، هره ورځ او هر کال دې ټول بشریت ته مبارک شي!

عاشق لونګین فنا

مبتکر و صاحب امتیاز مدال جهانی «انسانیت، صلح، علم»

(c) ketabton.com: The Digital Library



## بیست و نُه ساله گی رسانۀ دعوت میدیا پُر میمنت

ف. هیرمند

مدت زیادی نمی شود که نوشته های ناچیزم را به وبسایت «دعوت میدیا» می فرستم که جناب طارق بزگر اداره و رهبری آن را عهد دار می باشد. این رسانه به دلیل نشرات ملی گرایانه اش، خواننده گان بی حساب دارد و با انتشار مسایل و مطالب روشنگرانه و وطنی و ملی خود عطش خواننده گان بی حساب هموطن خود را فرو می نشاند.

رسانه ای که مقتضیات زمان را بداند و به این درک اش مطمئن باشد که سرزمینی که برای خاک و مردمش نشرات دارد، نیازمند دریافت مطالب، اطلاعات و معلومات مشخص می باشد.

این کشور در وضعیت وخیمی به سر می برد و نیاز اساسی دارد که در تحکیم و صیانت اتحاد باشنده گان آن کار خالصانۀ نشراتی به عمل آید و با این انتشارات، وحدت آنان هرچه بیشتر استحکام یابد و از ارزش های سرزمین یک پارچه و واحد کشور در هر گام تبلیغاتی، نگهبانی شده و در همین روند از دارایی های مادی و معنوی و هر داشتۀ افغانستان حراست به عمل آید.

وبسایت «دعوت میدیا» در این عرصه ها با مسؤولیت و حساسیت قابل توجه کار و نشرات می نماید و مساعی به خرج می دهد تا این آرمان ها با دقت و مؤثریت مطلوب تحقق یابند.

برای جناب طارق بزگر و سایر گردانندە گان نجیب این رسانه دعا و تمنای پیشرفت های بیشتر و بیشتر را دارم. افتخار ماحصل فعالیت رسانۀ دعوت میدیا به همۀ شما مبارک!

(c) ketabton.com: The Digital Library



**د دعوت درویشتمه کلیزه دې مبارکه وې**

انجنیر فضل احمد افغان

زما ګران ده فضل او پوهی خاوند ورور جناب محمد طارق جان بزګرصاحب ته ده زړه له کومي سلامونه او نیکې هیلی تقدیمه وم.
زه ډیر خوشحاله یم چه د دری کالو را په دیخواه ستاسی د ډیر درونډ علمی، دینی، سیاسي او اجتماعی ویبپاڼې نه استفاده او ډیری ارزشمنده زده کړې ورنه کوم. زه په اطمینان سره ویلای شم هغو وطنوالو چه په تیرو درویشت کالو کی ستاسی د دعوت خپرونو نه ګټې پورته کړی وي باید اوس په دینی، سیاسي او اجتماعي علومو کی لکه یو اکادیمسین په څیر د ملي او بین المللی چارو باندیې هر اړخیز بحث او لیکنی وکړی.
زه ویاړم چه د دعوت د ویبپاڼی سره اړیکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپې او ورځې مو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دین، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم او د دعوت درویشتمه کالیزه د زړه له کومی تاسی او ټولو ګرانو وطنوالو ته مبارکی وایم. خدای دی مل شه!

(c) ketabton.com: The Digital Library



## بیست و سومین سال پُر فیض دعوت مبارک باد!

انجنیر فضل احمد افغان

برادر دانشمند و نهایت گران قدر جناب محمد طارق جان بزگر با عرض سلام های آگنده از محبت، اذعان می دارم که من در مدت سه سال اخیر با داشتن افتخار استفاده از ویبسایت وزین دعوت، توفیق حاصل نموده ام که با دور نمودن پرده های تاریک، بی علمی خود را با مسائل سیاسی، اجتماعی و علوم دینی منتشرهء ویبسایت وزین دعوت تنویر کنم. به یقین آن خواهران و برادران هموطنم که در بیست و سه سال گذشته از نوشته های علمی دانشمندان نخبهء کشور عزیز ما در دعوت مستفید شده اند، امروز به حیث شخصیت های علمی برای نسل های امروزی و بعدی رهنمای خوبی خواهند بود. لهذا وظیفهء خود می دانم که با قدردانی از زحمات شما در پیشبرد وظیفهء مقدس ملی که عبارت از تنویر و آگاهی هموطنان از اندیشه های علمی دانشمندان و شخصیت های ملی هموطن ما، خاصتاً در این مقطع زمانی که مادروطن عزیز در آتش جنایتکاران داخلی و خارجی می سوزد، میباشد. این مؤفقیت بزرگ را به شما برادر عزیز و هموطنان میهن دوست خاصتاً دانشمندان گران قدر که با استفاده از دعوت و نوشته های ارزشمند علمی شان ما را تنویر می کنند، از صمیم قلب تبریک عرض و از بارگاهٔ خداوند متعال، آرزوی مؤفقیت های مزید شما را می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## د اديسی ادبی ټولنی پيغام

پښتون هر وخت د توپک او جنګ په دوستور وياړلی دی، ده دا دوستور لمانځلی دی، او د تاريخ پاڼی يی هم په د دستور رنګينی کړی دی، نو ځکه د پښتانه په کور کی د جنګ او د دغه وياړلی تاريخ دغه بدرنګ دستور لا تر اوسه هم لمانځلی کيږی؛ خو بل طرف پوهه او قلم دی چی ننی پرمختللی جهان تری برخمن دی او راتلونکی يی هم روښانه ښکاری، مګر پښتنو پدی برخه کی ډير کم فکر کړی دی چی د پوهی او قلم سړی د سر سړی بلل کيږی، خو دا بيا زموږ ګاونډيو هيوادونو درک کړی ده چی زموږ د پوهی او د قلم سړی يا د مرګ کندی ته ورغورځوی، يا دوی بايد د غربت شپی د بل په ديار کی صبا کړی او موږ لا تر اوسه پدی فکر کی نه شوو چی د پوهی او د قلم خاوندان بايد ولمانځل شی، ونازول شی، تر څو پدی لار کی نور خواری هم وکړی.

جنګ په هر رنګه حلاتو کی پښتون ګټلی دی، خو ارامه او هوسا ژوند نلری. علت يی دا دی چی پښتون جنګ ګټلی دی، خو قلم يی بايللی دی.

د افغانستان په ټولنه کی عموماً ډيرو کمو خلکو ديته پام شوی دی چی علم او پوهه د يوه هيواد راتلونکی مسير ټاکی. هغه چا چی د علم او پوهی څخه ګټه ليدلی او تری خوشاله دی، ځکه چی ده په دغه لاره کی ډير زيار او زحمت ايستلی دی چی نورو ته يی هم ګټه ورسيږی، ژورناليست، ليکوال ښاغلی محمد طارق بزګر صيب يادوم.

ښاغلی بزګر صيب د ژوند په دغه راز پوهيدلی دی چی علم او پوهه د انسان راتلونکی تقدير او تدبير کی جوړونکی رول لری، او همدغه علمی پوهه ده چی نن انسان تر مريخه هم رسيدلی دی.

ښاغلی بزګر صيب د پښتنو او پښتو ژبی له حاله خبر سړی دی، او ده محترم دا درک کړی ده چی هر انسان باندی خپله ژبه، وطن، او خپل اولس دا حق لری چی ورته خدمت وکړی، نو ځکه بايد سړی په ځان شپه او ورځ يوه کړی او عملی کار وکړی.

(c) ketabton.com: The Digital Library



ښاغلی بزگر صیب دا په ثبوت رسولی ده ، چی همدم گړی د دعوت ورځپاڼی او دعوت ویب پاڼی چلونکی مسوول دی، او همدارنگه په علمی سیمنارونو کی برخه اخسیتل، ژورنالیستکی او ادبی هلی ځلی یی بله بیلگه ده.

ښاغلی بزگر صیب د ملی یوالی په برخه کی هم بی تفاوته نه دی پاتی شوی، او نن یی خپل ځان تر هغه سرحده رسولی چی موږ یی باید قدر وکړو او ستاینه یی وکړو.

د ښاغلی بزگر صیب د لمانځلو ورځ به نورو ته هم دا جرات ورکړی چی دوی به هم په دی لار کی زیار او زحمت وباسی، او په دی به پوه شی چی عالم او پوه انسان د قدر وړ دی او بس.

ښاغلی بزگر صیب ته د اوږد ژوند هیله لرو، په علم، پوهه او قلم یی برکت شه او په اخیر کی د سویډن په هیواد کی زموږ مسافر میشتی ورونه ((د زلمو پاڅون)) ته د ښاغلی بزگر صیب د لمانځلو ورځی مبارکی وایو، ستاسو په همت او وطنپرستی افرین. ستاسو د لا نورو بریاو په هیله.

د ادیسی ادبی ټولنی مشرتابه شورا

(c) ketabton.com: The Digital Library



## دعوت د هر چا نظر او هیلي خپرې کړې دی

نیک هدایت ځاځی

نیکې هیلي او سلا مونه!

زه د دعوت اخبار ۲۳ کلنۍ په اړوند او همدارنګه دعوت ویبپاڼي او د پښتو لمړني انترنېتي تلویزیون په اړوند کوم چه په ډیرو مالي مشکلاتو او کمو امکاناتو د هیواد تکړه او پر افغانستان مین خبریال او لیکوال قدرمن محمدطارق بزګر تر مدیریت او مسئولیت لاندي په کار او فعالیت شروع کړي ده، خورا اغیزمن او مثبت ارزوم؛ ځکه چي د هر چا نظر، هیلي یي په دعوت کي خپرې کړې دې؛ پوره بې طرفي، استقلالیت، رښتینولي او د هیواد د وولسونو، قومونو، لیکوالانو او شاعرانو نظرونه او شعرونه یي کټ مټ نشر ته سپارلي دي. نو له دې کبله دعوت ۲۳ کلیزه د دعوت رهبرۍ هیئت، همکارانو، لوستونکو او ټول افغان وولس ته د زړه له کومي مبارکي وایم. د لوي خدای (ج) له درباره ورته لاډیرې بریاوې غواړم. ورسره هیله کوم چي افغانان دعوت اخبار، ویب پاڼې او د لمړني پښتو ټلویزیون سره تر خپل توان پوري مالي مرستي وکړي، ترڅو دعوت اخبار او دعوت ټلویزیون لاغني شي.

ستاسو لابریاوي زما هیله او ارزو ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library



## زه د دعوت د مجلې او ورسره موازي د ويب پاڼې تاثير خورا لوی بولم

محمد اياز نوري

د دعوت د رسنيو د مرکز محترم مشر، افغان ملي شخصيت محمد طارق بزګر او ملګرو ته! سلامونه او شې هيلې وړاندې کوم. ستاسو د دعوت د مجلې او ويب پاڼې درويشت کلنه کليزه د زړه له کومې درته مبارکي وايم. غواړم په اضافه عرض کړم، چې د دعوت د مرکز موجوديت او خپرونې زمونږ د افغاني ټولنې د اکثرو په ژبه يعنې په وياړمنه پښتو ژبه دا پخپله د لمړي او بنسټيز لوی اهميت وړ موضوع ده، ځکه زمونږ ملي ژبه پښتو ډېره محکومه پاتې شوې او ډېر ظلم او خيانت ورسره شوئ او دا کرغيړنه لړی همدا اوس هم روانه ده. په دې بهير کې زه د دعوت د مجلې او ورسره موازي د ويب پاڼې تاثير خورا لوی بولم او په ځانګړې توګه د خپل ورور د افغان ملت خدمتګار محمد طارق بزګر صاحب زيار او قرباني ډېره ستايم. که د بزګر صاحب ملي احساس او مستمر زيار نه وای د دعوت نشراتي مرکز به نن داسې لوړ برياليتوب ته نه وای رسيدلی.

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقيقت په ويلو استوار ول او دي. قلمي همکاران يې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې يوه رسنۍ د يوه واقعاً ملي مبارز شخصيت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کيږي، معلومه ده، چې هلته ملي خاين ور نشي ورټکولای.

د دعوت انټرنټي جال هم ډېر ښه پرمختګ کړئ او کافي افغانان يې په دننه د هيواد او بهر کې هره ورځ او شپه ګوري او خپله لازمه استفاده ورڅخه کوي.

د دعوت د ويب پاڼې په هکله زما يو وړانديز دا دئ، چې د هر ليکوال په نوم، يوه د آرشيف او اسناد ساتلو کوټه پکې ضرور ده، د ليکوالانو د آرشيف په نوم چې که خپله اړونده ليکوال او يا هم بل محترم لوستونکی وغواړي، څه مطلب ته مراجعه وکړي او په سهولت سره هغه مطلب ورته تيار او ورپه لاس ورشي.

(c) ketabton.com: The Digital Library



زه د یوه افغان په حیث، چې هیواد او ملت مې ډېر راته ګران دئ د دعوت د نشراتي مرکز ۲۳ کلني هر افغان پال او آزادی پال وطنوال ته ورمبارکوم. عالیقدر محمد طارق بزګر صاحب ته شه روغتیایي حالت نوي او نوي بریالیتوبونه په شخصي او ملي ژوند کې د لوی الله څخه غواړم. بزګر صاحب! یوازې نه یې او ملت درسره ولاړ دئ.

په درنښت او افغاني احساس سره
د افغانستان یو خدمتګار
محمد ایاز نوری

(c) ketabton.com: The Digital Library



## منه، ستاينه او خواله

استاد محمد اسمعیل یون

ښاغلی فرهنګپال او فرهنګپال محمد طارق بزګر ته!

سلامونه او احترامونه مې ومنه، هيله لرم په ټولو نيکو ورځنيو چارو کې بريمن اوسې. تير کال مې پېښور کې د ((دعوت)) يوه ګڼه ترلاسه کړه> رښتيا خبره ده چې سترګې مې پرې خوږې او د زړه باد مې پرې کيناسته. ډيره موده کېده چې د داسې يوې خپرونې په لټه کې وم چې زموږ د ورځني ژوند د ناخوالو انځورګره وي، خو د ډيرو خپرونو کتنه او د هغو له چلوونکو سره به مو چې ليدنه وکړه نو چا به د ټاکلې ((پاليسۍ)) په وجه، چا د ((مجبوريت))، چا به د ((نزاکت)) د ساتلو په وجه د ټکېدلو زړونو د فريادونو له خپرولو او د پېښو د پېښوونکو د څيرو له ښکارندويي څخه اوړې تشولې. خو دلته هم د ځينو اشخاصو له خوا ځينې وختونه يوه نيمه داسې هڅه شوې ده چې زموږ د ډيرو دردونو د يوه درد انځورنه پکې وي، خو داسې خلاص مټ او زغرده توګه چې ((دعوت)) د پېښو څرګندونه کوي، زموږ په اوسنيو خپرونو کې يې بيلګې ډيرې لږې دي. په ځانګړي ډول هغه ستر او ملي رسالت چې خپرونې يې بايد پوره کړي، هغه په دعوت کې زياته ځلا او تجلا مومي.

آره خبره خو دا ده چې ډير کلونه کيږي زموږ د ژبې، فرهنګ او ملي هويت رنګونې او له منځه وړلو لپاره د نژدې او لرې دښمنانو له خوا ښکاره او پټې هڅې روانې دي، خو اوس اوس دا هڅې په بشپړ ډول څرګندې او په ډاګه شوي دي. دا ستم له پخوا کلونو راهيسې هم روان وو، نو که چا د پښتو او پښتنو د حقوقو د غوښتنې خبره رادمخه کړې واى، نو سمدلاسه پرې څو ډوله رنګينه ټاپې لګول کېدې. د ((ملحد واکۍ)) په شپو ورځو کې که چا د پښتو خبره رامنځته کړې واى نو هغه خو د ((فاشست)) په نوم يوې کندې ته غورځول کېده، خو د نورو قومونو او ژبو په ځانګړي ډول د ((فارسي)) له پاره بيا خبره سرچپه وه. کوم (پښتانه) [!] چې په دې پړاو کې پر څوکۍ ناست وو هغو ځانونه (انترناسيولستان) [!] بلل، کله چې ((ملا واکي)) راغله نو دوى خو لا

(c) ketabton.com: The Digital Library



نور هم په پښتو او پښتنو خاورې واړولې او ویې ویل پښتو او پښتونولی خو په اسلام کې نشته، د اسلامي حکومت پر نوم چې کومه اخوانی ستمي، پرچمي ستمي او ستمي اداره په کابل کې جوړه شوه د نورو بې شمیره ورانیو تر څنګ یې د افغاني ـ پښتنی ارزښتونو او کلتوري شتمنیو په ړنګوني او لوټوني پیل وکړ. دې کار کې له دوی سره د سیمې ځینې هېوادونو د افغانستان او په خانګړې ډول د پښتنو لرې او نژدې، نوو او زړو دښمنانو هم ګډون درلود او لري یې.

لکه څنګه چې څرګنده ده د روس په ماتې او په شا تمبولو کې پښتنو غوڅ او ټاکوونکی رول درلود، خو بیا هم له هغو وروسته د اسلامي حکومت په نوم یو پښتنی ضد ناندریزه اداره جوړه شوه د ((شني لیکی)) پیروانو ځانونه په لوی سمندر کې لاهو کړي وو، ځانونه یې د ((پان اسلامستان)) ګڼل او د خپلې ژبې او قوم په باب یې هغه د چا خبره غوړ هم نه ګراوه. په پایله کې پښتانه په ټولیز (کلي) توګه په څو ډلو وویشل شول: [۱] انترناسیونالستان (د سرې لیکی پلویان)، [۲] پان اسلامستان (د شني لیکي پلویان)، [۳] بې تفاوتان (بې خبره پښتانه)، [۴] پښتو ضد پښتانه یا ستمي پښتانه (هغه پښتانه چې خپله ژبه یې هېره کړې او عملاً د پښتو په ضد ودریږي)، [۵] روڼ اندي (روڼفکره) باشعوره پښتانه (هغه پښتانه چې هم د اند، هم د احساس له مخې عملاً پښتو ژبې، هېواد او پښتونولۍ ته خدمت کوي. د دې ډول پښتنو شمیر ډیر زیات نه دی، ایله دومره ځواک لري چې له ستمي پښتنو سره یې مقابله کې ولګوي. د انترناسیونالستانو او پان اسلامستو پښتنو غم خو لا پریږده چې وخت په وخت یې پښتو ژبې او پښتنو ته درانه زیانونه اړولي دي.

کله چې مې د ((دعوت)) خپرونه ولوسته د دغو ټکو او پېښو انځورونه مې پکې ولوستل. د ناوړه پېښو له لوبغاړو څخه پکې پرده پورته اوچته شوې او نوره هم اوچتیږي. موږ خو اوس لاس تړلي، او فکر تړلي اولس یوو، خو د احساس لاسونه او پښې مو څوک نشي تړلی.

تر کومه ځایه چې په نورو ژبو او لږکیو قومونو پورې اړوندیږي، پښتو پالنه او یا پښتونولي د چا له ژبې سره د کینې او تعصب مانا نه لري. روڼ اندي پښتانه په دې اند دي هغه حق چې فارسي ژبو ځان ته

(c) ketabton.com: The Digital Library



حاصل کړي او ساتلی، پښتانه هم باید ورڅخه برخمن شي. پخپله ژبه لیک لوست، وینا او ګړېدل جرم نه دی. او که دا کار جرم وګڼل شي نو د نړۍ ټول قومونه مجرمین دي.

ښاغلی بزګر صاحب! موږ اوس په هېواد کې له نوموړې ستونزې سره مخ یوو، زموږ د زړونو په درد تاسو ښه پوهیږئ، ځکه چې همدا درد ستاسو په زړه کې هم څپې وهي. مونږ به هڅه وکړو د پورتنیو اندیښنو او ستونزو په باب تاسو ته څه لیکنې دروليږو، خو مونږ او ستاسو تر منځ غرونه، غرونه، سیندونه، سیندونه او هېوادونه، هېوادونه فزیکي واټن دی، که لیکونه او لیکنې مو ناوخته دررسیدلی، نو دا به د زړونو واټن نه وي بلکې د فزیکي مزلونو واټن او د وسیلو او وسایطو د نشتون لامل (علت) به وي.

په مینه او درناوی
ستا د پښتنی او انسانی لارې یو بل یون
مارچ ۴/ ۱۹۹۶- پېښور

(c) ketabton.com: The Digital Library



## په سټوکهولم کې ښاغلي محمد طارق بزګر وياړشو
د زلمو پاڅون ټولنه

د زلمو پاڅون ټولنې په نوښت، د ژمني سره سم د ۲۰۱۱ کال د ډیسمبر په لسمه په سټوکهولم کې د ګران هیواد افغانستان د ویاړمن فرهنګي شخصیت او نومیالي ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزګر په درناوی، ستاینغونډه جوړه شوه. دې غونډې کې د سویډن د مالمو ښار او د سټوکهولم له بېلابېلو کمیونونو څخه افغانانو ګډون کړی وو. ډیری ګډونوال د هیواد ځوان پښت وو. یو شمیر یې د زلمو پاڅون ټولنې غړي او په ټوله کې د هیواد راتلونکي علمي او فرهنګي شتمني ده چې پخپل ګډون سره یې غونډه لا پرتمینه کړې وه. د راغلو میلمنو په منځ کې ښاغلی حبیب الله غمخور له مالموښار څخه دې غونډې سره د مالمو میشتو افغانانو د یووالي او پیوستون بېلګه انځور کړې وه.

غونډې ته د ناکې کمیون (Nacka kommun) د لوړ ښوونځي (لیسه) په کنفرانس هال کې تیاری نیول شوې و چې د زلمو لخوا په پوره نظم او ترتیب سره مخې ته بیول کېده.

غونډه په یوه بجه د ښاغلي قاري واسع لخوا د قرانکریم د څو مبارکو ایتونو په تلاوت پیل شوه، ورپسې د افغانستان ملي سرود وغږول شو. روسته ښاغلي انعام هوسا چې د غونډې د کوربه توب چارې یې پر مخ بیولې، ښاغلي محمد طارق بزګر، ښاغلي حبیب الله غمخور او ښاغلي سرلوڅ مرادزي ته بلنه ورکړه چې د غونډې په دریځ (لوژ) کې خپلو ځایونو ته ولاړ شي. ورپسې ښاغلي هوسا د پاڅون ټولنې یو مشر غړي نصرت الله ننګرهاري ته بلنه ورکړه چې د ټولنې په استازیتوب میلمنو ته ښه راغلاست ووایي او د زلمو پاڅون ټولنې په اړه د غونډې برخوالو ته لنډ مالومات ورکړي، چې د ښاغلی ننګرهاري له خبرو وروسته د ناروې څخه د ښاغلی قریب الرحمن سعید پیغام ولوستل شو.

د غونډې ویاند ښاغلی سرلوڅ مرادزی ته بلنه ورکړه چې مایک ته راشي، چې ښاغلی مرادزي د سټوکهولم د استوګنو په استازیتوب یې ښاغلي بزګر او د غونډې نور ګډونوالو ته هرکلی او ښه راغلاست ووایه.

(c) ketabton.com: The Digital Library



نوموړي د بزګر صاحب د ۲۳ کلن وياړمن فرهنګي خدمت ستاينه وکړه. هغه، ښاغلی بزګر د هيواد ملي ګټو او د افغانانو ملي يووالي ته ژمن شخصيت وباله او د مهاجرت په شرايطو کې يې د ښاغلي بزګر په نوښت او ميړانه د د عوت د جريدې او په را روسته کې ورسره د بريښناپاڼې په بريا چلولو کې د نوموړي هڅې او زيار د قدر وړ وګڼه. هغه په وينا کې زياته کړه، دا چې بزګر صاحب غواړي نږدې راتلونکې کې په پښتو ملي ژبه يو نړيوال تلويزيون فعال کړي او په دې لار کې نه ستړې کېدونکې هڅې کوي. داسې زيار يې د ټولو افغانانو زړه ته لار کړي.

د ښاغلی سرلوڅ مرادزي له عالمانه او هر اړخيزو خبرو وروسته د فرانسې څخه د درونډ استاد روستار تره کي پيغام د غونډې ګډونوالو ته واورول شو. له دې روسته يو زيات شمير پيغامونه چې د نړۍ له بېلا بېلو هيوادونو او لويو وچو څخه د هيواد دردمنو ليکوالانو، شاعرانو، ژورناليستانو، د ادبي او فرهنګي ټولنو مشرانو او استازو د ښاغلي بزګر په وياړ او درناوۍ راليږلي وو او په هغو کې د بزګر صاحب ۲۳ کلن فرهنګي هڅې او د ژورناليزم په ډګر کې د نوموړي د زيار او هاند ستاينه شوې، د ځوانانو لخوا غونډې ته يو په بل پسې په لاندې ډول چې په اوږدو چک چکو بدرګه کېدل په لاندې ډول ولوستل شول:

ښاغلي سيف الرحمان شيرزاد د ښاغلي پوهنمل رحمت ځواکمن پيغام له هالنډ څخه، ښاغلي بشرکار د ښاغلي حاجي ولي محمد (ګلستان) پيغام له کوټې څخه، ښاغلي همايون ننګرهاري د نيک هدايت ځاځي پيغام، ښاغلي سمندر خان د ښاغلي انجينر فضل احمد افغان پيغام له کاناډا څخه، ښاغلي جاويد مومند د عمر پاڅون پيغام له جرمني څخه، د مالمو څخه د ډاکټر حکمت الله حکمت پيغام، د مسکو څخه د ښاغلی امرالدين شعر د بزګر په وياړ ولوستل شو. د کابل څخه د ښاغلي قدرت الله هېوادپال پيغام، د بلژيک څخه د ښاغلی امين باوري پيغام او د اوکراين د اديسې ادبي ټولنې پيغام. له دې سربېره د وخت د کمښت په لامل د يو شمير نورو پيغامونو لنډيز د غونډې د چارو د کوربه

(c) ketabton.com: The Digital Library



ښاغلي انعام هوسا لخوا ولوستل شو چې ګډونوالو پخپلو تودو ولولو بدرګه کړ.
د غونډې ورپسې ویناوال له مالموښار څخه راغلی دروند میلمه ښاغلی حبیب الله غمخور و چې په زړه پورې وینا سره یې د غونډې ګډونوال برخمن کړل. نوموړي د خپلې وینا په یوه برخه کې وویل: زما له نظره ښاغلی محمد طارق بزګر نه یوازې فرهنګی شخصیت دی بلکې یوکارنده ژورنالست او تکړه لیکوال هم دی. د دعوت جریدې لپاره تولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم لیکل شوي چې د ده د پوهې او وطني مینې ښکاره بېلګه یې ګڼلای سو.
ښاغلی محمد طارق بزګر نه یوازي د بیلوبیلو مقالو په لیکلوسره بلکې د (۲۳) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ایزو رسنیو په اسمان کښې د دعوت په نوم جریدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې یې نه یوازې دا چې د خپلو لیکوالو او سیاسي څېړونکو نظریات تر هیوادوالو او نړیوالو رسولي، دا دې اوس یې د ۱۹۹۷ کال راپه دیخوا د دعوت جریدې د خپرېدو تر څنګ دعوت ویب پاڼه پرانیستې او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان لیکوالو ته د خپلو نظریاتو، علمي او ادبي لیکنو د خپرولو پوره امکانات برابر کړي دي.
ښاغلی غمخور د خپلو خبرو په ترڅ کې وویل چې بزګر د نړیوالو لیکوالو او ژورنالستانو له خوا یاد شوي او مننه ترې شوې ده او د خپلې دې خبرې له پاره یې د امریکایی لیکوال ښاغلی بروس ریچاردسن د کتاب حواله ورکړه چې پښتو ژباړه یې ((افغانستان: رښتیا پلټنه)) نومیږي، چې دا د ټولو افغانانو له پاره د ویاړ ځای دی او د دغه کتاب لیکوال د ښاغلی بزګر څخه په دغه کتاب کې مننه او یادونه کړې ده.
ښاغلي غمخور، بزګر صاحب ته راوړې ډالۍ ورکړه، چې ښاغلي بزګر په ډېرې مننې سره واخیسته.
بل ویناوال ښاغلی حفیظ الدین پیرزاده و چې د بزګر صاحب د فرهنګي او ژورنالیستي ګټورو خدمتونو ستاینه یې وکړه او د ستر لیکوال او شاعر ګل پاچا الفت په خوږو شعرونو سره یې غونډه توده کړه.
همداراز ښاغلي ډګروال حلیمي صاحب هم پخپل وار سره د بزګر

(c) ketabton.com: The Digital Library



صاحب د فرهنګي هڅو په وياړ خپلې څرګندونې نذرانه کړې او د ښاغلي بزګر د تېز او غوځنده قلم ستاينه يې وکړه.
د غونډې د چارو کوربه د چای او دمې لپاره نيم ساعت اعلام کړ او له چای روسته د ښاغلي بزګر په ژوند يو لنډ مستند فيلم وښودل شو چې زلمو پاڅون ټولنې جوړکړی وو.
د غونډې په روستۍ برخه کې بزګر صاحب وينا وکړه او د خپل ژوند لنډ سفر قصه يې ميلمنو ته بيان کړه چې د ګډونوالو د پوره پاملرنې وړ وګرځېده.
بزګر صاحب د زلمو پاڅون ټولنې څخه د غونډې د کوربتوب په اړه مننه وکړه. همدارنګه ښاغلي بزګر د هغه افغاني وياړمنو شخصيتونو او فرهنګي ادبي ټولنو څخه چې د ده په وياړ يې پيغامونه رالستولي وو، دوی ته کوروداني ووايه او د دوی له پيغامونو څخه يې بيا بيا مننه څرګنده کړه.
ښاغلی بزګر په خپلو خبرو کې بيا بيا وويل چې زه ځان د دې وړ نه ګڼم! څه چې ما کړي يوازې د يو افغان او پښتون په توګه مې تر خپله وسه خپل مسئوليت پوره کړی دی. او که خبره د دعوت وي د دعوت بريالیتوب د دعوت د ټولو ليکوالو او هغو دوستانو دی چې تل يې د خپل وس په اندازه په تيرو ۲۳ کلونو کې د دعوت د ادارې سره قلمي، مادي او معنوي مرستې کړې دي.
بل خوا بزګر صاحب له خپلې خوا څخه د دعوت اخبار يو کوليکسيون، د زلمو پاڅون ټولنې ته ډالۍ کړ او په همدې توګه يې يو کوليکسيون ښاغلي غمخور صاحب ته هم ډالۍ کړ.
په پای کې د زلمو پاڅون ټولنې لخوا يو ستاينليک ښاغلی بزګر صاحب ته د ښاغلي ډاکټر سرلوځ مرادزی او د ښاغلی حبيب الله غمخور په لاس ورکړ شو. غونډه د څلور بجو شاوخوا کې پايته ورسېده. د غونډې ويديويي فلم او هم د کتاب بڼه به وروسته خپره شي!

درې نۍ د ۱۳۹۸ لمريز کال د غويي ۱۰

(c) ketabton.com: The Digital Library



# ګران محمد طارق بزګر

محمد یوسف هیواددوست

یادونه:
د دغه شان یو مدبر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر، شتون په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی. ستر مشر محمد ګل خان مومند:

پښتو د بڼ چونې یم شور به کړمه پښتنو ته
تل دوي ته په وینا یم که وم وم که نه وم نه یم

زما خبرې تل سپیني دي او له همدې امله هیڅ مجبور نه یم یا د چا بې ځایه توصیف او تعریف وکړم او یا یې بې ځایه وغندم. د ښاغلي محمد طارق بزګر صیب کار د منلو وړ دی او پوره باور لرم چې د هیواد د ژورنالیزم او په تېره بیا له هیواد څخه د باندې د افغاني ژورنالیزم تاریخ به د هغوی نوم هم په زرینو کرښو ولیکي، دا ځکه چې پوره ۳۱ کاله کیږي چې د ګران افغانستان د ژورنالیزم او ادب د ګلالي بڼ دغه عندلیب او د دغه په زړه پورې بڼ دغه مالیار سره له دې چې له هیواده د باندې په ناروې کې د مجبوریت او مهاجرت ژوند ور په غاړه شوي، زموږ د تمدن زېږونکي هیواد د تاریخ او زموږ د فرهنګپاله ولس د پایښت او ښایست ترانې غږولي، په لکونو مخه پاڼې یې تورې کړې، په شپو شپو تر سهاره ناست او د اخبار ډیزاین، ښرنګوالی او د مطالبو د ځای پر ځای کولو مشقت یې پر ځان تېر کړی. په لکونو واره یې تا او ما ته ټیلیفونه کړي، فاکس او تیلګرام ته ناست و او له هر چا یې د اخبار لپاره د مطالبو د لیکلو هیله کړې. د وطن په غرو رغو، ښارونو او له خطر نه ډکو سیمو کې د مظلوم غږ تر نورو رسولی او د ظالم او سړي وژونکو نوم یې افشا کړی، د افغانستان او له هیواد نه بهر د لسګونو مطبعو دروازې یې ټکولي، او په زرګونو خپرونې یې تر ما او تا رارسولي.
ګران او نه ستړی کېدونکی ژورنالیست ښاغلی محمد طارق بزګر یادوم! همدغه د یوې کلتوري او علمي کورنۍ په لمنه کې رالوی شوی افغاندوسته فرهنګیال، په دا ټولو ۳۱ کلونو کې یوه شېبه هم د

(c) ketabton.com: The Digital Library



((دعوت)) د ملي او درنې خپرونې له په زړه پورې خپرېدو لرې پاتې نه شو.

((دعوت))، پوره ۳۱ کاله د خپل ملت له رنځونو، دردونو، جهاد، میړانې، پاڅونونو، سرلوړیو، ښادیو او رازونو سره ملګری پاتې شو.

((دعوت)) و چې د ((سور))، ((تور)) او ((شین)) ښامار، بدمرغه مخ او ناوړه نیتونه یې ولس او نړیوالو ته بربنډ کړل. ((دعوت)) و چې په سیمه کې یې د ښکېلاک او زبېښاک د ((سترې لوبې)) ټول اړخونه او ((تیاره)) ګوټونه روښانه کړل او د ((افغان)) او ((افغانستان)) د دښمنانو له کرکجنو مخونو یې پردې لرې کړې. دغې خپرونې پر خپل وخت او ژر تازه خبرونه تر موږه راورسول.

((دعوت)) د افغاني، ناروژي او نورو نړیوالو لیکوالو او غوره څېړونکو په راجلبولو سره، د غونډو او کنفرانسونو په جوړولو سره د خپلو پاڼو مخونه د مسلکي او لوړې کچې مطالبو، څېړنو، راسپړنو، مرکو، رپوټونو، خبرونو او تحلیلونو رنګین کړل. د ژورنالیزم ټول بنسټونه او اصول یې په ښه شان مراعات کړل. د ((دعوت)) ژبه د ملت ژبه ده، خوندوره ده، مانا لري، ګونګه او ورکه نه ده، اصلاح شوې او معیاري ده، په تېره بیا تل یې پښتو ګرامر او په ځانګړې توګه پښتو ((ی)) ګانې سمې کارولې دي.

لنډه دا چې ((دعوت)) په ټوله مانا د منلو وړ خپرونه خپره شوې او فکر کوم زموږ د وخت یوه اړتیا ده. د دغه شان یو مدبر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر شتون، په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی.

زه په دې توګه ګران او منلي ورور ښاغلي محمد طارق بزګر ته د ((دعوت)) د ۳۱ کلنۍ مبارکي وایم او د دې خبرې څرګندونه کوو چې موږ ستاسو په دغه ستر جشن کې ځان شریک بولو. بزګر صیب! مننه، کور ودان، په کار او عمر دې برکت شه.

(c) ketabton.com: The Digital Library



ځلوړم ځپرکی:
د بزگر څیره

## در مستند ناروېژی «پناهنده»

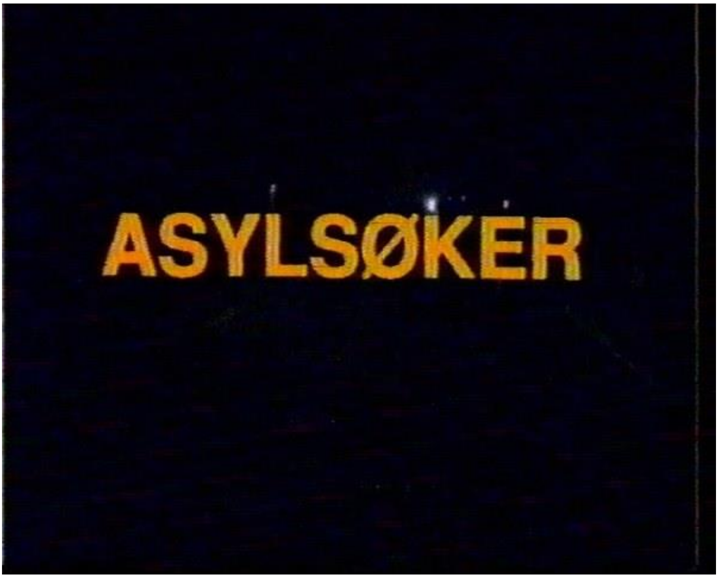


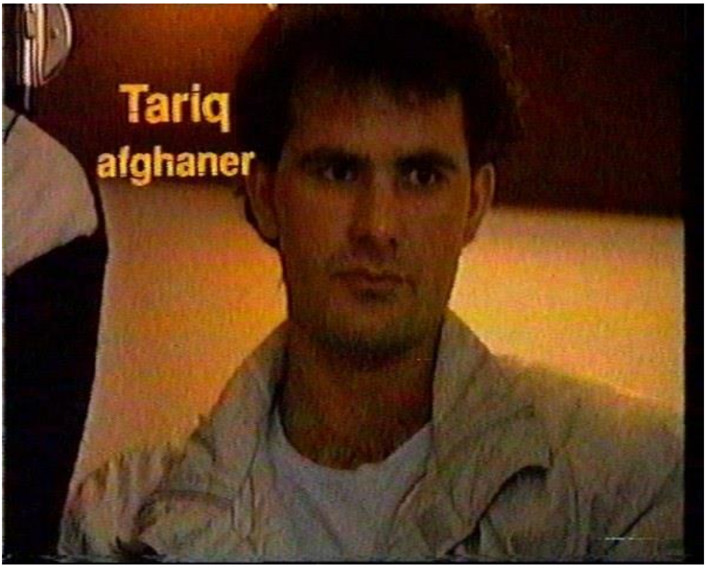

(c) ketabton.com: The Digital Library



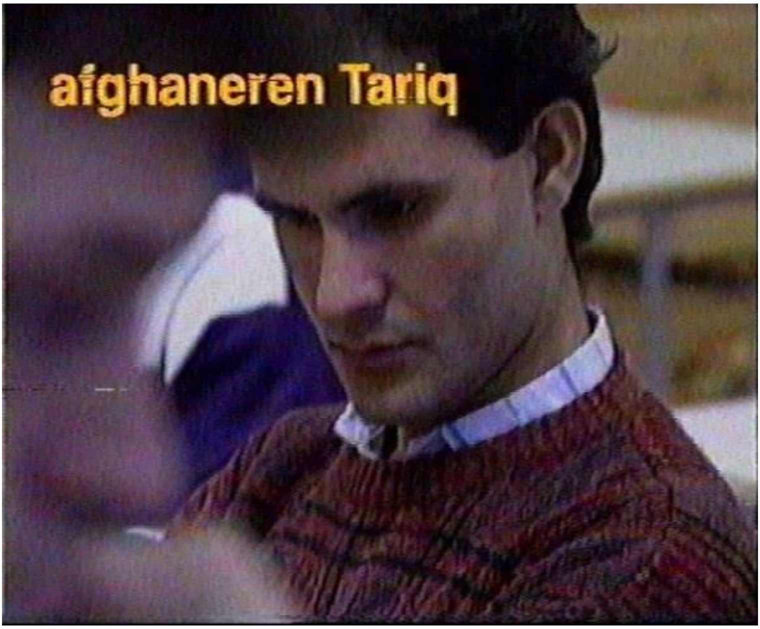

(c) ketabton.com: The Digital Library

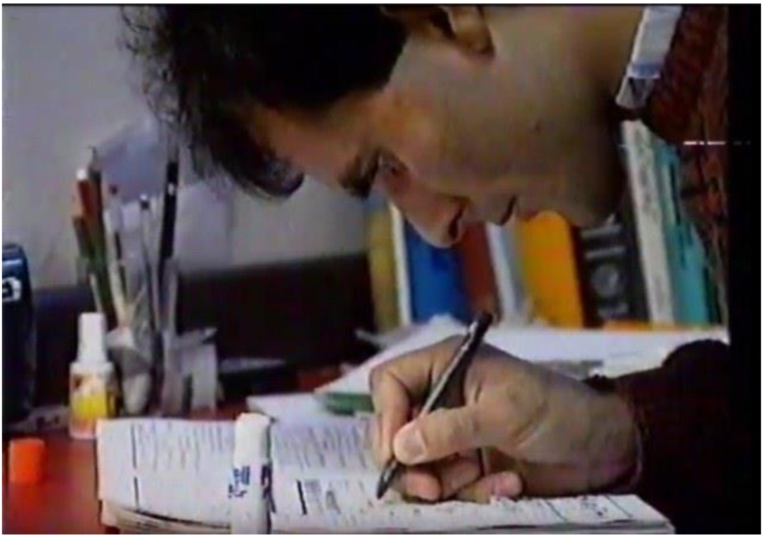

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library



# در مطبوعات غربی

Kirkeverge tiltalt for underslag

Romerikes Blad

– Takker Gud for at DATTEREN MIN LEVER

Strømkabel drepte hunden

Niåring fikk strøm gjennom seg

SIDE 8 OG 9

SØNDAG 3. DES. KL. 14.30

KONSERT MED SANGKORET

CON AMORE

SØNDAG 3. DES. KL. 17.00

KJETIL OG KJARTAN

14-19

Er du på boligjakt?

– Misbrukte Shahs gjestfrihet

KRITISKE: Afghanske Tariq Bazger og kona Nooria har lest Åsne Seierstads bok. – En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

Av GURO HOFTUN GJESTAD og JANNE MØLLER-HANSEN (foto)

Redaktør Tariq Bazger forstår godt at hans venn, bokhandler Shah Mohammad, ble sjokkert da han leste Åsne Seierstads bok.

– Forstår? Jeg mer enn forstår at han ble sjokkert, sier Tariq Bazger. Han har [illegible] for avisen [illegible] som kommer ut til afghanere i 45 land.

– Åsne Seierstad har misbrukt Shah Mohammads gjestfrihet ved å beskrive hans familie og hans privatliv. I Afghanistan heter det at «hvis jeg har spist ditt salt, er jeg en del av din familie. Jeg er takknemlig overfor deg og respekterer deg». Det betyr at hvis du har vært noens gjest, ønsker man ikke vertskapet noe vondt, forklarer Tariq Bazger.

Tariqs kone Nooria leste boken i sommer og reagerte på hvordan Åsne Seierstad beskrev et helt land ut ifra møtet med en familie.

– Åsne Seierstad gir en del feilaktige bilder i boken. En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

– Man skal huske på at [illegible] mel og jord. Det finnes dårlige mennesker og gode mennesker [illegible] han [illegible] og la han beskrive det han ser. Da vil han kanskje si at norske kvinner er billige. Rett og slett fordi han ikke kjenner kulturen, sier Tariq Bazger.

Han har truffet Shah Mohammad i Pakistan og kjøpt mange bøker av ham.

– Han gjør en veldig bra jobb. Det finnes mange bokhandlere i Kabul, men han er det eneste som selger bøker til utlendinger i Afghanistan, sier Tariq Bazger.

## Overrasket

Som journalist og redaktør er Tariq Bazger svært kritisk til Åsne Seierstads fremgangsmåte:

– Skriver man om Afghanistan og dets politikk, skal man ikke ta hensyn til om makthaverne liker eller ikke liker det du skriver. Men hvis man

(c) ketabton.com: The Digital Library



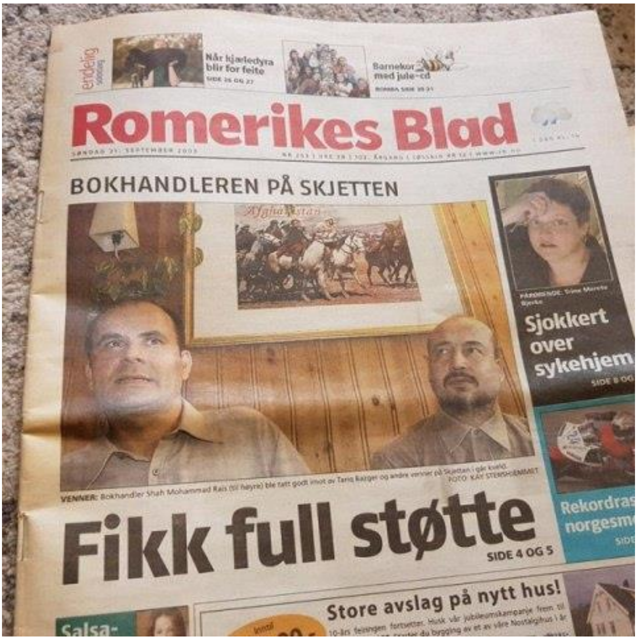

Vikebladet/Vestposten

LAURDAG 28. OKTOBER 1989 11

Den stolte, høgreiste 23-åringen frå diplomatfamilien i Kabul prøvde seg på kroppsarbeid for første gong i sitt liv på Skaarfish i Hjørungavåg - med svært dårleg resultat! Ja, det stemmer, det var faktisk første forsøk - om vi då ser bort frå den gongen far til Tariq sette han til å hogge ved i tre samfulle dagar i sprengkulden, som straff for ein dårleg matte-karakter.

# Geriljaleiaren likar ikkje lettvinte jenter

(c) ketabton.com: The Digital Library

LAUSSAL KR 4,00

Vikebladet Vest Posten

INSTALLASJON
• Lang erfaring
• God kvalitet
• Topp service
Ulstein Elektro AS

NR. 113. 61. ÅRGANG LAURDAG 28. OKTOBER 1989

Fløstranda godkjend:

Ingen rotter, ingen røyk

Fylkesmannen har no godkjent at SSR driv grovavfallsplass i det nedlagde steinbrotet i Fløstranda. Sett i høve til alternativa - eller snarare mangelen på alternativ - meiner fylkesmiljøvernsjef Kolbjørn Megård at det samla miljøproblem vil bli større dersom ikkje løyve vert gitt.

Det skal ikkje kunne leverast korkje miljøfarleg avfall eller organisk avfall, og dersom SSR oppfyller sine plikter med omsyn til kontroll, skal det sjølvs ikkje finnast forhold for uty - rotter og åtselfugl - på plassen. Heller ikkje trur Megård det kan bli tale om ureina sigevatn frå plassen, i og med at det ikkje skal deponerast miljøfarleg avfall.

Det løyvet som er gitt, har som vilkår at det ikkje vert levert noko form for spesialavfall, til dømes avfall som inneheld lett nedbrytbart organisk stoff eller kjemikaliar. Gjerde omkring og låsbar port, faste operatørar og faste opningstider, skal sikre at plassen ikkje blir misbrukt. Og når drifta ved fyllplassen er over - dvs. plassen er full - skal området dekkast med stein og jord og tilsådd. Så blir Fløstranda som før igjen - kva tid det måtte bli.

Kidnappa banksjef

Livet har vore langt

Libra-akustikk i Olavshallen

Vikebladet/Vestposten

Første opphaldsløyve for afghanarar

For nokre av dei afghanarane som lenge har budd i asylsøkjarmottaket på Hareid, og som har gått i nervøs spenning for å bli henta og sende tilbake, ser regelen om automatisk opphaldsløyve etter 15 månader ut til å bli redninga. Men ikkje for alle...

i månaden fekk han svar. Departementet gav han opphaldsløyve på humanitært grunnlag for to år. Dei grunngjev avgjerda med 15-månadersregelen!

Farhad kom åleine hit 17.oktober 1988. 15.januar i år fyller han 16 år. Onsdag fekk unggguten brev om at han har fått opphaldsløyve på humanitært grunnlag. Han er såleis ein av dei få heldige afghanarar her i landet som har motteke eit positivt svar frå departementet før 15 månaders-regelen tok til å gjelde.

Tareq - også frå Afghanistan, kom til Norge 4.oktober 1988. Han vart lenge halden på pinebenken. Først 1. september 1989 fekk han melding om at han ikkje fekk vere her i landet. Han anka, men har enno ikkje fått svar på anken. Torsdag 4.januar var det 15 månader sidan han kom hit. Fristen er ute, men kva lagnad departementet vil gje han, er framleis uvisst.

Vazeer er ein 37 år gammal kurdar frå Tyrkia. Han kom til Norge 5.oktober 1988. Tidleg i fjor vår fekk han høyre at politiet ikkje fann att papira hans, og at dei ville kontakte han for ...

Haidar er 35 år, også frå Af-...

Asylmottaket på Hareid:

Næringslaget sikra lokal leveranse-pal...

Det har vore reist kritikk mot at det blir så «lite att» til lokalt næringsliv ved oppføring og drift av det utaflege asylmottaket i Hareidsmyrane. Men no har Hareid næringslag gått inn i konkurransen og sikra seg ein fast leveranse-pakke.

• LEIV ARNE GRIMSTAD

Ny runde i «Grimstadvatnet Rundt»

(c) ketabton.com: The Digital Library

Afghanarane ved asyl-mottaket

# Flytter frå Hareid

Ved asylmottaket på Hareid er åtte afghanarar i oppbrots-stemning. Frå Skedsmo kommune utanfor Oslo har dei fått beskjed om at dei er velkomne til å etablere seg. No ventar dei berre på endeleg avreisedato.

ANNE GRY EILERTSEN

Vikebladet VestPosten

Nr. 48 62. ÅRGANG TORSDAG 3. MAI 1990

# Flott 25-års jubileum

Fotballen rullar...

Billig på daglivare

(c) ketabton.com: The Digital Library

VP - fredag 7. april 1989

# LOKAL HØYRING OM AFGHANARANE SIN SITUASJON

RESULTERTE I LOKALT POLITIKAR-OPPROP

Tredje steget

PARTIA BØR TA OPP SAKA

LETT Å KJØPE SIN LEIGEMORDAR

afghanarar

"I november kom 10 afghanarar til Hareid. To av desse har i nærare 14 dagar sete i varetekt i Oslo, og i går vart dei sendt attende til Pakistan, som vart sett på som deira første motekarland. Den eine 15, den andre 19 år gamal. Dei åtte som er attende på Hareid ventar no i spenning på kva svar dei vil få.



PEDER MASEIDE:

Folk å minnast

• med ei rekke glitrande portrett av kjende sambygdingar. Utgjeve av Hareid historielag.

KR. 80,—

## Afghanistan

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vikebladet/Vestposten

# Tareq har fått svar

## Avslag etter 11 månader

Inga Hareide

Sist fredag fekk Tareq Bargzai frå Afghanistan melding om at søknaden hans om opphaldsløyve her i landet var avslått. I elleve månader har han venta på svaret, vona på at tida var til hans fordel. Han er redd for at det kan bli gjort alvor av dei trugsmåla han har motteke for skrivinga si om han blir sendt attende til Pakistan. Men UDI vurderer saka annleis, dei viser til brudd på 14.dagars-reglen og meiner difor han må reise attende til Pakistan. Framleis held altså departementet fast på at 14.dagars-regelen også skal gjelde for Afghanarane, sjølv om det er allment kjent at det los seg ikkje gjere å flykte direkte frå Afghanistan til eit europeisk mottakarland

Tareq har si utdanning frå universitetet i Kabul med politikk og juss som fag. I hovedsak var han opptaken av politikken i sør- og sentral-Asia. I studietida virka han som distributør av illegal propaganda mot det kommunistiske regimet. Men han vart oppdaga og sett i fengsel i Kabul. Etter ti månader her vart han flytta til eit fengsel i den austlege delen av landet. Men under ei bombing av fengselet makta han å flykte, og kom då [illegible] mujahedin gruppe. [illegible] han leiar for ei avdeling geriljasoldater.

Allereie då fekk han åtvaringar mot skrivinga si. Ein høgtståande leiar av ein annan gruppe, såg med misstro på denne soldaten som hadde si utdanning frå universitetet og ikkje den religiøse skolen. Tareq byrja føle seg truа, og flykta til Pakistan. Men heller ikkje her følte han seg trygg. Den mektige leiaren hadde og ein høg posisjon i dette landet. I tillegg hadde både KGB og HAD folk plassert i flyktningemiljøa. Tareq såg inga anna løysing enn igjen å kome seg på rømen.

Her i landet har Tareq målmedvete arbeidd for heimlandet sitt, og har ikkje vore redd for å stå fram med meininga si. Han har [illegible] motteke med god. ord, han har blitt truga på livet både over telefon og pr. brev.

Tareq vil anke avgjerdala. Så er han i alle fall trygg i denne tida. Lenger fram tør han ikkje tenkje.

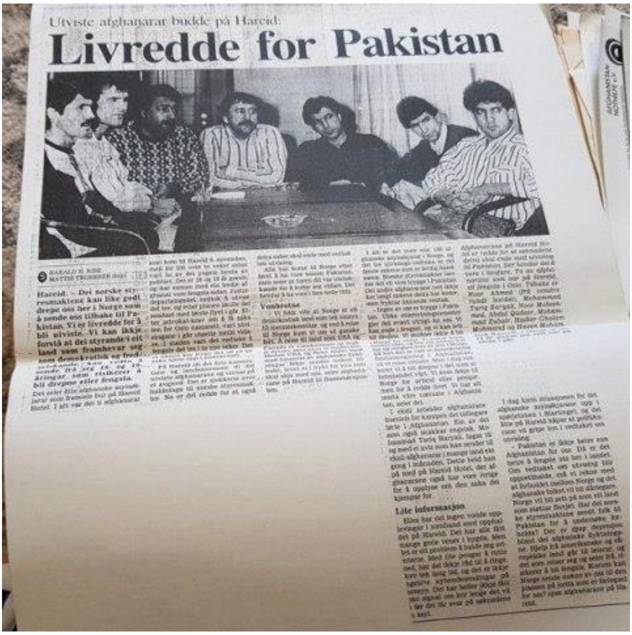

Utviste afghanarar budde på Hareid:

# Livredde for Pakistan

Hareid: – Dei norske styresmaktene kan like godt drepe oss her i Norge som å sende oss tilbake til Pakistan. Vi er livredde for å bli utviste. Vi kan ikkje forstå at dei styrande i eit land som framhevar seg som demokratisk og fred...

(c) ketabton.com: The Digital Library

AFGHANARANE PÅ HAREID HOTEL

# PARTIARBEID I EKSIL

MARIT KVAMMEN

**Han er høg og senesterk, i trettiårsalderen, hans engelske ordforråd er upåklageleg, men aksenten gjer at han stundom er litt vanskeleg å forstå. Men Mohammed Tariq snakkar gjerne, forklarar tolmodig tilhøva i heimlandet Afghanistan - til alle som vil høyre på og sjå utstillinga han og dei ni andre afghanarane som for tida er på hotellet, har laga i stand.**

**For desse asylsøkjarane er det maktpåliggande å drive politisk agitasjon, same kvar i verda dei er. Det opptek dei i mesteparten av fritida.**

Mohammed Tariq er tidlegare geriljaleiar, det vil seie han har hatt kommandoen over ei av ti-mannsgruppene som geriljaen i hans område er inndelt i. Spør vi kva han gjorde i det sivile liv, er svaret student. Jus og politikk er faga hans. Den russiske etterret-

Det tur ikkje på Gorbatsjov for det om han har gitt ordre om tilbaketrekking av troppane. I Kabul har han sine folk som kontrollerer at det ikkje skal haldast frie val likevel, hevder Tariq. Sovjet måtte trekke seg tilbake no, og det var vi som tvinga dei!

«Vi» er Den islamske union av den Afghanske Mujahideen, som er det fullstendige namnet på samanslutninga av dei mange islamske partia.

Og det er ikkje berre Gorbatsjov desse muslimane har skepsis til. Den andre stormakta, USA, har vore lite til hjelp, meiner dei. På den sida fryktar dei ei utvikling som i Khomeinis Iran dersom Mujahideen kjem til makta.

-Men det er utelukka, kan Tariq fortelje. I Iran er det Shia-muslimane som rår, i Afghanistan høyrer berre 10 prosent av folket til denne religionen, 90 prosent er Sunni-muslimar. Det forklarar alt, slik han ser det. Sunni-muslimane ville aldri la ein førar som Kho-

Dei ti afghanarane som er plasserte på Hareid Hotel, har alle ei fortid i geriljaen, med unntak av den yngste, ein blid 15-åring. Han går på ungdomsskulen på Hareid, draumen er å kome tilbake til Afghanistan om eit års tid - og bli geriljasoldat.

I motsetning til dei tamilske og iranske asylsøkjarane er afghanarane slett ikkje opptekne av å vere anonyme, tvert om. I romjula arrangerte dei eit større informasjonstreff på hotellet, med plakatar, fotomontasjar og omvising. Dei vil tale Mujahideen si sak kvar som helst, både desse og dei 150 andre afghanarane som for tida oppheld seg i Norge.

Men Muhammed Tariq har ei spesiell oppgåve som han arbeider med dag og natt. Han lagar informasjonsavis. «Dawat» skriv han sjøl, mest for hand, og får avisa mangfaldiggjord på kopimaskinen ved Ulstein Nor. Avisene blir så sende til adresser over heile Europa, til landsmenn i eksil.

*Vi er på Hareid Hotel, midt i romjula ... på veggene rundt plakatar med motiv frå Sunni-muslimane sin religion, profeten og Koranen, ein stor plakat med dei enkle ord: DOWN WITH RUSSIA. Montasjar med bilete frå den lange krigen i Afghanistan. Til venstre har Muhammed Tariq, redaktør og utgjevar av alle eksil-afghanarar si informasjonsavis, «Dawat». Den blir laga her og distribuert frå Hareid.*

*Men dei andre afghanarane på hotellet hjelper til. Muhammed Noor (t.h.) er militærleg, alle har eller ein bakgrunn i geriljaen. Dei kan ikkje tenke seg å sitje uverksame den tid det har til overs etter at norskundervisninga er unnagjord. Her gjeld det å spreie informasjon om det som skjer i Afghanistan, dei er ikkje alltid nøgde med verjinga i norske media.*

mot Pakistan, afghanske byar etter sovjetisk bombing, lemlesta barn...

-Her er mine brør, viser Tariq på eit bilete av ei geriljagruppe. -Har du mange søsken? -Fire brør og fire søstre, svarar han stolt. -Og søstrene, er dei også med i geriljaen? Han drøg på det. -Dei er

Organist-stilling i Hareid ledig

HAREID:

Kyrkjelyds-arbeidar i permisjo[n]

Vest Posten

NR. 21 ONSDAG 15. MARS 1989

20. ÅRGANG KR. 4

# Fem av ni afghanarar er att på Hareid Hotel

KVA SKJER MED OSS ? SPØR DEI

*Dei fem afghanarane som no bur på Hareid Hotell. Sitjande: Noor Ahmad, Noor Mohammad. Ståande: Mohammad Tariq Bargoli, Farhad Muhmand, Ghulam Haider Muhmand.*

**I redsle og uvisse sit fem afghanarar att på Hareid Hotell. Etter hendinga sist torsdag, då to av landsmennene deira vart henta av politiet, er det uvissa om framtida som igjen slit i dei. Forrige gong politiet henta to afghanarar var 2. januar i år. Kva lagnad desse to har fått, er uvisst. I alle fall veit ikkje kameratane deira her på Hareid om dei framleis sit fengsla, eller om dei er sende heimatt.**

**Naseem og Zubair, dei to som torsdag vart frakta til Oslo og som no sit fengsla på Fornebu, har innleia ein svelte-streik og vil rette søkelyset på korleis tilhøva er for afghanarane i eksil, anten det er her i landet eller i Pakistan.**

Kva slags ekteskap lever du i?

FRA HEIMANE - VÅRE KVELDEN SIDE 4

**Vestposten i påskal**

Vestposten tek ferie i neste veke.
Annonser til fredagsnr. må vere oss i hende innan kl. 10 torsdag f.m.
Første nr. etter påske blir onsdag 29. mars.

Red.

Ulf Myhre ved Vegkontoret:

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vest Posten

NR. 25 - ONSDAG 5. APRIL 1989 — 20. ÅRGANG. KR. 4,-

Godt utvalg i golvbelegg — Hareid Ror a/s.

TOK BERGEN MED STORM.

...rungavåg-slaget ...ørundfjorden!

Anders Hustadnes ...ndfjord-brosjyra

## Politisk støtte frå Hareid til afghanarane -

Etter initiativ frå afghanarane som bur på asylmottaket på Hareid Hotel, fann det mandag kveld stad eit møte mellom representantar frå dei politiske partia i kommunestyret og desse seks asylsøkjarane.

Bakgrunnen for møtet var dei to tilbakesendingane av afghanske asylsøkjarar til Pakistan som har funne stad tidlegare i år. Ein har idag ikkje sikre informasjonar om kva som har skjedd med desse i Pakistan.

Dei politiske representantane viste forståing for afghanarane si sak, og møtet resulterte i at dei var samde om å oppmode styresmaktene om ikkje å sende attende fleire afghanske asylsøkjarar før ein i det minste får sikre informasjonar om lagnaden til dei som alt er sende tilbake. Det var og brei semje om at det snarast råd vart arbeidd at eit politisk opprop der dei vil be dei sentrale styresmakter på nytt å vurdere afghanarane sin situasjon.

Referat frå møtet vil vi kome attende til.

*Møte mellom afghanarar og politikarar sist mandag.*

Vel-

Bed lokalpolitikarane om hjelp:

## Dagleg frykt blant asylsøkjarane

*Med Tone Skorgenes som tolk orienterte Mohammad Tariq Baryali (i midten) Hareidpolitikarane om kva afghanarane har å bli sende tilbake til. Noor Mohammed sekunderte. Spørsmålet er kva dei kan nytte i den store samanhengen å engasjere seg. Når partia på Hareid får diskutert saka og teke kontakt med sine respektive stortingsfolk, vil det bli eit opprop til Justisministeren.*

MARIT KVAMMEN

**Dei seks afghanarane som er att på Hareid Hotel, skjelv i redsle for kvar framand bil som stansar utanfor. Er det og som skal hentast no? Måndag kveld møtte dei Hareidpolitikarane frå alle parti for om mogleg å få dei til å reagere mot regjeringa sin politikk andsynes den vesle gruppa afghanske flyktningar som har kome til Norge frå Pakistan.**

Gjennom avisene har det blitt kjent at 60 av dei ca 150 afghanske asylsøkjarane i Norge har fått ...

**Kven må reise?**

Det som ikkje er opplyst, er kven av afghanarane som har fått handsama opphaldssøknaden sin. Og frykta breier seg. Hittil har ingen afghanar fått løyve til å opphalde seg i Norge, ikkje ein gong på humanitært grunnlag ... regjeringa ... til eit 3. land det vert vist til. Regjeringa støttar seg også til uttale frå FN's høgkommisær for flyktningar, som seier at afghanarar er trygge i Pakistan. Den forsikringa fekk også den norske delegasjonen som var i Pakistan for å undersøke forholda.

**Farleg i Pakistan**

Men afghanarane sjølve veit ...

... afghanske eksilmiljøet verkar. Han kan fortelje om kameratar som har vorte likviderte, om eit system av leigemordarar og soner der «alt er tillate». -Du kan få gjort kva som helst for pengar i Pakistan, seier Tariq.

**... signal**

Dei to siste afghanarane som vart henta frå hotellet like før påske og på rekordtid sende ut av landet, har enno ikkje late høyre frå seg. Kameratane som er att på Hareid, trur at dei anten er fengsla i Pakistan alt, eller dei kan vere på sjukehus som fylgje av svelte-streiken - begge alternativ er «i beste fall».

**Feigt å vere flyktning**

slike som «stikk av». Dei blir merka, og kan vente seg ubehagelegheiter når dei kjem tilbake.

**Kvifor ikkje Pakistan**

*Det er ikkje noko afghanarar ... flykt heller vil enn å reise heim ...*

... glade i. Men dei politiske ... der er ikkje slik i dag at det er mogleg. 5,5 millionar afghanarar lever i dag utanfor landets grenser, dei fleste i Pakistan og Iran, der dei har flyktningestatus. Både KGB og den afghanske etterretningstenesta, Khad, opererer i flyktningemiljøet. Fleire høgtstående afghanarar i eksil i Pakistan har vorte tekne av dage. Dette maktkampen mellom dei afghanske grupperingane som dei ...

(c) ketabton.com: The Digital Library

...areq under afghanistan-kvelden på Hareid bedehus:

# Afghanistankrigen ikkje s...

ANNE GRY EILERTSEN

Det vart fullt hus under «Afghanistan-kvelden» på Hareid bedehus tirsdag. Det var afghanarane ved asylmottaket på Hareid som stod både for mat og program denne kvelden. For å takke for seg, sidan dei snart skal flytte til Austlandet, og for å informere om forholda i Afghanistan.

Og det var redselsfulle scener frå krigen dei frammøtte vart vitne om på videoskjermen. Nokre av opptaka var faktisk berre 2 månder gamle. Og dei viser at sjøl om russarane no har trekt seg ut av landet, så styrer dei i tildane likevel, mange kallar regjeringa i Kabul for ei «majorinette-regjering», nettopp fordi den blir styrt frå Russland.

Frå Afghanistan-komiteen var Laila Grimstad frå Ålesund til stades. Ho fortalde at Afghanistan-komiteen vart oppretta i årsskiftet -79-80, då russarane invaderte Afghanistan. Afghanarane hadde ingen ting å hjelpe seg med, mange av dei kasta seg framfor dei russiske tanksa som kom køyrande.

Frå 1983 har Afghanistan-komite-gruppene i Norge i første rekke konsentrert seg om sende helseteam til det hardt råka fjellfolket. Dei er då vekke i 3 månader om gongen. Men nokre er stasjonerte også for lengre perioder, og dei driv i tillegg til lækjararbeidet, med opplæring av afghanske helsearbeidarar. Elles driv komiteen skular i Afghanistan og for flyktningar i Pakistan, og dei er med på vatningsprosjekt.

Eit av dei største problema i Afghanistan no, etter at russarane har trekt seg ut, eller alle minene som ligg rundt i landskapet. Ca. 15-20 millionar miner ligg i landskapet, mange forma som fine leikety, og afghanistan-komiteen har bede regjeringa i Sovjet om å få landminekart for å rydde dei vekk. Dette har dei ikkje fått utlevert. Dagleg døyr det endå små barn på grunn av desse minene.

Tareq, som har vore geriljasoldat i Afghanistan, fortalde at sjøl om Russland er ute av Afghanistan, og viser eit blidt ansikt utover, så held dei fast på støtta si til «Quisling-regimet» i Kabul. Kvar månad blir regjeringa der støtta med 28 millionar kroner i våpen.

- Gorbatsjov blir sett på som ein god mann i Vesten, men vi afghanarane som opplever dagleg at ... blir drept på grunn av ... har eit anna syn på Gorbatsjov.

Tareq sa vidare at ... kommunismen ... vil til livs, men dei vil ha eit demokrati. Ein folkevald president, ikkje eit majorinette-regime styrt frå Sovjet. Og når 75% av bygningsmassen i Afghanistan er øydelagt på grunn av krigen, er det mykje som må byggast opp att. Då hjelper det lite at regjeringa i Sovjet sender pengar som blir brukte i Kabul, medan dei utover landsbygda ikkje får hjelp.

- Ingen hadde trudd at Afghanistan kunne kjempe mot supermakta Sovjet. Gorbatsjov har fått æra av at Russland har trekt seg ut, men det er det afghanske folket som har kjempa dei ut, sa Tareq, og la til at Afghanistan var første landet som torde å tale Gorbatsjov imot.

Folk i Afghanistan har sjølsagt forskjellige mål, men dei fleste er samde om ein ting, russarane skal ut av Afghanistan. Og korfor er det kommunistiske regjering i Afghanistan i dag, viss russarane har trekt seg heilt ut? spurde Tareq møtelyden.

- Vi har hatt ei fin tid på Hareid avslutta han kvelden med. Vi ...

*Vesle Yalda på 6 år kunne synge både på afghansk, jugoslavisk og norsk. Her saman med Tareq.*

I Bigset Vest

Johanne Blindheim

SISTE NR. AV VESTPOSTEN I ÅR KJEM FREDAG 22.

## Erling Hareide leiar for fotballgruppa

SVEIN SMØRDAL HUSSTYREFORMANN

## Minneord

Ingebjørg Wolsdal

## Informasjonskveld om Afghanistan

*Mohammad Tariq Baryali, ein av dei 10 afghanistanarane som bur på Hareid Hotel og som no inviterer til informasjonskveld.*

27. desember 1979 invaderte russarane Afghanistan. Sidan har afghanistanarar i eksil markert denne dagen.

Førstkomande tirsdag vil dei 10 afghanistanarane som no bur på Hareid Hotel invitere bygdefolket til ein opplysningskveld om heimlandet sitt. Dei vil fortelje gjennom film, bilete og samtale om kulturen sin, kva som har skjedd og kva som er i ferd med å skje i heimlandet.

Idag er der omlag 5 millionar afghanske flyktningar. Ein del av desse er på stadig flukt i sitt eigeland. Dei som bur her i bygda måtte rømme frå landet for 3 månader sidan. Tilstanden har altså ikkje roa seg sjølv om russarane har byrja tilbaketrekkinga.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

Afghanistan: stormaktenes gravplas

Moské må ha politivakthold

Afghaner på Skjetten truet

Nekter å gi etter for terroren

Hadde terroristene en muldvarp i Det hvite hus?

krigen mot terror

Trøtte av krig

Afghanere i Norge er livredde for at angrepet på Afghanistan skal ramme sivilbefolkningen. – Vi støtter USAs jakt på terrorister, men kan ikke akseptere at sivilbefolkningen må lide. Da må vi reagere, sier Tariq Bazger.

«Vi må forsøke å hjelpe dem der nede så godt vi kan.»

TARIQ BAZGER

Familien ute

Ingen hellig krig

– Dette er terrorisme

Imam Abdulquddus Shaikhjami ved Sarpsborgs Muslimske Kultursenter fordømmer angrepet på Afghanistan. – Dette er terrorisme. Det er uskyldige mennesker som lider, sier han.

– Afghanistan oppløses

(c) ketabton.com: The Digital Library



# ستایش در انجمن فرهنگ افغانی در امریکا / سال۲۰۰۰م

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library



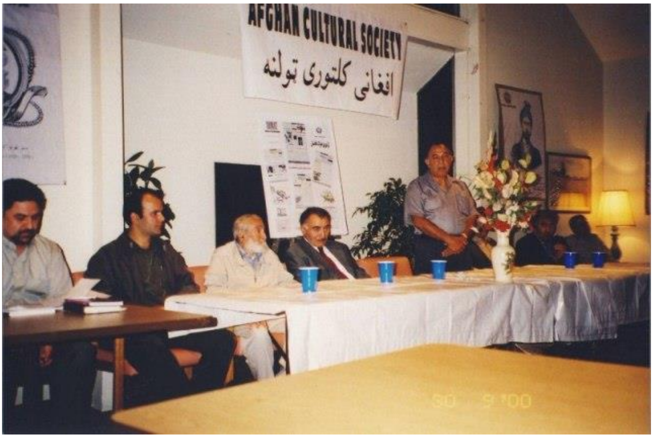

(c) ketabton.com: The Digital Library

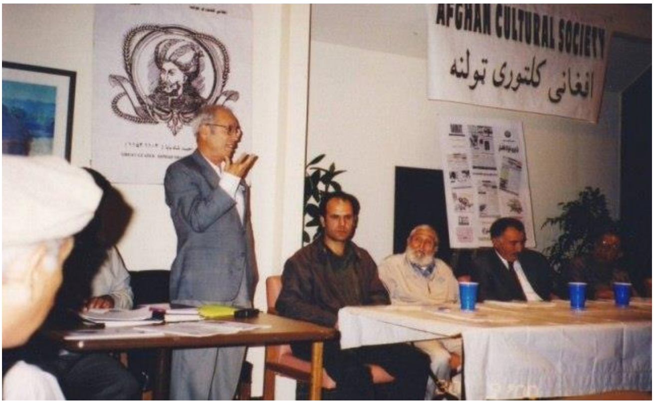

(c) ketabton.com: The Digital Library



# ستایش در برنامه ی تلویزیونی
# ستاره های درخشان ادب و هنر

(c) ketabton.com: The Digital Library



# ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن

(c) ketabton.com: The Digital Library



# در گزارش تلویزیون ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library



# ستايش نامه ها

زلمو پاخون

سویډن

پیل د بښونکي څښتن تعالی په نوم

ستاینلیک

سویډن کې د زلمو پاخون ټولنه د ګران هیواد افغانستان ویاړمن فرهنګي شخصیت او نوښتي ژورنالیست ښاغلي **محمد طارق بزګر** ته ، د هغوی د نه ستړي کېدونکو خدمتونو په درناوی دا ستاینلیک ورکوي او نوموړي ته د لا نورو بریالیتوبونو هیله کوي.

نېټه : ۲۰۱۱،۱۲،۱۰

پته : ستوکهلم سویډن

***I Guds, den Barmhärtiges, den Nåderikes namn***

Diplom

Föreningen Zalmo Pason vill härmed tacka Herr **Mohammad Tariq Bazger** för sitt stora engagemang och outtröttliga journalistiska arbete. Vi känner en stor tacksamhet och ser fram emot nya framgångar och önskar honom all lycka med sina framtida projekt.

10.12.2011

**Stockholm, Sverige**

لاسلیک

(c) ketabton.com: The Digital Library

افغاني کلتوري ټولنه
شمالي کلیفورنیا، امریکا

Afghan Cultural Society

نېټه: د تلې اتمه ۱۳۷۹

منن لیك

قدرمن هیوادپال ښاغلی محمدطارق بزګر

څرنګه چه تاسو دیوغښتلي هیواد پال په توګه په تیره لسیزه کی دهیواد ملي ګټی او کلتور د ژوندی ساتلو په لار کی نه ستړي کیدونکی هلی ځلی کړی د بلی خوا د ګ دعوت* زرینه میاشتنی خپرونه مو د یو ځلانده ستوری په توګه دافغانستان دمطبوعاتو په اسمان کی روښانه سا تلی. دادی افغانی کلتوري ټولنه ستا سو د دی سپیڅلی خدمتونو او ستاینه کوی اوکور ودانی درته وایی.هیله ده چه دا کلتوری پاڅون ترپایه تعقیب کړی . دلوی خدایه در ته په دی ملي خدمت کي بری غواړو.

په درنښت

پوهاند ډاکټر شاه ولي تراکوزی
د افغاني کلتوري ټولني مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

CERTIFICATE OF FELLOWSHIP

We hereby declare that

BAZGER M.TARIQ

Completed the IIIrd Media21 workshop on Hate during the Probalt Conference in Gdansk, Poland, Sept 13—Sept 19, 2009

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library



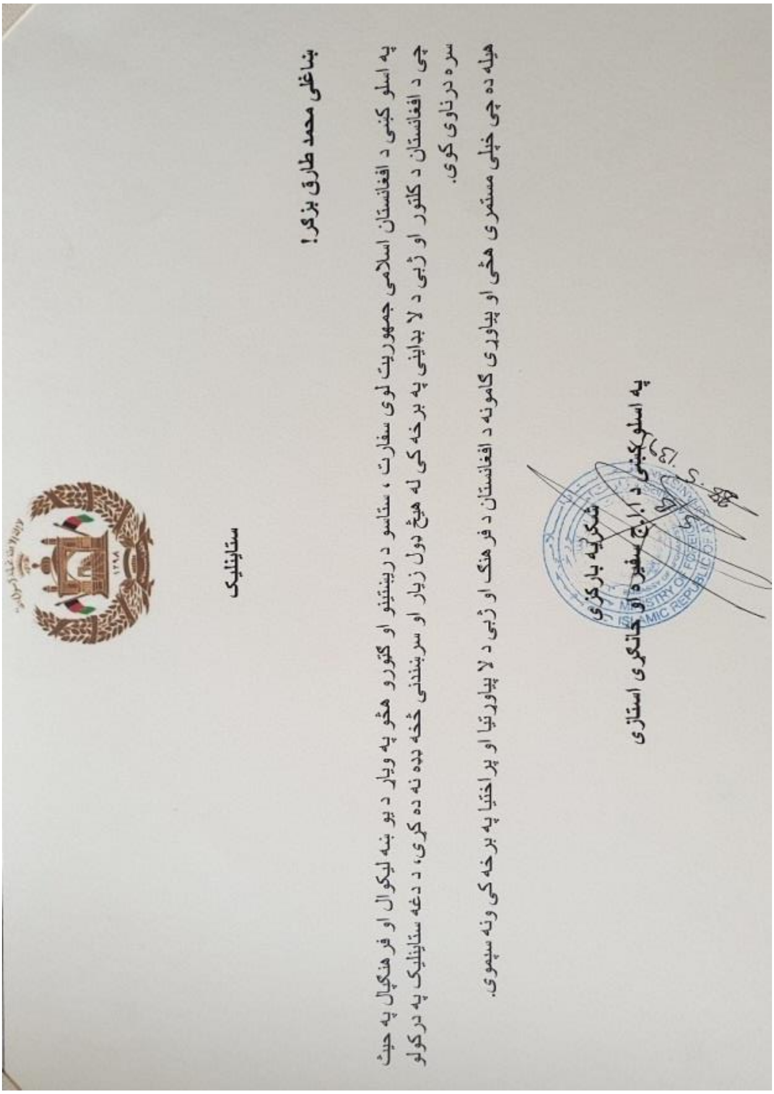

ستاینلیک

**ښاغلی محمد طارق بزګر!**

په اسلو کښی د افغانستان اسلامی جمهوریت لوی سفارت ، ستاسو د ریښتینو او ګټورو هڅو په ویاړ د یو ښه لیکوال او فرهنګپال په حیث چی د افغانستان د کلتور او ژبی د لا بداینی په برخه کی له هیڅ دول زیار او سربښندنی څخه ډډه نه ده کړی، د دغه ستاینلیک په ډرکولو سره درناوی کوی.

هیله ده چی خپلی مستمری هڅی او پیاوړی ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبی د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کی ونه سپموی.

**شکریه بارکزی**

**په اسلو کښی د ا.ا.ج سفیره او ځانګړی استازی**

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستاینلیک

ښاغلی محمد طارق بزګر!

په اسلو کښې د افغانستان اسلامی جمهوریت لوی سفارت، ستاسو د رښتینو او ګټورو هڅو په ویار د یو ښه لیکوال او فرهنګپال په حیث چې د افغانستان د کلتور او ژبې د لا بډاینې په برخه کې له هیڅ ډول زیار او سرښندنې څخه ډډه نه ده کړې، د دغه ستاینلیک په ورکولو سره درناوی کوي.

هیله ده چې خپلې مستمرې هڅې او پیاوړي ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبې د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کې ونه سپموي.

شکریه بارکزی

په اسلو کښې د ا.ا.ج سفیره او ځانګړې استازې

(c) ketabton.com: The Digital Library



پنځم څپرکی:

## د دعوت نوستالژی

(c) ketabton.com: The Digital Library

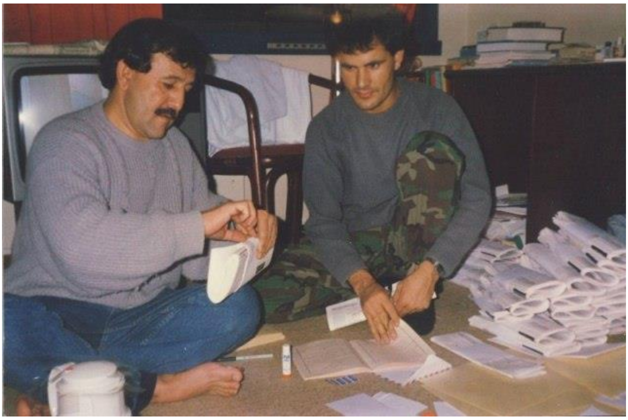

(c) ketabton.com: The Digital Library



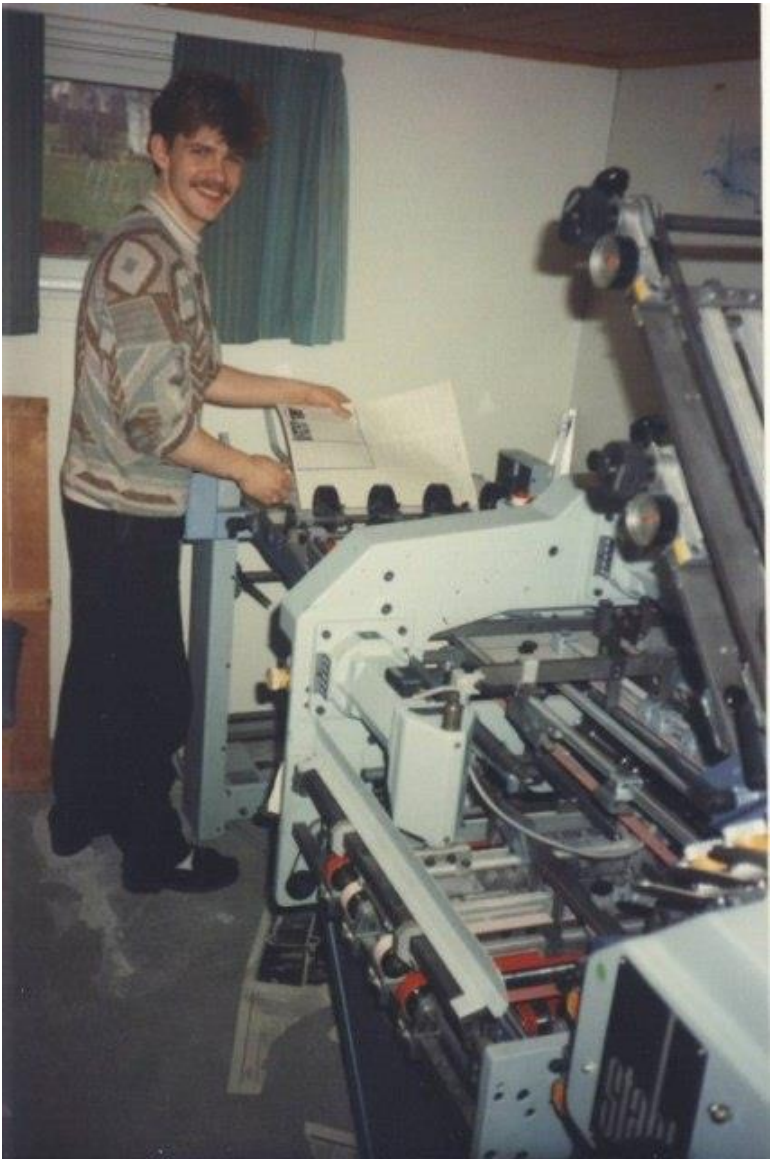

مسوول نارویژی چاپ نشریه ی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library



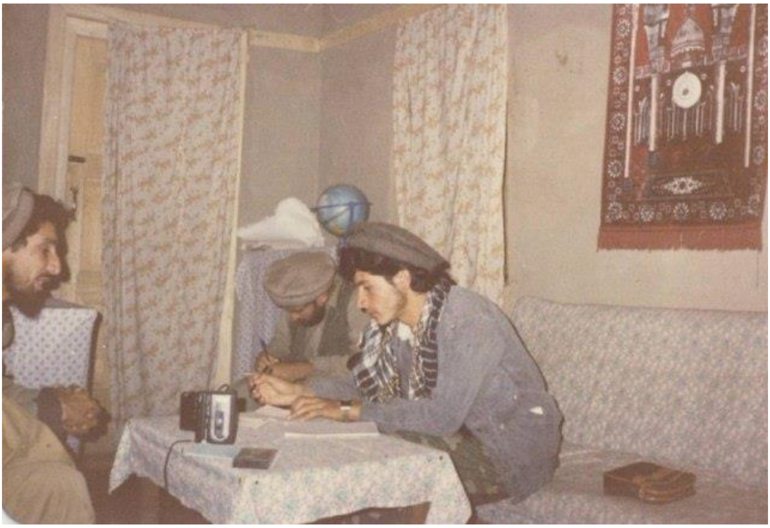

گزارشگران نشریه ی دعوت با مرحوم احمد شاه مسعود

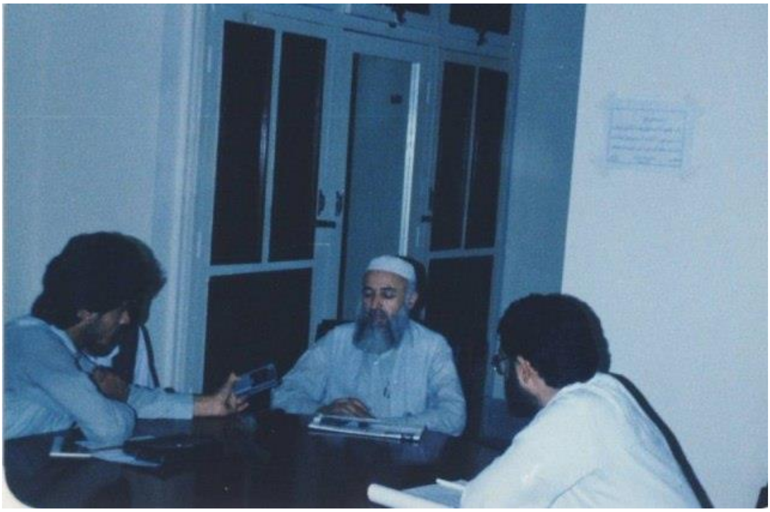

گزارشگران نشریه ی دعوت با ملا برهان الدین ربانی

(c) ketabton.com: The Digital Library



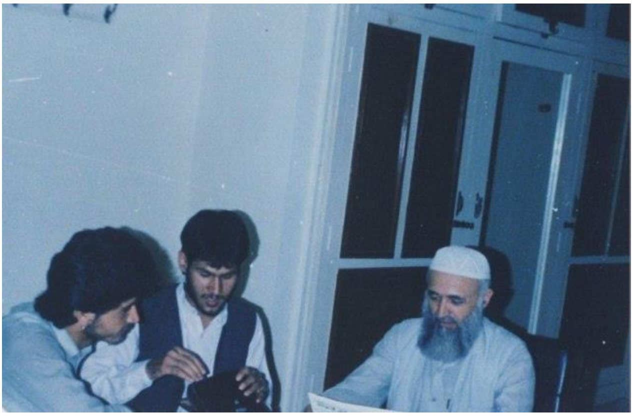

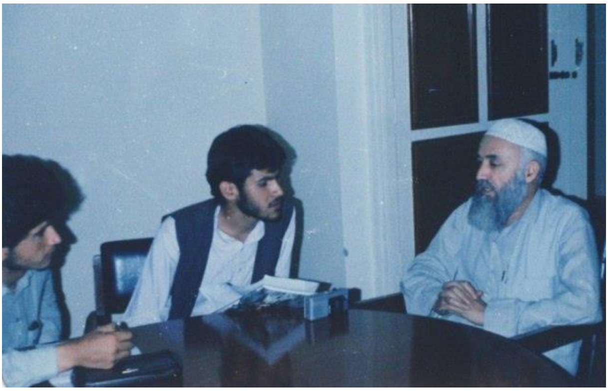

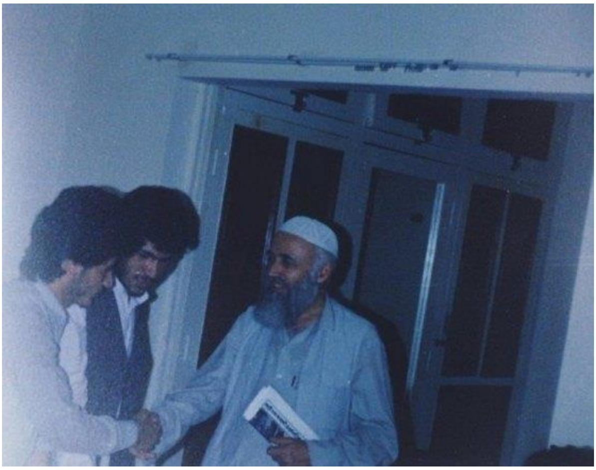

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم علی احمد خان پوپل

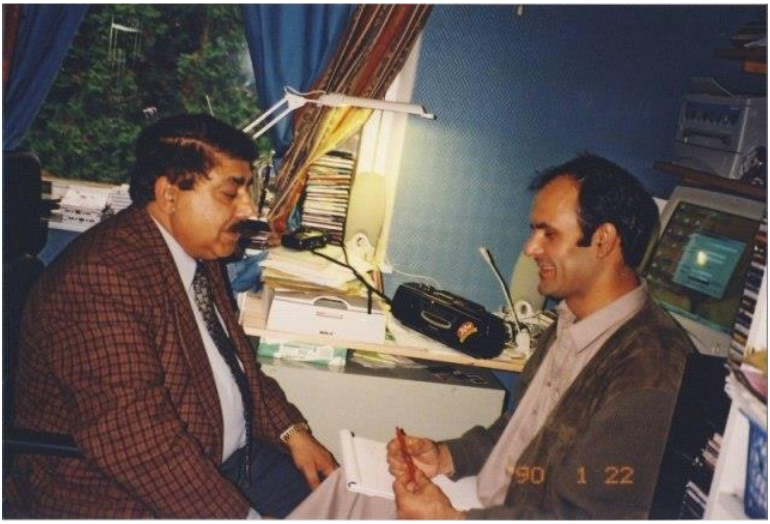

فاروق میرنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

الحاج فضل الکريم فضل

(c) ketabton.com: The Digital Library



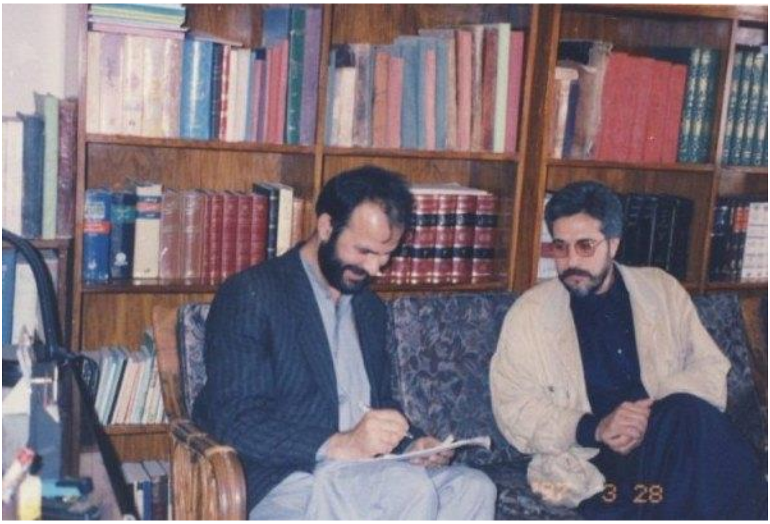

سید اسحاق گیلانی

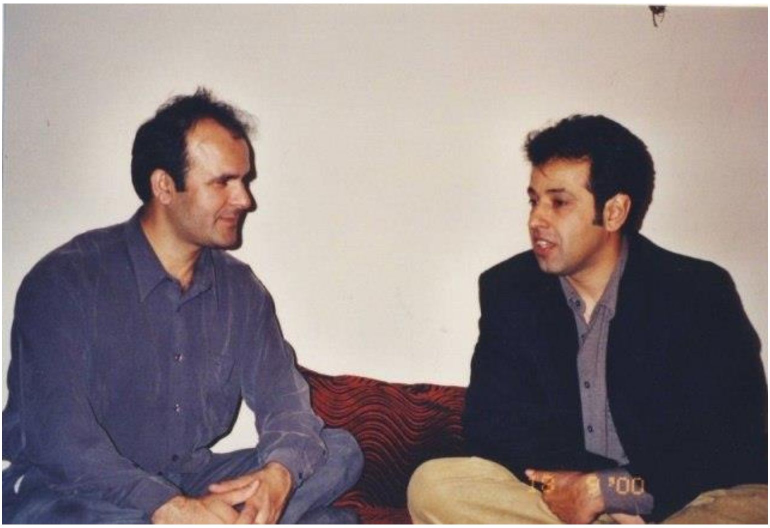

خالق عزیز

(c) ketabton.com: The Digital Library



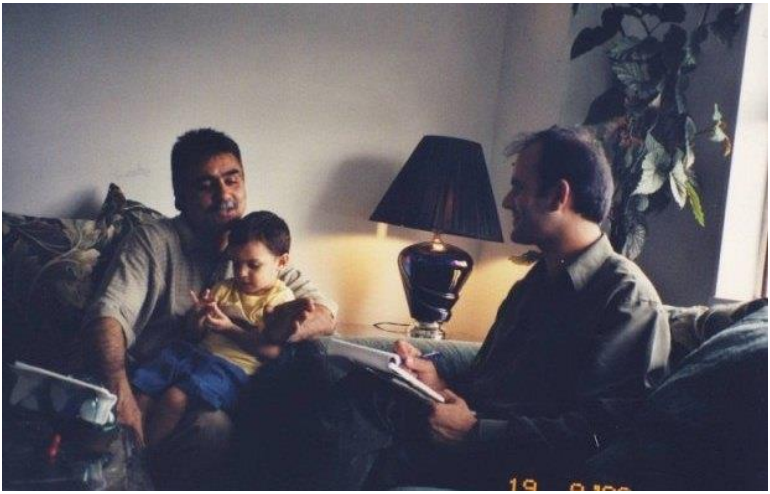

لطیف جان بابی

محمد گل دیانی

(c) ketabton.com: The Digital Library



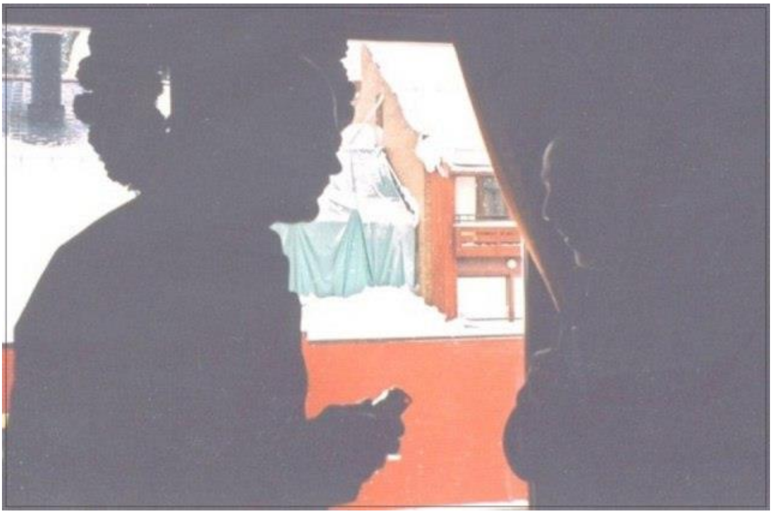

حامد کرزی

شینکی کروخیل

(c) ketabton.com: The Digital Library



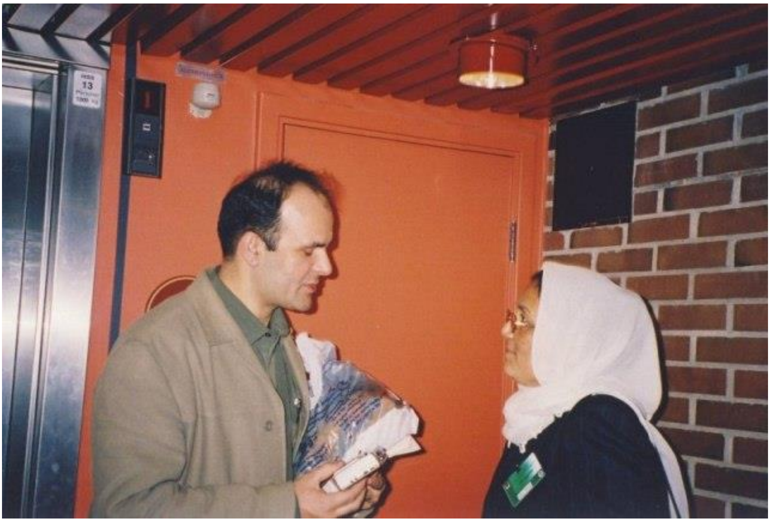

حبيبه سرابی

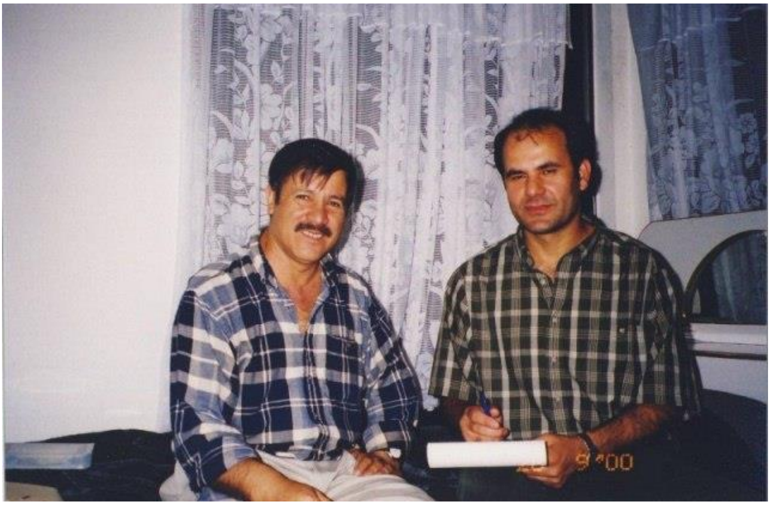

زمريالی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library



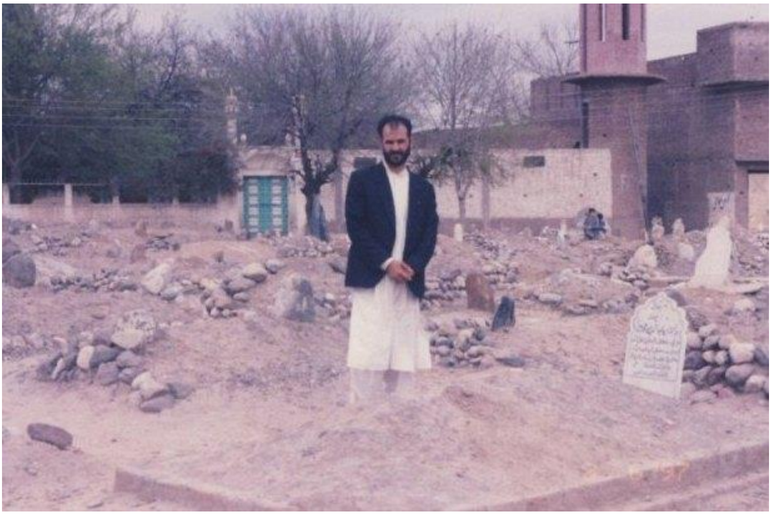

پشاور: مقبره ی مرحوم پوهاند سید بهاءوالدین مجروح

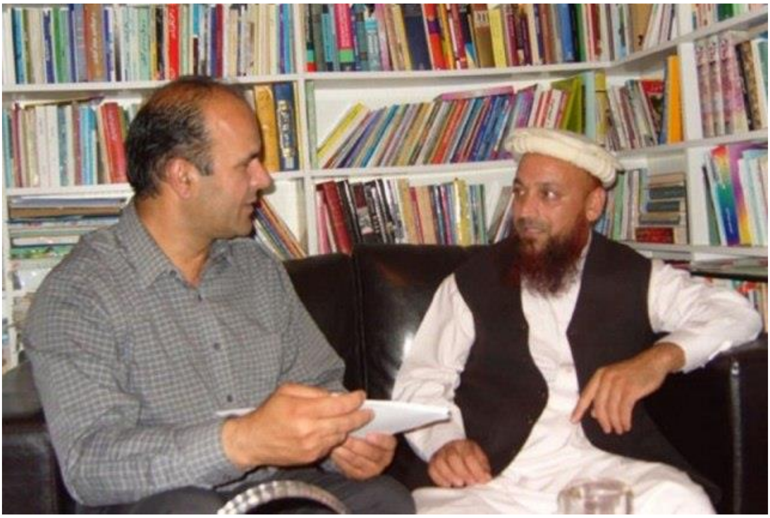

ساپی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کبیر ستوری

بی نظیر بهوتو

(c) ketabton.com: The Digital Library

داکتر فرید بزگر

(c) ketabton.com: The Digital Library



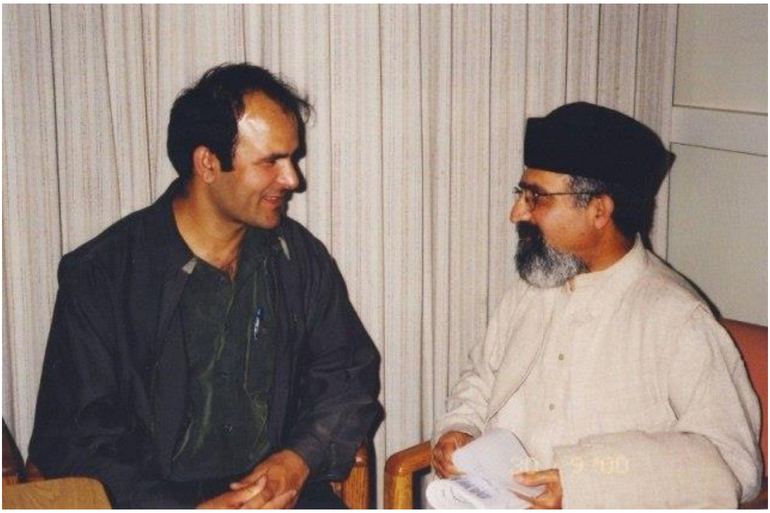

داوود مومند

(c) ketabton.com: The Digital Library



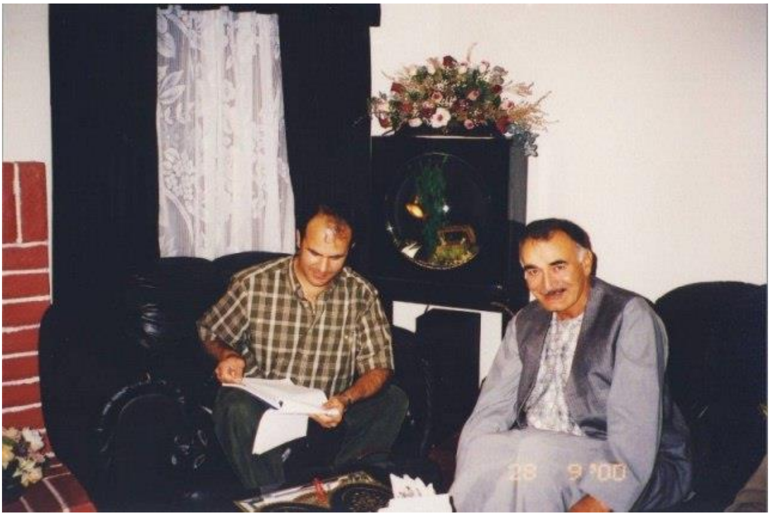

داکتر عبدالقیوم کوچی

داکتر نبی مصداق

(c) ketabton.com: The Digital Library



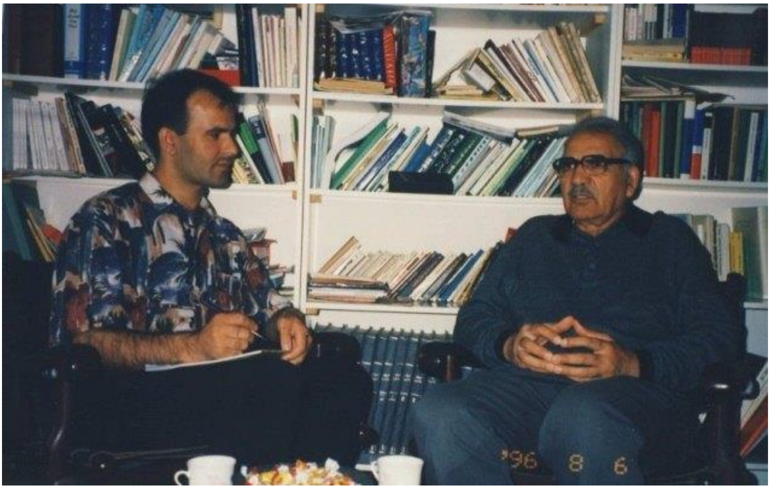


مرحوم داکتر عبدالصمد حامد

هاشم زمانی

(c) ketabton.com: The Digital Library



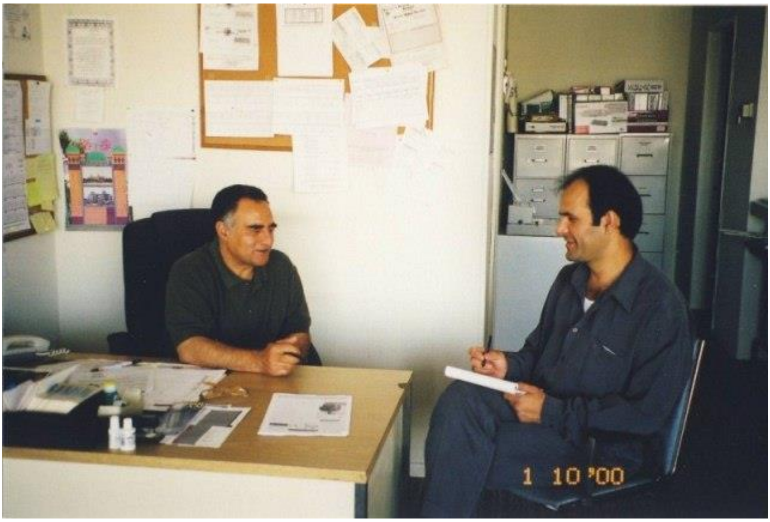

عبدالله مجروح

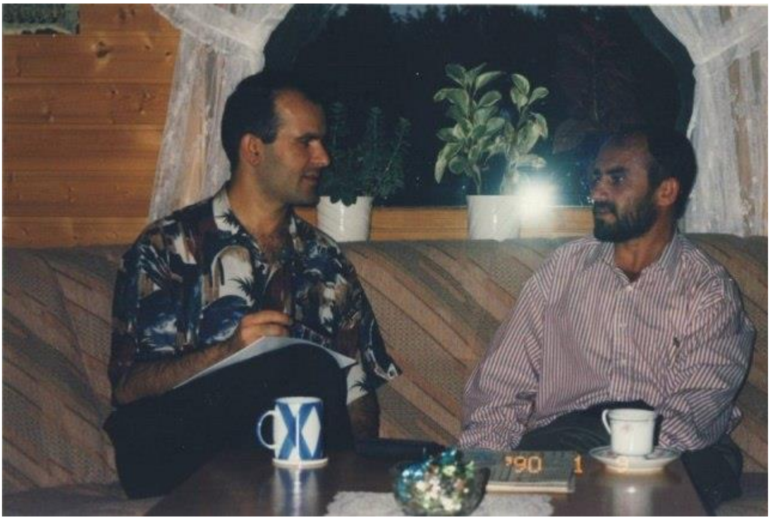

شینواری

(c) ketabton.com: The Digital Library

سراج الدين منگل

ريود ليبور

(c) ketabton.com: The Digital Library



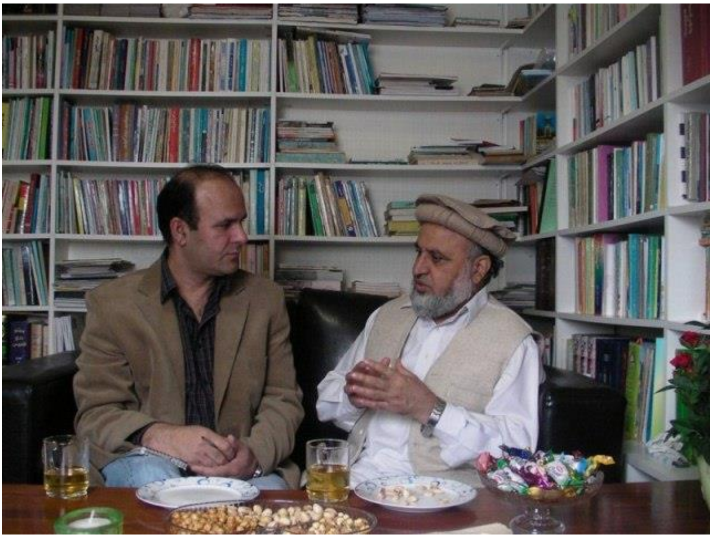

سیما ثمر

(c) ketabton.com: The Digital Library



شپږم ځپرکی:

## د انځورونو البم

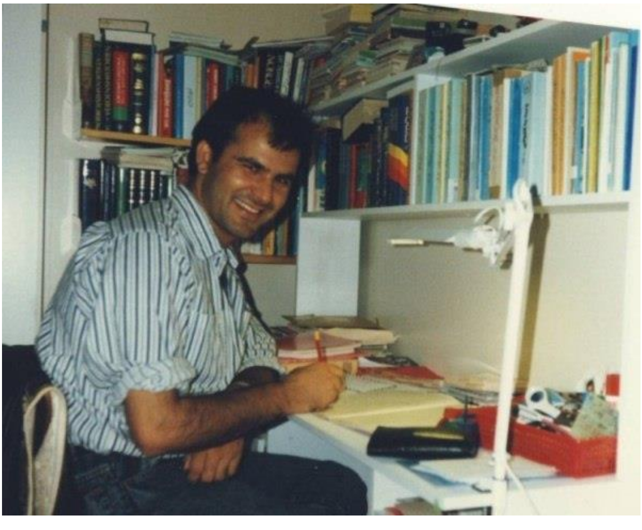

(c) ketabton.com: The Digital Library



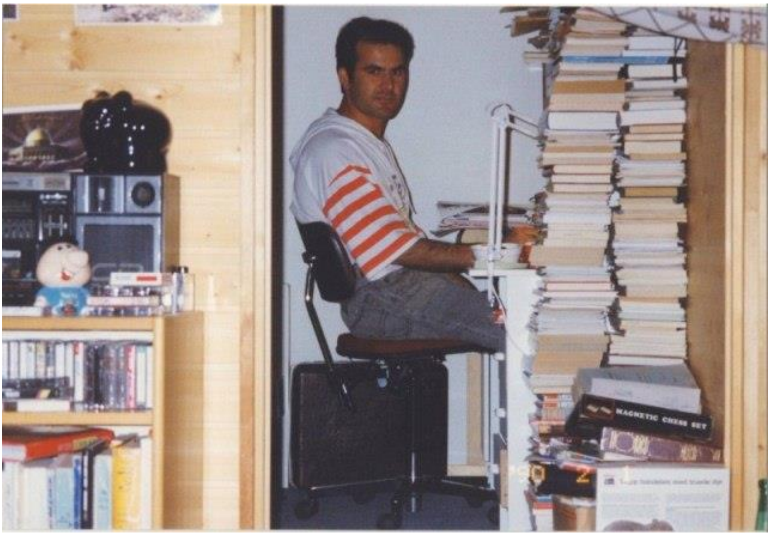


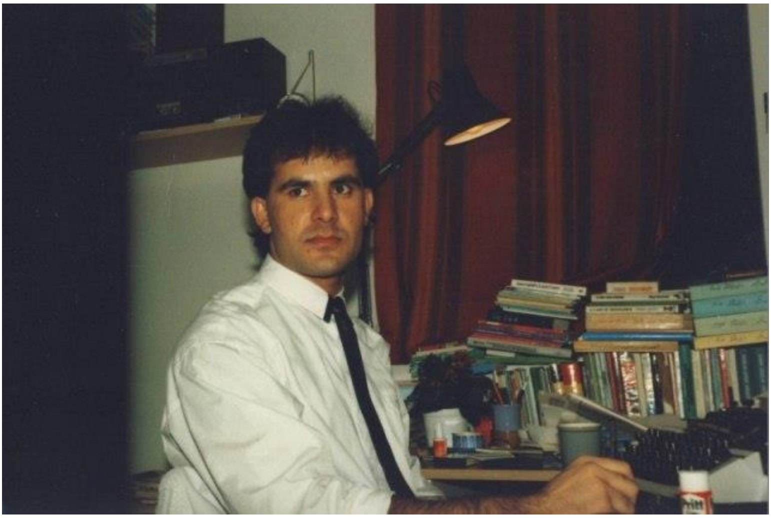

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library



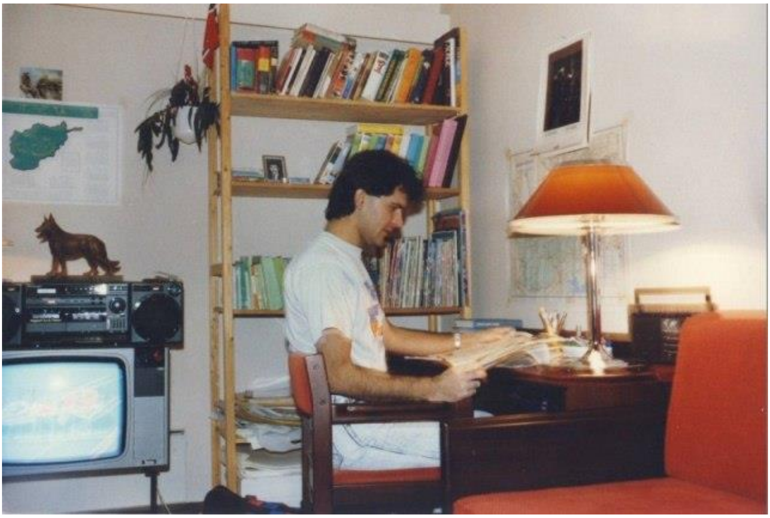

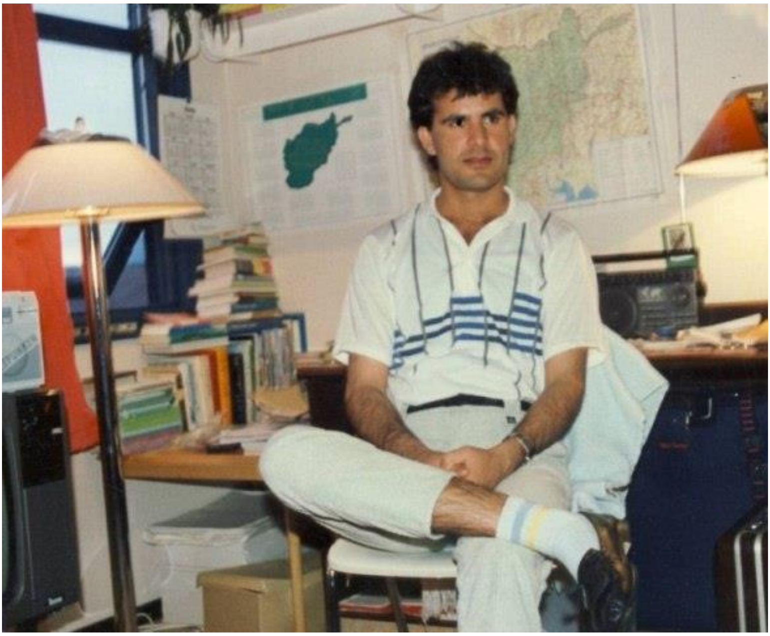

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library



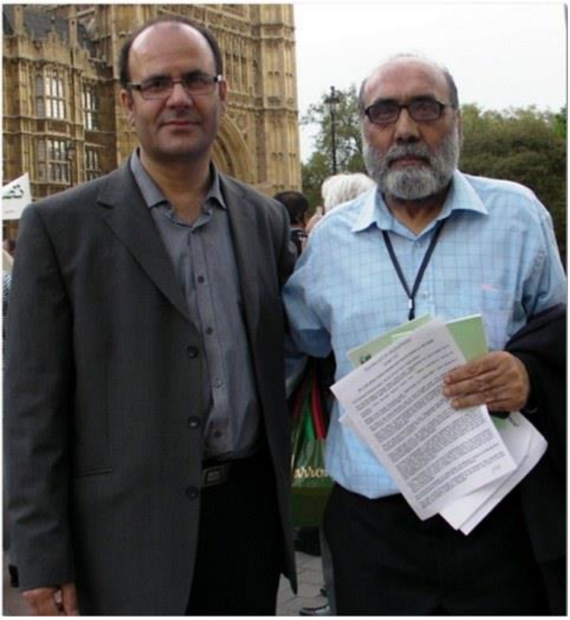

غلام محمد زرملوال

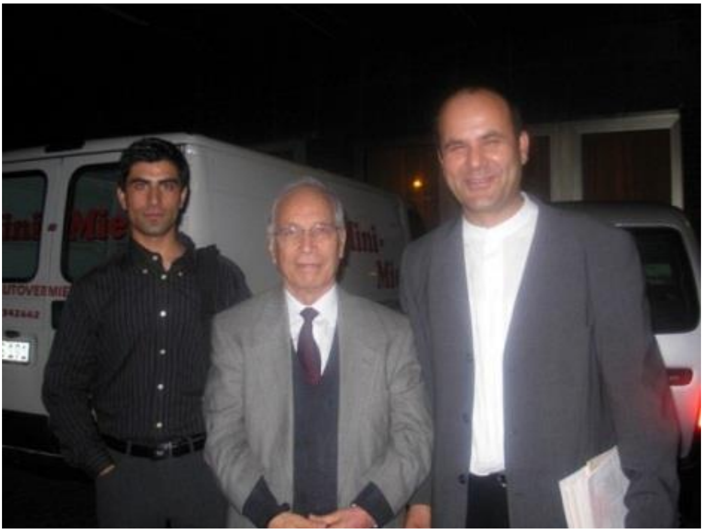

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

(c) ketabton.com: The Digital Library



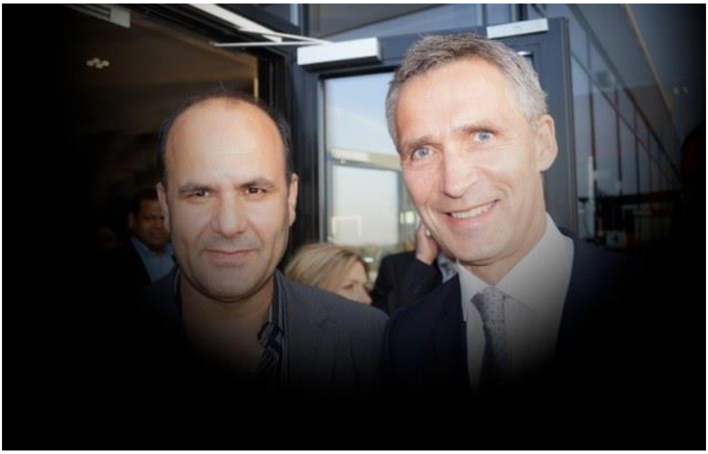

ستولتنبرگ

سفیر امریکا در ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم عبدالصمد حامد

باندویک

(c) ketabton.com: The Digital Library

از راست به چپ: استاد روستار تره کی، بزگر و غوث خبیری

ادوارد جیراد

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

## معرفی مصطفی «عمرزی»
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:
عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشرات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون«۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «ټول افغان»، وب سایت «ټول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپانه»، وب سایت «کتابتون» و واحد تولید «آمو فلم».
آفرینش های کاری- فرهنگی
برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:
۱- برنامه ی مستند تاریخی«یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۲- برنامه ی مستند تاریخی «آیینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

(c) ketabton.com: The Digital Library



۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.
۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.

تخلیقات:

۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی)- منتشر شده است.
۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی- اجتماعی)- منتشر شده است.
۳- مرز و بوم (تاریخی).
۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان)- منتشر شده است.
۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).
۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی)- منتشر شده است.
۷- افغاننامه (مشاهیر افغان)- منتشر شده است.
۸- پشتون ها (تحلیلی)- منتشر شده است.
۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).
۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی- اجتماعی).
۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط)- منتشر شده است.
۱۳- با زبان دری (تحقیقی- تحلیلی)- منتشر شده است.
۱۴- روزگار (نوستالژی).
۱۵- پاسخ (واکنش ها).
۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).

جزوه ها:

۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

(c) ketabton.com: The Digital Library



۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز)- منتشر شده است.

گردآوری ها:

۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.
۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان)- منتشر شده است.
۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه)- منتشر شده است.
۶- مُنحنی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی)- منتشر شده است.
۷- آریاییسم (تنقید پدیده ی آریایی)- منتشر شده است.
۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار)- منتشر شده است.
۹- دریَ افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن)- منتشر شده است.
۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی)- منتشر شده است.
۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
۱۳- آرکاییسم (تنقید باستانگرایی)- منتشر شده است.
۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library



۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۱۱- مشی «تحریك ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.
۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.
۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.
۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
۱۵- مرامنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
۱۶- ناگفته های ارگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها
کتاب ها و نشریات:
«سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواك؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکمیت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان- جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالك قادری).
فلم ها و برنامه های تلویزیونی:
«مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی »همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).
تاییدات فرهنگی- مدنی:
- ستایشنامه ی «پوهنځی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
- ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.
- ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.
- ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.

(c) ketabton.com: The Digital Library

# National mission

By:
Mustafa Omarzai

ISBN: 978-82-691395-3-2

**Get more e-books from www.ketabton.com**
**Ketabton.com: The Digital Library**